

# مطالعات تربیتی و روانشناسی خاندان‌واره

پاییز و زمستان ۹۸

سال اول - شماره اول - قیمت ۵۰۰۰۰ ریال



بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب امتیاز: جامعة الزهراء ع

مدیر مسئول: سید محمود مدنی بجستانی

سرمدیر: حسین رضائیان بیلندی

مدیر داخلی: خدیجه کمیجانی

ویراستار: محمد یوسفی، رقیه چاوشی

ترجمه چکیده‌های انگلیسی: فضا خاتمی‌نیا

ترجمه چکیده‌های عربی: حامد فقیهی

طراح گرافیک: محمد حسین همدانیان

## هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

محمد رضا احمدی: استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - گروه روانشناسی تربیتی

معصومه اسماعیلی: استاد دانشگاه علامه طباطبائی - گروه مشاوره

هادی حسینخانی ناثینی: استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - گروه روانشناسی تربیتی

محمد دولتخواه: استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - گروه روانشناسی تربیتی

محمد رضا سالاری فر: استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - گروه روانشناسی

محمد صادق شجاعی: استادیار جامعه المصطفی العالمیه - گروه روانشناسی

محمد مهدی صفورایی: دانشیار جامعه المصطفی العالمیه - گروه روانشناسی

مریم فاتحی زاده: استاد دانشگاه اصفهان - گروه مشاوره

علی نقی فقیهی: دانشیار دانشگاه قم - گروه تعلیم و تربیت

## داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

محمد صادق شجاعی، نجیب الله نوری، عباسعلی هراتیان

نشانی: قم، سالاریه، خیابان بوعلی سینا، جامعة الزهراء ع

تلفن تحریریه: ۰۲۵-۳۲۱۱۲۴۰۰

دورنگاز: ۰۲۵-۳۲۹۰۴۹۱۰

آدرس الکترونیکی: [fpes@jz.ac.ir](mailto:fpes@jz.ac.ir)

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

## راهنمای تدوین و ارسال مقالات

### الف) تدوین مقاله:

مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) باشد.

مقاله باید علمی پژوهشی، مستند، دارای نوآوری و حجم آن حداقل ۵۰۰۰ کلمه و حداکثر ۸۰۰۰ کلمه باشد.

### عنوان:

عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.

### مشخصات نویسنده یا نویسندگان:

شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی حوزوی و دانشگاهی به تفکیک رشته، مقطع و محل تحصیل، محل خدمت، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.

### چکیده:

آیینیه تمام نما و فشرده پژوهش است که باید دربردارنده قلمرو بحث، هدف تحقیق، جامعه و نمونه مطالعه، روش تحقیق و مهم ترین نتایج باشد و ضمن اشاره به نتیجه گیری نهایی در قالب ۱۵۰ تا ۲۵۰ کلمه تنظیم گردد. در ادامه فهرستی از واژه های کلیدی، حداقل سه واژه و حداکثر پنج واژه ذکر شود.

### مقدمه:

شامل خلاصه ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال ها و پیشینه پژوهش باشد.

### بدنه اصلی مقاله:

در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به موارد ذیل پرداخته شود:

توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم بندی مطالب در قالب محورهای مشخص.

### نتیجه گیری:

شامل یافته های پژوهش به شیوه ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته ها با اهداف پژوهش و ارائه راهکارها و پیشنهادات.

### ارجاعات:

ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه استاندارد (APA) باشد، و در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:

منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه): مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳).

منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف): مثال: (planting, 1998, p. 71).

چنانچه از نویسنده ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه): مثال: (بقره: ۲۵).

یادداشت ها و پانوشته ها: تمام توضیحات ضروری، در پایین هر صفحه آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت ها، مانند

متن مقاله، به روش درون متنی (بند ۹) خواهد بود).

## فهرست منابع:

- در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
- کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، تاریخ چاپ (ش، ق، م)، **نام کتاب**، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.
- مثال: مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: صدرا.
- مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر)، «**عنوان مقاله**»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، از صفحه تا صفحه.
- مثال: فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۹۱، «**طبقه‌بندی جریان‌های رازی‌شناسی در ایران و غرب**»، آینه میراث، ش ۵۰، بهار و تابستان، ص ۲۳۵-۲۳۵.
- مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده، «**عنوان مقاله**»، سال نشر، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر.
- مثال: قربان‌نیا، ناصر، ۱۳۸۲، «**زن و قانون مجازات اسلامی**»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نقل قول‌های مستقیم، به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی متر) از سمت راست درج گردد.
- عنوان کتاب در متن مقاله، ایتالیک، و عنوان مقاله در «» قرار گیرد.
- مقاله در الگوی ۴A با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط word، و متن مقاله با قلم B Mitra ۱۴ (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) و یادداشت‌ها و کتابنامه B Mitra ۱۲B (لاتین ۱۰ TimesNewRoman) حروف چینی شود.
- عناوین تیترها: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود.
- اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها و نمودارها، باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت‌گذاری شده و دارای زیرنویس باشد.
- رعایت آخرین نسخه دستور خط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نگارش مقالات الزامی است.

## ب) ارسال مقاله:

- مقاله ارسالی دستاورد پژوهش علمی شخص نگارنده باشد، و در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ یا ارسال نشده باشد.
- جهت ارسال مقاله از طریق ایمیل نشریه به آدرس الکترونیکی [fpes@jz.ac.ir](mailto:fpes@jz.ac.ir) با درج نام و نام خانوادگی کامل نویسنده یا نویسندگان، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی، نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی، فایل اثر بارگذاری و ارسال شود.
- فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناختی خانواده در رد، قبول، چاپ، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود.
- فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت؛ کلیه مسؤولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در متن مقاله، بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.
- نامه پذیرش مقاله تنها پس از انجام اصلاحات مورد نظر داوران و تأیید نهایی صادر خواهد شد.
- ارتباط با مدیر مجله تنها از طریق تلفن ۰۲۵ - ۳۲۱۱۲۴۰۰ و نشانی الکترونیکی دفتر مجله ([fpes@jz.ac.ir](mailto:fpes@jz.ac.ir)) امکان پذیر است.



## فهرست مطالب:

- ۷ شیوه‌های تربیت اخلاقی فرزندان، برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام  
علی نقی فقیهی / خدیجه اسفندیاری / رضا جعفری هرندی
- ۲۵ تهدیدهای اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان  
هاجر ذبیحی
- ۵۳ بررسی سیره رفتاری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با همسران  
رؤیا کاظمی
- ۶۷ الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها‌السلام در ارتباط با همسرداری  
ثریا شاعیدی
- ۸۷ کاهش جمعیت و تاثیر آن بر روابط انسانی در خانواده و جامعه  
معصومه مؤذن
- ۱۰۳ بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان  
اکرم حبیبی خاوه



# شیوه‌های تربیت اخلاقی فرزندان، برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام

علی نقی فقیهی<sup>۱</sup> / خدیجه اسفندیاری<sup>۲</sup> / رضا جعفری هرندی<sup>۳</sup>

## چکیده

تربیت اخلاقی فرایند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفایی و پرورش فضایل به همراه اصلاح یا از بین بردن ردایل اخلاقی است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی شیوه‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام است که در تدوین آن از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در راستای رسیدن به اهداف پژوهش، از فرم‌های فیش برداری از منابع مرتبط با موضوع استفاده شده و پس از جمع‌آوری با شیوه‌های کیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از یافته‌های تحقیق این است که: الف) اساسی‌ترین مسئله در سعادت انسان، فراگیری شیوه‌های تربیت اخلاقی است. ب) شیوه‌های تربیت اخلاقی، مبتنی بر اصول و هماهنگ با اهداف عالیّه آفرینش است. ج) در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به چهار دسته شیوه‌های «زمینه‌ای»، «انگیزشی»، «شناختی» و «هدایتی» تأکید شده است. د) برای عملیاتی ساختن هردسته از شیوه‌ها، فنون گوناگونی ارائه شده است. کلید واژگان: تربیت اخلاقی، شیوه‌ها، فنون تربیتی، روایات اهل بیت علیهم‌السلام.

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم faqhihi83@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته سطح سه جامعه الزهرا علیها‌السلام khesfandiyari@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم rjafarih@yahoo.com

## مقدمه

براساس بینش اسلامی، هراسانی، با فطرت الهی و گرایش به اخلاق حسنه متولد می‌شود و ساختار وجودی انسان، او را به سوی خداجویی، حقیقت‌شناسی، ارزش و کمال خواهی هدایت می‌کند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر نوزادی با فطرت خداجویی زاده می‌شود، مگر اینکه (عوامل محیطی مانند):

پدر و مادر او را منحرف سازند<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳).

پدر و مادر نیز با تربیت اخلاقی مناسب می‌توانند از انحراف فرزند خود جلوگیری کنند.

برای بسترسازی مسئله مورد بحث، چند مفهوم را تبیین می‌کنیم:

الف: شیوه تربیتی

معمولاً شیوه و روش، به یک مفهوم به‌کار می‌رود و در لغت به معنای راه، سبک، طریقه و فن

آمده است. اما در اصطلاح تعلیم و تربیت، شیوه تربیتی تعریف شده است:

رفتارها، گفتارها و حالت‌هایی که با هدف تأثیرگذاری در مرتبی، از مربی صادر

می‌شود و در تحقق اهداف تربیتی مؤثر می‌افتد (فائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

ب: تربیت اخلاقی

برای دستیابی به مفهوم تربیت اخلاقی، ابتدا دو واژه تربیت و اخلاق را تعریف می‌کنیم. «تربیت»

در لغت از دو ریشه «ربو» و «ربب» اشتقاق یافته است؛ از ریشه «ربو» بیشتر ناظر به پرورش جسمی

و به معنای «افزودن» و «پروراندن»، و از ریشه «رب» بیشتر ناظر به پرورش روحی و معنوی و به

معنای «سرپرستی کردن»، «رهبری کردن» و «به‌اعتدال رساندن» است (کبیری و معلمی، ۱۳۸۸،

ص ۶۹). تربیت از نظر دانشمندان تربیتی فعالیتی منظم و تدریجی برای کشف استعدادها و از قوه

به فعلیت رساندن آنهاست (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲).

اخلاق در لغت، جمع «خُلُق» یا «خُلُق» به معنای سنجیه و طبیعت باطنی است (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲، ص ۲۹۷) و به صفاتی اطلاق می‌شود که بر اثر تکرار، در نفس انسان به صورت ملکه درآمده

و رفتار متناسب با آن، بدون تأمل از انسان صادر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۴). بنابراین،

۱. «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ».



«تربیت اخلاقی» به معنای چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعداد‌های درونی انسان جهت رشد و تثبیت صفات پسندیده اخلاقی (شکوفای کردن ظرفیت‌های اخلاقی) به منظور انجام رفتارهای پسندیده اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است؛ به طوری که این ویژگی‌ها، برای انسان به صورت ملکه درآید (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

موضوع تربیت اخلاقی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می‌شود (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۴۸). هدف تربیت اخلاقی، پرورش استعداد‌های درونی انسان برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی است. از دیدگاه علامه طباطبائی، هدف تربیت اخلاقی، رسیدن به توحید در زمینه اعتقاد و عمل است. بنابراین، تربیت اخلاقی باید به عبودیت الهی بینجامد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۷). علامه معتقد است این هدف و این روش، مخصوص قرآن است (در مقابل گروهی که هدف را تأمین قوانین اجتماعی یا عرف جامعه می‌دانند) (همان، ص ۳۵۵ و ۳۵۶). مسلم است که برانگیختن، فراهم ساختن و به‌کار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی، همه به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی است. در تربیت اخلاقی تلاش می‌شود با بهره‌گیری از دانش‌تعلیم و تربیت و یافته‌های تربیت، اهداف اخلاقی را عینیت بخشید (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۸). انسان در پرتو تربیت اخلاقی، از رذایل و صفات نکوهیده می‌رهد و به فضایل و خصلت‌های ستوده آراسته می‌شود و فضایل با تکرار اعمال شایسته و با التزام به انجام افعال نیکو، به تدریج در نفس رسوخ یافته و از افعال زشت دوری نموده، رو به سوی تعالی می‌نهد (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۴).

در جوامع دینی و مذهبی، تربیت اخلاقی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده و تحت عناوینی نظیر تغییرپذیری اخلاق، تأثیرگذاری تربیت بر اخلاق، شیوه درمان بیماری‌های اخلاقی، کیفیت تخلق به اخلاق حسنه و روش تغییر اخلاق، در آثار فارابی، ابن‌سینا، ابن‌مسکویه، غزالی، فیض‌کاشانی و ... به بحث گذاشته شده است (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). امروزه در جهان معاصر نیز تربیت اخلاقی بسیار مهم دانسته شده، تا جایی که پاره‌ای از دانشوران تعلیم

و تربیت در مغرب زمین، قرن بیستم را قرن تربیت اخلاقی نامیده‌اند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

## دسته‌بندی روش‌های تربیت اخلاقی

در زمینه روش‌های تربیت اخلاقی، برخی از محققان در زمینه روش‌های تربیت اخلاقی، هیچ‌گونه دسته‌بندی انجام نداده‌اند و صرفاً به ذکر روش‌هایی بسنده کرده‌اند؛ به عنوان نمونه: فرم‌هینی و همکاران (۱۳۸۸)، ۲۹ روش را مطرح کرده‌اند. شریفی (۱۳۸۹) مهم‌ترین شیوه‌های تربیت اخلاقی از نگاه نهج البلاغه را حکمت، تربیت عقلانی، تذکر و یادآوری نعمت‌ها، موعظه، خطابه، عبرت‌آموزی، دانسته است. اخوی (۱۳۹۰) مهم‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی را از دیدگاه اسلام، روش اعطای بینش، مطالعه و تفکر، تذکر و یادآوری نعمت‌ها، اعتدال و توازن، تغافل، ایجاد انگیزه و روش الگویی بیان کرده است. صمدی، دوایی و اقبالیان (۱۳۹۱) شش روش را از سه اصل استخراج کرده است: دو روش تبیین ارزش‌های اخلاقی و مبارزه با هوای نفس را از اصل «تعامل تفکر و تعبد اخلاقی»، روش‌های «پاک کردن محیط مظاهر فساد» و «امر به معروف و نهی از منکر» را از اصل «درهم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی»، روش‌های «تحریک ایمان و اعتقادات دینی متربیان» و «پرورش میل و اشتیاق در به دست آوردن فضیلت‌ها و توانایی مخالفت با ردیلت‌ها» را از اصل «تعامل انگیزه و عمل» به دست آورده است. اما محققان دیگری تقسیم‌بندی‌هایی را انجام داده‌اند؛ از جمله: کبیری و معلمی (۱۳۸۸) روش‌های تربیت اخلاقی را به سه دسته «خودسازی»، «دیگرسازی» و «روش‌های مشترک» تقسیم کرده‌اند. داودی (۱۳۹۰) روش‌ها را به «زمینه‌ساز پرورش آگاهی و بصیرت اخلاقی»، «پرورش گرایش‌ها و عادت‌های مطلوب اخلاقی» و «روش‌های اصلاح رذایل» تقسیم نموده است. فقیهی (۱۳۹۴) روش‌های تربیت اخلاقی را به «بینشی»، «گرایشی» و «عملی» تقسیم نموده است؛ به این دلیل که به صورت منطقی، طبیعی و فلسفی، هر عملی از جمله تربیت اخلاقی به علم و شناخت، سپس میل و گرایش و آنگاه اراده و عمل نیاز دارد. همچنین در مقام تعارض میل‌ها، شناخت است که تصمیم می‌گیرد کدام یک مقدم باشد و فائق آید و اراده نیز تبلور میل‌هاست. ملاحظه می‌شود که تقسیم‌بندی‌های مذکور براساس روایات اسلامی صورت نگرفته است و چون بحث این تحقیق، تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلامی است، لازم است تقسیم‌بندی روش‌ها نیز براساس روایات اسلامی صورت گیرد. با توجه به مطالب مذکور، مسئله مورد پژوهش در این

مقاله آن است که از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام چه شیوه‌هایی در این زمینه کارآمد است و باید والدین آنها را برای تربیت فرزندان به کار گیرند؟

بدین منظور، آموزه‌های دینی در منابع روایی مرجع، در زمینه تربیت اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مهم‌ترین شیوه‌های تربیت اخلاقی که اهل بیت علیهم السلام بر آنها تأکید دارند، دسته‌بندی و تبیین می‌شود.

با توجه به اینکه متون روایی، در زمینه تربیت اخلاقی مطالعه شده و شیوه‌ها و فنون استخراج شده، مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است، روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این راستا روایات معصومان علیهم السلام، جامعه پژوهش و روایات مربوط به تربیت اخلاقی، نمونه پژوهش را تشکیل می‌دهد. برای جمع‌آوری داده‌ها، از فرم‌ها و فیش‌های اطلاعاتی استفاده شد و داده‌ها به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در زمینه توصیه به والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان، چهار شیوه به چشم می‌خورد:

## ۱. شیوه‌های زمینه‌ای:

شیوه‌های زمینه‌ای شیوه‌هایی هستند که زمینه‌ها، موقعیت‌ها و شرایط را برای به فعلیت درآوردن فطرت اخلاقی فراهم می‌آورند. فطرت، زمینه‌ای درونی است که با فراهم آوردن موقعیت‌ها و شرایط محیطی، می‌تواند آن زمینه را به فعلیت رساند (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). در جامعه، مدرسه و به خصوص خانواده، حاکمیت اصول اخلاقی، بسیار مؤثر است؛ زیرا با این اصول، ارزش‌خواهی فطری کودکان پرورش می‌یابد و روی‌آوری آنان به خوبی‌ها، شکوفا می‌شود. از این رو، تربیت اخلاقی، هنگامی تحقق می‌یابد که شرایط محیطی برای پرورش دادن و تکامل بخشیدن به همان زمینه‌ها و مقتضیات فطری انسان‌ها، فراهم شود و البته باید کوشش شود تا موقعیت‌های محیطی و تربیتی، با آن زمینه‌های فطری در تضاد نباشد؛ زیرا انحرافات تربیتی و اخلاقی، از این عوامل تحمیلی پدیدار می‌شود. لزوم بهره‌گیری از شیوه زمینه‌ای، براساس آموزه‌های معصومان علیهم السلام شامل تمام مراحل کودکی، به ویژه مراحل اولیه آن است. در زیر، به تعدادی از فنون، عملکردها و به‌کارگیری راهکارها برای تحقق اهداف تربیتی. که به آنها شیوه‌های تربیتی گفته می‌شود. اشاره می‌کنیم:

## ۱-۱. فضاسازی انس با خدا:

خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۲۳ / طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۸)، یادآوری نام و ویژگی‌ها و نعمت‌های پروردگار<sup>۲</sup> (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۰) و مانند آن، فضایی روانی و خلقی برای انس با خدا در مرتبه فراهم می‌سازد و موجب می‌شود فرد در ارتباط با خدا، خود را با ارزش ببیند و هویت اخلاقی‌اش کشش الهی پیدا کند.

## ۱-۲. بسترسازی رشد شخصیت عاطفی:

این فن، بستری را فراهم می‌کند تا کودک با تأثیر از آن، ارزشمندی خود را درک کند و به مرور توانمندی‌های عاطفی مطلوب او در گرایش به خوبی‌ها، به فعلیت برسد. احادیث این بسترسازی را با فنونی چون: نام نیک نهادن<sup>۳</sup> (راوندی کاشانی، بی تا، ص ۶ / کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۸)، احترام گذاشتن<sup>۴</sup> (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲)، سلام کردن<sup>۵</sup> (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۱)، نیکو خطاب نمودن<sup>۶</sup> (نهج البلاغه، نامه ۳۱ / ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۸-۸۹)، احوالپرسی، به ویژه عیادت بیمار<sup>۷</sup> (محمدنور ابن عبدالحفیظ، ۱۴۱۶، ص ۲۵۰)، گفتار توأم با صداقت و درستی و وفای به عهد<sup>۸</sup> (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۰ / ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۱۹) و محبت‌هایی نظیر در آغوش گرفتن<sup>۹</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳،

۱. روایت شده که زمان ولادت امام حسن علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله در گوششان اذان گفتند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَوَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ».
۲. امام علی علیه السلام فرمودند: «ذَكَرَ اللَّهُ تَسْتَنْجِحَ بِهَ الْأُمُورِ وَتَسْتَنْبِرَ بِهَ السَّرَائِرِ».
۳. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُ بِهَ أَحَدُكُمْ وَوَلَدَهُ الْإِسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَوَلَدِهِ».
۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ».
۵. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ... وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الضُّبَّانِ لَتَكُونَ شَنَّةٌ مِنْ بَعْدِي».
۶. امام علی علیه السلام فرزندشان را چنین خطاب می‌کنند: «أَيُّ بَنِي إِيَّايَ وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عَمْرُتَ عَمْرَمَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ...».
۷. بخاری از انس بن مالک نقل می‌کند: «نُوجِنِي بِبِهِدِي كِهْ بِهَ بِبِامْبِرِ صلی الله علیه و آله خِدْمَتِ مِي كَرْد، مَرِيضُ شُد. بِبِامْبِرِ صلی الله علیه و آله بِهَ عِبَادَتِ اُو رَفْت وَ بَر بَالِيْنِ اُو نَشَسْتُ وَ...».
۸. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «إِذَا وَاعَدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ فَلْيُنِجْزِ». همچنین امام علی علیه السلام والدین را از دروغ‌گویی نهی می‌کنند: «لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكُذْبِ جِدٌّ وَلَا هَزْلٌ وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ إِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورُ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَ...».
۹. امام باقر علیه السلام از امام حسن علیه السلام نقل می‌کنند که فرمودند: «دَخَلْتُ أَنَا وَأَخِي عَلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَأَجْلَسَنِي عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْسَرِ وَأَجْلَسَ أَخِي الْحَسَنَ عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ قَبَّلَنَا وَقَالَ يَا بَنِي أَنتُمَا مِنْ إِمَامَيْنِ سَبَطَيْنِ».

ج ۳۶، ص ۲۵۵، ش ۷۲)، نوازش کردن و بازی کردن<sup>۱</sup> (مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۸۵)، بوسیدن<sup>۲</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۴۰، ش ۳۴۹۰۵) و ارتباط کلامی ملایم و دلپذیر با فرزند<sup>۳</sup> (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، تأکید نموده است. همچنین برای پیشگیری از آسیب‌های روانی و عاطفی، بر فنونی چون: سهل‌گیری<sup>۴</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۳۶۴)، عدم تبعیض<sup>۵</sup> (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۰)، به رُخ نکشیدن مستمراً خطاً<sup>۶</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۴)، عدم تحقیر و سرزنش<sup>۷</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۱)، ممنوعیت تنبیه بدنی<sup>۸</sup> (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۹) و بی‌محبتی<sup>۹</sup> (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۴۸۵) توصیه شده است.

### ۱-۳. ایجاد محیط روانی معنوی و مصونیت بخشی از شیطان:

در روایات، بر فنونی تأکید شده است که فضای روانی معنوی و ارزشی را در فرایند رشد کودک حاکم ساخته و زمینه‌های تأثیرگذاری عوامل محیطی را برای رفتن به راه‌های شیطانی کاهش می‌دهد<sup>۱۰</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳). مثلاً کودکی که در گوشش اذان و اقامه گفته می‌شود،

۱. جابر بن عبدالله می‌گوید: «دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ﷺ عَلَى ظَهْرِهِ وَهُوَ يَجْتُو لِيَهُمَا وَيَقُولُ نِعْمَ الْجَمَلُ جَمَلَكُمَا وَنِعْمَ الْعَدْلَانِ أَنْتُمَا». نیز ابن ابی الحدید نقل می‌کند که: «سابق یوما بین الحسنین وبنیه فسبق الحسن فأجلسه علی فخذہ الیمنی ثم أجلس الحسنین علی الفخذ الیسری» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۲۷).

۲. مفضل می‌گوید: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ﷺ وَعَلِيٍّ ابْنَهُ فِي خَجْرِهِ وَهُوَ يَقْبَلُهُ وَيَمْسُ لِسَانَهُ وَيَضَعُهُ عَلَى عَاتِقِهِ وَيَضُمُّهُ إِلَيْهِ وَيَقُولُ يَا أَبِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحًا وَأَطْهَرَ». و همچنین پیامبر ﷺ نیز فرموده‌اند: «قَاتِلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسُمِائَةِ عَامٍ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۰).

۳. امام علی ﷺ به فرزندشان امام حسن ﷺ چنین ابراز محبت می‌کردند: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كَلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَنَاكَ أَنَا فِعْنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَغْنِبُنِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا مُسْتَظْهِرًا بِهِ».

۴. روایت شده در زمان امام زین العابدین ﷺ نمازها در وقت خودش خوانده می‌شد؛ یعنی نماز ظهر و ظهر در نماز عصر در عصر، اما امام ﷺ به فرزندان خویش می‌فرمودند: «نماز مغرب و عشا را با هم و نماز ظهر و عصر را نیز با هم بخوانید» وقتی از ایشان پرسیده شد که چرا فرزندان شما نماز را در غیر وقتش می‌خوانند؟ فرمودند: «این کار برای فرزندان بهتر است از اینکه بخوابند و نماز نخوانند».

۵. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «اغْدُلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُجْبُونَ أَنْ يَغْدُلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ».

۶. امام علی ﷺ فرمودند: «... وَالْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَسْبُ نِيزَانَ اللَّجَاجَةِ... وَلَا تَكْثُرِ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّغِينَةَ...».

۷. امام صادق ﷺ فرمود: «مَنْ حَقَّرَ النَّاسَ وَتَجَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَذَلِكَ الْجَبَّارُ».

۸. امام موسی کاظم ﷺ به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و شکایت می‌کرد، فرمودند: «لَا تَضْرِبُهُ وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطَلِّ».

۹. روایت شده: «وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُقْبَلُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ فَقَالَ الْأَفْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَالِدِ مَا قَبَلْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ».

۱۰. پیامبر اکرم ﷺ در سفارش به علی ﷺ می‌فرمایند: «يَا عَلِيُّ إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَادْنُ فِي أَدْنَاهِ الْيَمْنَى وَأَقِمِ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا».

زمینه‌ای برای پرورش استعدادهای بالقوهٔ درونی‌اش فراهم می‌شود و او را تا حدودی از ابتلا به اختلالات روانی و شر شیطان مصون می‌دارد<sup>۱</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳) و یا نام نیک و احترام به کودک، بستر مناسبی را برای با ارزش دیدن خود و دیگران فراهم می‌سازد و به خویش و دیگران احترام می‌گذارد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۷۱). در روایات تصریح شده است که کسی که نام نیک خود را خوب، زیبا و با عزت می‌داند، روانش شیطانی نمی‌شود<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۰) و حتی از پدید آمدن برخی احساس حقارت‌های متربی که از نام‌های زشت برایش پدیدار می‌شود، پیشگیری می‌شود<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۰).

#### ۱-۴ فراهم‌سازی امنیت روانی:

امنیت روانی، بستری را فراهم می‌سازد که برای فرزندان، بروز استعدادها و خلاقیت‌های بدون احساس ترس و نگرانی را سبب می‌شود. به علاوه اعتماد آنان به والدین و محیط، افزایش می‌یابد، تا جایی که اراده‌ای قوی و فکری مستقل پیدا می‌کنند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۹۴ و ۹۹). ایجاد امنیت، تنها به معنای فراهم آوردن سرپناهی که فرزندان را از سرما، گرما، دشمن، حیوانات درنده و... در امان نگه دارد، نیست. بیشتر اوقات، دعوا، جر و بحث‌های گفتاری و سوء تفاهمات بین والدین، از عمده‌ترین عوامل مخل امنیت و آرامش در خانواده‌ها هستند که سبب می‌شوند کودک حرف‌های درونی خود را با جرأت تمام بیان نکند و آشکار نسازد. برعکس، والدین می‌توانند با پرورش امید به خدا و لطف او، برآورده ساختن خواسته‌های معقول فرزندان و پذیرش حق از آنان، سپاس‌گزاری از خداوند به دلیل نعماتش، پرداخت صدقه به دیگری با دست فرزندان و بردن نام خداوند در هر کاری، تا حدودی امنیت و آرامش روانی را وارد منازل خویش کنند.

۱. پیامبر اکرم ﷺ در سفارش به علی علیه السلام می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَأَذِنُ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَأَقِمَّ فِي الْبَيْتِ فَإِنَّهُ لَا يَصُرُّ الشَّيْطَانَ أَبَدًا»
۲. از جابر نقل شده که: «أَرَادَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ الرُّكُوبَ إِلَى بَعْضِ شِيعَتِهِ لِيُعَوِّدَهُ فَقَالَ يَا جَابِرُ الْحَقْنِي فَتَبِعْتُهُ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى بَابِ الدَّارِ خَرَجَ عَلَيْنَا ابْنُ لَهُ صَغِيرٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ مَا اسْمُكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَالَ فَبِمَا تَكُنِّي قَالَ بَعْلِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ لَقَدْ اخْتَلَطَتْ مِنَ الشَّيْطَانِ اخْتِطَارًا شَدِيدًا».
۳. امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّا لَنُكْنِي أَوْلَادَنَا فِي صَعْرِهِمْ مَخَافَةَ النَّبْرِ أَنْ يَلْحَقَ بِهِمْ».

## ۵-۱. تمهیدات عملکردی:

از جمله تمهیدات عملکردی، می توان به آماده سازی مقدمات عبادی مثل نماز، روزه در ماه مبارک رمضان و...<sup>۱</sup> (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۲۹)، استفاده از رنگ های شاد<sup>۲</sup> (شعیری، بی تا، ص ۷۱)، نغمه های خوش قرآن، اذان<sup>۳</sup> (رشید رضا، بی تا، ج ۶، ص ۴۴۵) و... برای جذب فرزندان و به ویژه نوجوانان، همچنین حضور در اماکن مذهبی مانند مساجد و حسینیه ها برای مراسم جشن یا عزای ائمه علیهم السلام اشاره نمود.

## ۶-۱. رشد جسمی مناسب:

اهل بیت علیهم السلام همان طور که برای رشد روح و روان برنامه متعالی و جامع ارائه داده اند، برای تغذیه جسمانی بشر، نیز، هرم غذایی خاصی را مطرح نموده اند، مانند اینکه نوزاد از ابتدای تولد، از شیر مادر تغذیه نماید؛ زیرا تأثیر بسزایی در بُعد شناختی، جسمانی و دینی او دارد<sup>۴</sup> (امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۴). لذا زنان کم عقل، بد زبان، بسیار زشت، حرام خوار، شراب خوار، دشمن اهل بیت علیهم السلام و یا کسانی که نقص جسمانی (مانند ضعف بینایی) دارند، نباید به نوزاد شیر دهند<sup>۵</sup> (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۲) و یا اینکه والدین در مراحل بعدی رشد فرزندان دقت نمایند که غذای دارای سلامت ظاهری (عدم میکروب، ویروس و سایر آلودگی ها) و باطنی (لقمه ی حلال) برای آنان تهیه نمایند<sup>۶</sup> (بقره، ۱۶۸ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۴۷)؛ زیرا حلال، حرام و یا شبهه ناک بودن غذا و حتی امکاناتی که در اختیار کودکان قرار می دهند، در تمایل ایشان به رذایل و فضایل اخلاقی مؤثر است<sup>۷</sup> (حرعاملی، ج ۱۷، ص ۸۲، ش ۳).

۱. امام علی علیه السلام فرمودند: «من لم يأخذ أهية الصلاة قبل وقتها فما وقرها».

۲. «... إِنَّمَا بَقَرَةٌ ضَرْفَاءُ فَافِعٌ لَوْثُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره: ۶۹). پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ أَذْخَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً سِرَاجًا فِي الْمَسْجِدِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً وَكَتَبَ لَهُ عِبَادَةَ سَنَةٍ وَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مَدِينَةٌ» (شعیری، بی تا، ص ۷۱).

۳. نویسنده المنار می نویسد: «جذابیت و کشش اذان، به قدری اثربخش است که مسیحیان متعصب، به عمق و عظمت تأثیر آن در روحیه شنوندگان، اعتراف می کنند...».

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ».

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «رَضَاعُ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِرْضَاعِ النَّاصِبِيَّةِ فَاحْذَرُوا النَّصَابَ أَنْ تُطَايِرُوهُمْ وَلَا تُتَاكِحُوهُمْ وَلَا تُؤَادُوهُمْ» و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِيَّاكُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُنْشِئُهُ عَلَيْهِ».

۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَقَسَمَ لَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ مِنْ جِلْبَاهَا وَعَرَضَ لَهُمْ بِالْحَرَامِ».

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ جِلْبِهِ و...».

## ۲- شیوه‌های انگیزشی:

این بخش شامل فنونی می‌شود که رغبت و انگیزه روی آوری به فضایل اخلاقی را در فرزندان افزایش می‌دهد و از رذایل دور می‌نماید. مهم‌ترین ابزار برای ایجاد انگیزه و جذب کودکان به ارزش‌های تربیت اخلاقی، آگاهی بخشی از الطاف و محبت‌های الهی، شخصیت دادن و تشویق کردن آنان است (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۵۳). در تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام در راستای این دسته از شیوه‌ها، فنون زیر تبیین شده است:

### ۲-۱. تبیین نقش خدا در زندگی و آگاهی‌های جذاب:

کودکان در مراحل ابتدایی رشدشان چندان قدرت تحلیل از اطراف خود ندارند، شاید مسائل گوناگونی رخ دهد، اما آنان بدون توجه خاص، از کنارشان بگذرند؛ به همین جهت والدین باید گاهی اوقات به تبیین آنها بپردازند و از طریق جملات زیبا و جذاب، ایشان را آگاه نمایند. تبیین مسائلی مانند محبت خداوند نسبت به کودکان<sup>۱</sup> (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۳۸ / ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۷۰ / بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۶۲۲)، برشمردن نعمات اعطایی پروردگار<sup>۲</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۳) و حتی شرکت دادن آنان در مراسم دعا، جلسات علمی و دینی<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۸۷، ش ۳ / نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۴۵۵) می‌تواند در رشد متعالی آنان مؤثر باشد.

### ۲-۲. تشویق و واکنش مطلوب:

نقش تشویق و واکنش‌های مطلوب هنگام انجام فضایل، در تربیت اخلاقی بسیار مؤثر است؛ زیرا اگر شرایط، حدود و مسائل مربوط به آن رعایت شود، نتایج سازنده و پُر فایده‌ای در تربیت به جای می‌گذارد. مواردی همچون تمجید و اهدای هدایا برای نیکوتر انجام دادن رفتارهای

۱. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «الولد کبد المؤمن إن مات قبله صار شفیعاً له وإن مات بعده یستغفر له فیغفر الله له».

۲. لقمان به فرزندش می‌گوید: «یا بُنَّیَّ مَنْ ذَا الَّذِیْ عَبَدَ اللهُ فَخَذَلَهُ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ ابْتِغَاهُ فَلَمْ یَجِدْهُ یَا بُنَّیَّ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ ذَكَرَهُ فَلَمْ یَذْکُرْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ تَوَكَّلَ عَلَی اللهِ فَوَكَّلَهُ اِلَیَّ غَیْبَهُ وَمَنْ ذَا الَّذِیْ تَصَرَّعَ اِلَیْهِ جَلَّ ذِکْرُهُ فَلَمْ یَرَحْمَهُ».

۳. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «كَانَ اَبِیِّ علیه‌السلام اِذَا خَرَبَهُ اَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَاقْتَمُوا». نیز روایت شده: «دَخَلَ اَبُو طَالِبٍ اِلَی النَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَهُوَ یُصَلِّیْ وَعَلِیُّ علیه‌السلام یَجْنِبُهُ وَكَانَ مَعَ اَبِی طَالِبٍ جَعْفَرُ فَقَالَ لَهُ اَبُو طَالِبٍ صَلِّ جَنَاحِ ابْنِ عَمِّكَ فَوْقَ جَعْفَرٍ عَلَی نَسَارِ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الْحَبْر».



پسندیده<sup>۱</sup> (سوره ص: ۴۴ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۶۷)، ابراز نشاط روحی و شادمانی هنگام اجرای اعمال صالح<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۹ / ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۹۱) و مشورت با فرزندان در انجام کارها و امور خانواده<sup>۳</sup> (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶) از مهم ترین فنون ارزشی هستند که سبب ایجاد انگیزه و جذب به خوبی ها و فضایل می شوند.

## ۲-۳. پیامدهای رفتارهای اخلاقی:

آدمی همواره تشنه محبت و توجه اطرافیان است، تا جایی که گاهی رو به خودنمایی برای دیگران می آورد (این عمل، بیشتر در بین جوانان شایع است)؛ بنابراین اگر پاداش اعمال نیک برای فرزندان تشریح و پیامدهای هرکدام از رفتارهای اخلاقی مطرح شود و آنان بدانند که خداوند در ازای هرکدام از اعمال پسندیده، علاوه بر توجه خاص و دوست داشتن، پاداش زیادی نیز برایشان در نظر دارد، مسلماً مشتاق می شوند که هرچه بهتر و بیشتر آن اعمال را انجام دهند و حتی برخی را جزء برنامه های همیشگی خود قرار می دهند؛ مثلاً اگر فرزندان بدانند که هنگام احترام به والدین، لطف و رحمت خداوند شامل آنان می شود<sup>۴</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، قطعاً به این عمل اخلاقی توجه خاصی خواهند کرد و همین طور است رعایت حقوق دیگران<sup>۵</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۰)، حفظ حجاب و عفت<sup>۶</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۹).

## ۳- شیوه های شناختی:

دربر دارنده فوننی است که سبب افزایش شناخت مرتبی نسبت به اخلاقیات نیکو می شود (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۶۶)؛ مانند راستگویی، احترام به بزرگ ترها، داشتن آداب اسلامی، آموزش مصادیق

۱. خداوند در قرآن کریم این گونه به تعریف و تمجید حضرت ایوب علیه السلام می پردازد: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ»؛ همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید: «پدرم فرمودند: مَرَضْتُ مَرَضًا شَدِيدًا فَقَالَ لِي أَبِي علیه السلام مَا تَشْتَهِي فَقُلْتُ أَشْتَهِي أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ لَا أَفْتَرِحُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي مَا يُدْبِرُهُ لِي فَقَالَ لِي أَحْسَنْتَ صَاهِبْتَ إِتْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ».
۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَطْرَفُوا أَهْلِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بَشِيءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّخْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ».
۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ».
۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ... وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ».
۵. امام صادق علیه السلام می فرماید: «تَرَكَ الْحَقُوقَ مَذَلَّةً وَإِنَّ الرَّجُلَ يَخْتَاجُ إِلَى أَنْ يَتَعَرَّضَ فِيهَا لِلْكَذِبِ».
۶. امام علی علیه السلام فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ».

رفتارهای اخلاقی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۶) که زنده کردن یاد خدا در اذهان است<sup>۱</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۶). همچنین آموزش اموری چون: صفات کمالی خداوند<sup>۲</sup> (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۰)، محبت خدا به فرد آراسته به فضایل و محاسن اخلاقی<sup>۳</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۸)، آموزش احادیث اهل بیت علیهم السلام و حکمت های مربوط به تربیت اخلاقی<sup>۴</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۱۱/ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷)، بستر مناسبی را برای شناخت ارزش ها و فنون تربیت اخلاقی فراهم می سازد. در ذیل به بررسی اجمالی برخی از آنها پرداخته می شود.

### ۳-۱. آشنایی با صفات اخلاقی خداوند:

با الهام گرفتن از مکتب اهل بیت علیهم السلام و در نظر داشتن فرصت های مناسب، می توان فرزندان را با صفات اخلاقی و الهی آشنا ساخت. آگاه سازی این امور در خلیقات بزرگسالی متربی، بسیار مؤثر خواهد بود؛ زیرا اگر او بداند رحیم و کریم بودن خداوند به چه معناست و اینکه خداوند مهربان تر از هر کس - حتی پدر و مادرش - نسبت به اوست، آیا خدا را دوست نمی دارد؟ قطعاً بعد از تبیین مناسب، قلبش بیدار شده و دیگر اجازه نمی دهد که محبت کسی به جای محبت خدا در دلش بنشیند. لقمان حکیم به فرزندش می گوید:

فرزندم در ملکوت، آسمان ها، زمین و کوه ها و سایر آفرینش خداوند بسیار بیندیش؛ زیرا تفکر و تدبر در جهان هستی، بهترین پنددهنده و بیدارکننده قلب توست (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۰).

### ۳-۲. شناخت مصادیق اخلاق و آداب دینی:

طیف رفتارهای اخلاقی، بسیار گسترده است و والدین باید به طور تدریجی، با حوصله و با

۱. لقمان می گوید: «وَأَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَكَانٍ».

۲. لقمان به فرزندش می گوید: «يَا بُنَيَّ إِنَّ كُلَّ يَوْمٍ بِأَتَيْكَ يَوْمٌ جَدِيدٌ يَشْهَدُ عَلَيْكَ عِنْدَ رَبِّ كَرِيمٍ».

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عْبَادِهِ الْحَيَاءَ وَالسَّتْرَ فَأَيُّكُمْ اغْتَسَلَ فَلْيَتَوَازَ مِنَ النَّاسِ فَإِنَّ الْحَيَاءَ زِينَةُ الْإِسْلَامِ».

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَالغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ فِي الْكُتَابِ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْخَلَالَ وَالْحِرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» و نیز می فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْفِكَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةَ».

شیوه‌های جذاب، به فرزندان خویش آموزش دهند. آنان می‌توانند در این راستا، از شعر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶)، قصه و داستان<sup>۲</sup> (هود: ۱۲۰)، همانندسازی با الگوها از طریق نقل داستان‌های آموزنده اخلاقی<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۲)، رفتارهای اخلاقی پیامبران<sup>۴</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۳۳۵)، معرفی الگوهای موفق در حیطه اخلاق نیکو<sup>۵</sup> (قلم: ۴) و آموزش آداب اخلاقی - اسلامی<sup>۶</sup> (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۲۹) کمک بگیرند.

### ۳-۳. آگاه‌سازی از خواست خدا در انجام اعمال اخلاقی و پرهیز از غیر آنها:

والدین باید به فرزندان‌شان گوشزد نمایند که همیشه به یاد خدا باشند تا از این طریق، حضور خدا را درک کرده و از کارهای بد دوری گزینند. زنده کردن یاد خدا در ذهن فرزندان<sup>۷</sup> (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳۶) و آگاه‌سازی از خواسته‌ها و محبت الهی به هنگام آراسته شدن به فضایل<sup>۸</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۶۱)، سبب آگاهی آنان می‌شود، مبنی بر آنکه اگر هم خطایی کرده‌اند، خداوند توبه و استغفار آنان را می‌پذیرد و ایشان را به دلیل انجام اعمال صالح و پسندیده، غرق رحمت می‌کند.

### ۴- شیوه‌های هدایتی:

شامل فنونی هستند که با استفاده از آنها می‌توان گرایش‌متری به کارهای نیک و به خصوص تربیت اخلاقی را تقویت کرد. این فنون بر مبنای برنامه‌ریزی هدفمند و با بهره‌گیری از توصیه‌های

۱. حضرت زهرا علیها السلام فرزندش حسن علیه السلام را بالا و پایین می‌انداختند و شعر می‌خواند.

۲. خداوند تأثیر قصه بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سایر مردم را چنین ترسیم می‌کند: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ».

۳. قال الصادق علیه السلام: «... الا اخبرك بحديث ماهو في يدي احد من اهل المدينة ؟ ... ذات يوم جالس في المسجد...».

۴. «كان النبي صلى الله عليه وسلم أحسن الناس خلقاً وأكرمهم وأتقاهم...».

۵. «وَأَنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ».

۶. امام علی علیه السلام به فرزندش در مورد آداب غذا خوردن چنین می‌گوید: «مَقَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام لِلْحَسَنِ ابْنِهِ علیه السلام يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّلَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّلَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَخَوِّدِ الْمُضْعَ وَإِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ».

۷. لقمان حکیم به فرزندش می‌گوید: «يَا بُنَيَّ أَقْبَلِ الْكَلَامَ وَادْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَكَانٍ فَإِنَّهُ قَدْ أَنْذَرَكَ وَحَذَّرَكَ...».

۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «سَبَعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ...».

اهل بیت علیهم السلام صورت می‌گیرد (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۷۲). نمونه‌هایی از آنها عبارتند از:

#### ۴-۱. راهنمایی برای برنامه‌ریزی و چگونگی انجام کارهای نیک:

والدین می‌توانند با در نظر گرفتن این فن کارآمد، فرزندان‌شان را برانگیزانند و آنان را به تدریج با مصادیق امور اخلاقی و چگونگی انجام کارهای نیک آشنا سازند؛ مثلاً در ترغیب کودکان برای مسواک زدن، ابتدا باید مسواک و خمیردندانی دلخواه آنان تدارک ببینند، سپس وقتی که خودشان می‌خواهند مسواک بزنند، آنان را نیز مهربانانه برای انجام این عمل فرا بخوانند. یا اینکه برای انجام هرچه بهتر وظایف اخلاقی، برنامه‌ای تدارک ببینند؛ زیرا هنگامی که شتاب زده و بدون رعایت اصول و قواعد، اقدام به انجام کاری شود، خستگی و بی‌میلی حاصل شده و در نتیجه از آن دست کشیده می‌شود. پس برنامه‌ریزی مشخص، انسان را در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، در تربیت اخلاقی یاری می‌کند؛ برنامه‌ریزی صحیح که فرد، هم بتواند وقتی را برای رابطه با خدا و مناجات با او اختصاص دهد و هم به امور روزمره زندگی برسد و هم به اموری که وی را شاداب می‌سازد (مانند بازی) بپردازد<sup>۱</sup> (دستی، ۱۳۸۱، حکمت ۳۹۰). اصولاً مؤمنانی که به نحوی نقشی برای خود و دیگران دارند، باید برای هر روز و لحظات زندگی، برنامه‌ریزی داشته باشند<sup>۲</sup> (دستی، ۱۳۸۱، نامه ۵۳، قسمت ۱۱۵).

#### ۴-۲ دعوت و سوق دادن به اجرای امور اخلاقی:

اهل بیت علیهم السلام نه تنها خویشان را به اجرای امور اخلاقی وا می‌داشتند، بلکه دیگران را نیز به سمت آنها سوق می‌دادند. گاهی اوقات هنگام انجام کارهای پسندیده، درس‌های بزرگ اخلاقی می‌آموختند<sup>۳</sup> (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸) یا اینکه برخی از کارهای نیک را یادآوری می‌نمودند<sup>۴</sup>

۱. امام علی علیه السلام فرمود: «وَقَالَ عَلِيٌّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَسَاعَةٌ يَرْمُ فِيهَا مَعَايِشَهُ [فِيهَا مَعَايِشُهُ] مَعَاشَهُ وَسَاعَةٌ يُخَلِّي فِيهَا [فِيهَا] بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَدَّتْهَا فِيمَا يَجَلُّ وَيَجْمَلُ وَلَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصاً إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خَطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مَحْرَمٍ».

۲. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمُضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ».

۳. «مر الحسن بن علی علیه السلام بصبيان يلعبون وبين أيديهم كسر خبز يأكلونها فدعوه فنزل وأكل معهم ثم حملهم إلى منزله فأطعمهم وكساهم وقال الفضل لهم لأنهم لم يجدوا غير ما أطعموني ونحن نجد أكثر مما أطعمناهم».

۴. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اجتهدت في العبادة وأنا شاب فقال لي أبي علیه السلام يا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيُسْرِ».

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۷)، اما درعین حال، از امر و نهی مستقیم پرهیز می‌کردند<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۳، ش ۱۳)؛ زیرا انسان به صورت طبیعی استقلال طلب است و از امر و نهی مستقیم، نه تنها لذت نمی‌برد، بلکه چه بسا ناراحت نیز بشود.

### ۳-۴ نظارت و کنترل رفتارها:

ائمه علیهم‌السلام همواره بر اعمال فرزندان خویش نظارت می‌کردند و کیفیت خوب یا بد بودن آنها را به ایشان گوشزد می‌نمودند<sup>۲</sup> (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۰۹، ش ۳۶۴۶) و در این جهت، حتی از افرادی که به آنان اظهار دوستی می‌کردند و یا با کسانی که رفت و آمد می‌کردند نیز غافل نبودند<sup>۳</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۳ / احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۲۱)؛ زیرا به خوبی می‌دانستند که اگر نظارت و کنترل مناسب بر رفتارهای فرزندان خویش نداشته باشند و مسیر مستقیم را نشانسان ندهند، هر لحظه امکان انحراف و گمراهی، دور ماندن از آرمان‌های الهی و در نهایت، سقوط در چنگال‌های شیطان وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعه روایات و آموزه‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، شیوه‌های تربیت اخلاقی، چهار نوع است: «زمینه‌ای»، «انگیزشی»، «شناختی» و «هدایتی». شیوه‌های زمینه‌ای دارای فنونی مانند فضا سازی انس با خدا، بسترسازی رشد شخصیت عاطفی، ایجاد محیط روانی معنوی و مصونیت بخشی از شیطان، فراهم سازی امنیت روانی، تمهیدات عملکردی و رشد جسمی

۱. حریمی گوید: «كَانَتْ لِإِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ دَنَانِيرٌ وَأَرَادَ رَجُلٌ مِنْ قُرْبَيْهِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ إِسْمَاعِيلُ يَا أَبَتِ إِنَّ فُلَانًا يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الْيَمَنِ وَعِنْدِي كَذَا وَكَذَا دِينَارًا أَفْتَرَى أَنْ أَدْفَعَهَا إِلَيْهِ يَبْتَاعُ لِي بِهَا بَضَاعَةً مِنَ الْيَمَنِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا بُنَيَّ أَمَا بَلَغَكَ أَنَّهُ يَشْرَبُ الْخَمْرَ فَقَالَ هَكَذَا يَقُولُ النَّاسُ فَقَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ يُصَدِّقُ لِلَّهِ وَيُصَدِّقُ لِلْمُؤْمِنِينَ فَإِذَا شَهِدَ عِنْدَكَ الْمُؤْمِنُونَ فَصَدِّقْهُمْ».

۲. روایت شده: «حَرَجَ ابْنُ لُحَيْسَانَ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي الرَّحْبَةِ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ حَزْرٌ وَطَلُوقٌ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ عليه السلام ابْنِي هَذَا قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَدَعَاهُ فَشَقَّهُ عَلَيْهِ وَأَخَذَ الطَّلُوقَ مِنْهُ فَجَعَلَهُ قِطْعًا قِطْعًا».

۳. امام حسن عليه السلام نیز به یکی از فرزندان‌شان فرمودند: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْجِبْرَةَ وَرَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَمْرَةِ وَالْمَوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ» و امام سجاد عليه السلام می‌گویند: «جَالِسُوا أَهْلَ الدِّينِ وَالْمَعْرِفَةِ، فَإِنَّ لِمَ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَالْوَحْدَةُ أَسُّ وَأَسْلَمٌ، فَإِنَّ أَيْبَتُمْ إِلَّا مُجَالَسَةَ النَّاسِ، فَجَالِسُوا أَهْلَ الْمَرْؤَاتِ فَإِنَّهُمْ لَا يَرْفَعُونَ فِي مَجَالِسِهِمْ».

مناسب است. در شیوه‌های انگیزشی بر فنونی چون تبیین نقش خدا در زندگی و آگاهی‌های جذاب، تشویق و واکنش مطلوب و پیامدهای رفتارهای اخلاقی تأکید شده است. در شیوه‌های شناختی، به متربی آگاهی داده شده تا به راحتی بتواند صفات اخلاقی خداوند، مصادیق اخلاق و آداب دینی و خواست خدا در انجام اعمال اخلاقی و پرهیز از غیر آنها را بشناسد. در شیوه‌های هدایتی، با هدفمندی و بهره‌گیری از توصیه‌های رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، راهنمایی چگونگی انجام کارهای نیک، دعوت و سوق دادن به اجرای امور اخلاقی و نظارت و کنترل رفتارها بحث شده است. جدول شماره ۱ شیوه‌ها و فنون تربیت اخلاقی مطرح شده را نشان می‌دهد.

#### جدول شماره ۱

شیوه‌ها و فنون تربیت اخلاقی در روایات رسول اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام

شیوه‌ها	فنون تربیتی
۱. زمینه‌ای	۱-۱ فضا سازی انس با خدا
	۲-۱ بسترسازی رشد شخصیت عاطفی
	۳-۱ ایجاد محیط روانی معنوی و مصونیت بخشی از شیطان
	۴-۱ فراهم سازی امنیت روانی
	۵-۱ تمهیدات عملکردی
	۶-۱ رشد جسمی مناسب
۲. انگیزشی	۱-۲ تبیین نقش خدا در زندگی و آگاهی‌های جذاب
	۲-۲ تشویق و واکنش مطلوب
	۳-۲ پیامدهای رفتارهای اخلاقی
۳. شناختی	۱-۳ آشنایی با صفات اخلاقی خداوند
	۲-۳ شناخت مصادیق اخلاق و آداب دینی
	۳-۳ آگاه سازی از خواست خدا در انجام اعمال اخلاقی و پرهیز از غیر آنها
۴. هدایتی	۱-۴ راهنمایی برای برنامه ریزی و چگونگی انجام کارهای نیک
	۲-۴ دعوت و سوق دادن به اجرای امور اخلاقی
	۳-۴ نظارت و کنترل رفتارها

## فهرست منابع:

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید ابن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴.
۲. ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۴. \_\_\_\_\_، امالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۶. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، التحصین فی صفات العارفين، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق.
۷. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمة عليه السلام، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.
۸. اخوی، اصغر، «روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام»، راه تربیت، سال ششم، شماره ۱۶، ۱۳۹۰، ص ۸۲-۴۹.
۹. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم ودرر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۰. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، قم: مؤسسه امام المهدی (عج)، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه (للبروجردی)، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۱۲. بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج ۲، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۱۳. بهشتی، محمد، «تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی»، معارف، شماره ۱۰، ۱۳۸۱، ص ۲۰-۱۸.
۱۴. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، ۱۳۷۷.
۱۵. \_\_\_\_\_، تربیت اسلامی ویژه تربیت اخلاقی، جلد ۲، تهران: نشر تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۶. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹.
۱۷. حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ص واهل بیت عليه السلام: تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۱۹. داوودی، محمد، سیره پیامبر ص واهل بیت عليه السلام (تربیت اخلاقی)، ج ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۲۰. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین عليه السلام، ۱۳۸۱.
۲۱. دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه و دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۳. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، قم: دارالکتاب، بی تا.
۲۴. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دار الفکر، بی تا.

۲۵. شریفی، عنایت، «روش های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۸۹، ص ۹۸۷۵.
۲۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا.
۲۷. صمدی، معصومه؛ دوایی، مهدی؛ اقبالیان، طاهره، مبانی، اصول و روشهای تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۱۶، ۱۳۹۱، ص ۶۴۳۷.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۱. طوسی، نصیرالدین محمد، اخلاق ناصری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۴.
۳۲. علی بن موسی، امام هشتم ﷺ، صحیفه الامام الرضا ﷺ، مشهد: کنگره جهانی امام رضا ﷺ، ۱۴۰۶ق.
۳۳. فرمehنی فراهانی، محسن؛ میرزا محمدی، محمد حسن؛ امیرسالاری، علی، «بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق ﷺ (مبانی، اصول، روش های تربیتی)»، دانشور رفتار، دوره ۱۶، شماره ۳۹ (ویژه مقالات تربیت و اجتماع)، ۱۳۸۸، ص ۷۹۶۵.
۳۴. فقیهی، احمد، روش های تربیت اخلاقی در المیزان، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۹۴.
۳۵. فقیهی، علی نقی، شیوه های ترغیب و جذب به نماز، تهران: مهر تابان، ۱۳۸۴.
۳۶. قائمی مقدم، محمد رضا، روشهای آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۳۷. کبیری، زینب؛ معلمی، حسن، (۱۳۸۸)، «مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»، معرفت اخلاقی، شماره ۱، ص ۹۰۶۷.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۴۰. محمد نورابن عبدالحفیظ، منهج التریبه النبویه للطفل، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۶ق.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، اختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۴۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۰۸ق.
۴۳. یالجن، مقدار، تربیت اخلاقی در اسلام، مترجم: بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.



# تهدیدهای اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان

هاجر ذبیحی<sup>۱</sup>

## چکیده

اینترنت به‌عنوان یک رسانه نوین، نفوذ گسترده‌ای بر حیات انسان مدرن در ابعاد فردی و اجتماعی دارد. در کنار محاسن و مزایای بی‌شمار اینترنت، که می‌تواند منشأ آثار مثبت و بالنده برای تعالی انسان باشد، چالش‌ها و تهدیدهای تربیتی و اخلاقی فراوانی نیز در اذهان تداعی می‌شود. طراحان اصلی اینترنت، از این ابزار برای نفوذ سیاسی و فرهنگی بر کشورهای مختلف استفاده می‌کنند و از این راه آسیب‌های جدی را در ابعاد مختلف بر پیکره جوامع وارد می‌سازند. آنان با تأثیرگذاری بر ابعاد فردی و اجتماعی جوانان و نوجوانان، با فراهم‌سازی زمینه‌های غیراخلاقی، به مسخ هویت و شخصیت آنان اقدام می‌کنند و با شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مختلف، شکاف بین نسل‌ها را افزایش می‌دهند. این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی، ضمن بیان دلایل روان‌شناختی اقبال روزافزون نوجوانان به حضور در فضای مجازی، به آسیب‌شناسی این فضا بر تربیت اخلاقی نوجوان در دو بُعد «بنیان‌های فکری و نظری» و «عملی و رفتاری» می‌پردازد. یافته‌های پژوهش، حاکی از این مطلب است که تهدیدهای مطرح در بعد فکری و نظری (شامل عقل‌گرایی افراطی، کم‌رنگ شدن اخلاق اجتماعی، نهیلیسم ارزشی و بحران هویت) و چالش‌های عینی و رفتاری (شامل حیازدایی، انحرافات جنسی، دوستی‌های اینترنتی، کاهش ارزش‌های خانواده، انزوای اجتماعی، شایعه پراکنی و دروغ‌پردازی، کاهش مسئولیت اجتماعی و آزار مجازی) را بیان کند؛ با امید به اینکه مطالب این پژوهش با ایجاد روشنگری، بستر تعامل صحیح نسل جدید با فضای مجازی را ایجاد کند تا افق روشنی در مسیر پیوند صحیح سنت و مدرنیته ظهور یابد.

**واژگان کلیدی:** تهدید، اینترنت، فضای مجازی، اخلاق، تربیت اخلاقی، نوجوان.

## مقدمه

انسان براساس سرشت خود که موجودی اجتماعی است، احتیاج به برقراری ارتباط دارد. مطالعه پیشینه این امر گواه بر این مطلب است که انسان‌ها از آغاز برای برقراری ارتباط و انتقال پیام خود به همنوعانشان، شیوه‌های گوناگون را به کار برده‌اند: از اشاره‌های رمزگونه اولیه، استفاده از زبان و خط، تا استفاده از پیشرفته‌ترین وسایل ارتباطی مدرن امروزی (فرجاد، ۱۳۷۶، ص ۳۱۳). در عصر حاضر، رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین پل ارتباطی، با تحول چشمگیری روبه‌رو شده‌اند؛ به گونه‌ای که عصر حاضر را «عصر اطلاعات و ارتباطات» می‌خوانند. به این طریق، ارتباط بین کالا، سرمایه، فرهنگ و اعتقادات، به آسانی از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کند. در چنین برهه‌ای از زمان که فضای مجازی، جهان را به دهکده‌ای کوچک مبدل کرده و مردم جهان را از کوچک و بزرگ با فرهنگ و باورهای متفاوت، با یکدیگر مرتبط نموده، قالب‌های سنتی تربیت را کنار زده و مباحث تربیتی فرزندان را با چالش روبه‌رو ساخته است. ساحت تربیت اخلاقی به عنوان مهم‌ترین بخش مباحث تربیتی، مورد تهدید این فضا قرار گرفته است. «تربیت اخلاقی به معنای، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است» (داوودی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱).

از نظر اسلام، دوران نوجوانی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در این دوران، شخصیت فردی و اجتماعی نوجوانان پایه‌ریزی می‌شود و هویت دینی او شکل می‌گیرد. از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل او به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود<sup>۱</sup> (شرفی، ۱۳۸۸).

در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره نوجوانی، ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی‌شود. توانایی‌های فزاینده نوجوانان، بیشتر آنان را متوجه مسائل و ارزش‌های اخلاقی می‌کند و راه‌های پیچیده‌تری را برای کنار آمدن با آن می‌یابند. در عین حال، آنچه جامعه از نوجوانان می‌خواهد، به سرعت در حال تغییر است و همین مستلزم ارزیابی مجدد و مداوم ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی است (حسینخانی، ۱۳۸۵).

به همین دلیل، روش تربیتی اسلام بر این امر تأکید دارد که نوجوان، این دوران را با معرفت و پاکی سپری کند. با توجه به رشد ارزشی و اخلاقی در نوجوان، تربیت اخلاقی او نقش بسزایی در

۱. رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «اوصیکم بالشیبان خیراً فانهم ارق افئدة...؛ شما را سفارش می‌کنم با جوانان به خوبی رفتار کنید؛ چراکه آنان قلب لطیف‌تری دارند. (محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۲، ص ۲۴۸).

هویت و کرامت انسانی وی و راه یافتن به کمال و تعالی او دارد. نکته مهم این است که هویت دینی و اخلاقی نوجوان در شرایط محیطی ناسالم با چالش های متعددی مواجه می شود. امروزه یکی از تأثیرگذارترین عوامل محیطی بر این بُعد از هویت نوجوان، رسانه و فناوری های نوین ارتباطی است.

اینترنت به عنوان گسترده ترین شبکه اطلاعاتی - ارتباطی، با توجه به داشتن فضای نامحدود، انعطاف هویتی کاربران، تعاملی بودن، سیال بودن اطلاعات و... مورد اقبال عموم مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان قرار گرفته است. «براساس تحقیقی (۲۰۰۰م) شمار برآورد شده رایانه های متصل به اینترنت در سراسر جهان، از سال ۱۹۹۶ سه برابر شده است» (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۵۳۳). گسترش روز افزون دستاوردهای جدید اینترنت، مانند شبکه های اجتماعی نیز باعث شتاب بیشتر این حرکت رو به رشد شده است. فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، با قابلیت هایی که در اختیار فرد قرار می دهند (مانند ایجاد محیطی شخصی، انتخاب دوستان، آزادی در بیان نظرات و مخالفت با نظرات دیگران، آزادی در استفاده از تفریحات مختلف و...) حسی از کنترل شخصی و اراده فردی را به کاربر خود منتقل می کنند. این آزادی عمل و حس کنترل، یکی از اصلی ترین دلایل گرایش افراد به خصوص نوجوانان - به دلیل استقلال طلبی آنان - به شبکه های اجتماعی است. در این میان نوجوانان به دلیل تحولات این مقطع سنی (مانند: تحولات شناختی، اجتماعی، اخلاقی، جسمی و جنسی) گرایش بیشتری به استفاده از فضاهای مجازی دارند. از آنجا که فضای سایبری، صحنه ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت های متنوع، نقش ها و سبک های زندگی قرار می دهد، سلطه مکان و محل را بر زندگی فردی و اجتماعی نوجوان کاهش می دهد و چهارچوب های معرفتی و ارزشی دینی را کم رنگ کرده، مسیر تربیت اخلاقی نوجوانان را پرچالش می سازد.

اهمیت و ضرورت پژوهش در این زمینه، بدین جهت است که طراحان اینترنت، از این ابزار - که در ابتدا برای مقاصد نظامی و دفاعی طراحی شده بود - در مسیر جنگ نرم بهره می گیرند و در طریق گسترش فرهنگ مبتذل خود استفاده می کنند؛ به همین دلیل و با توجه به ویژگی های نسل جوان و نوجوان، شاید بتوان ادعا کرد که آثار منفی اخلاقی آن در مقایسه با آثار مثبت اخلاقی، نمود بیشتری دارد و لذا در عصر کنونی آسیب شناسی فضای مجازی بر تربیت اخلاقی، می بایست

از مهم‌ترین دغدغه‌های محققان و پژوهشگران عرصه تربیت باشد؛ زیرا این فناوری با تأثیر بر بینش، گرایش و رفتارهای اخلاقی نوجوان، دامنه اخلاق فردی و اجتماعی او را تحت شعاع قرار می‌دهد و در نهایت نسل جدید را از هدف نهایی تربیت که رسیدن به کمال است، باز می‌دارد و به مرور ارزش‌های والای انسانی در بین آنان مغفول گشته و رو به زوال می‌رود و ما را با جامعه‌ای بیمار مواجه می‌سازد.

لازم به ذکر است که بسیاری از محققان، پژوهش‌های ارزشمندی در این زمینه ارائه نموده‌اند؛ از جمله: عباسی قادی (۱۳۸۶) در تحقیقی پیمایشی، رابطه استفاده از اینترنت و هویت دینی را در بین کاربران اینترنت بررسی کرده است. کرم‌اللهی (۱۳۸۸) با روش پیمایشی، رساله دکتری خود را با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی آثار اینترنت (مثبت و منفی) بر دینداری جوانان» ارائه کرده است. سعادت در مقاله‌ای با عنوان «نقش فضای مجازی در تربیت اسلامی نوجوانان دبیرستانی»، به بررسی مفهوم‌شناسی فضای مجازی و تربیت اسلامی پرداخته است. اکثر تحقیقات انجام شده، از روش‌های میدانی و پیمایشی استفاده نموده‌اند، اما این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استناد بر پژوهش‌های پیمایشی سایر محققین، با بررسی ابعاد روان‌شناختی گرایش نوجوان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، به تهدیدها و چالش‌های موجود در فضای مجازی بر تربیت اخلاقی می‌پردازد.

در ابتدا با توجه به اینکه آمارها حاکی از این است که اصلی‌ترین مصرف‌کننده فضای مجازی، افراد زیر هجده سال هستند و دانش‌آموزان به طور متوسط روزانه پنج تا نه ساعت، از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند (صدیق میرزایی، ۱۳۹۶)، به بررسی دلایل روان‌شناختی این استقبال گسترده نوجوانان از فضای مجازی می‌پردازیم.

## ۱- دلایل روان‌شناختی گرایش نوجوان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

### ۱-۱. نوجویی و هیجان‌خواهی

نوجویی و نوزایی، یکی از ویژگی‌های بارز نوجوانی است. فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی، پدیده‌ای جدید و نوظهور هستند که قابلیت‌های مکرر و بعضاً پرهیجان را به نوجوانان طالب هیجان می‌دهند؛ مانند: آشنایی با برنامه‌های جدید، طرح موضوع‌های شگفت‌انگیز

و پرتحرک، خلق صحنه‌های اعجاب‌آور، ارائه اطلاعات جدید و... در نتیجه افرادی که از هیجان خواهی بالایی برخوردارند، برای ارضای این نیاز خود، بیشتر به سمت فضای مجازی می‌روند. «تحقیقات نشان می‌دهد که بین هیجان خواهی نوجوانان با وابستگی به اینترنت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد» (خانجانی و اکبری، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

## ۱-۲. خودمحوری و میل به محبوبیت

خودمحوری و خودمرکزبینی نوجوانی، اساساً ناشی از تحولات دوره نوجوانی و به ویژه تحوّل شناختی نوجوان است. نوجوان دچار این تصور می‌شود که همیشه تحت نظر است و نوعی مخاطب خیالی، شاهد اعمال اوست؛ به همین دلیل، نسبت به همه اعمال و حرکات و وضع ظاهر و باطن خود حساس است. او همچنین دچار یک افسانه شخصی است و معتقد است که از وضعیت بی‌همتا برخوردار است (حسینخانی، ۱۳۸۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهند شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام فضای مناسبی را برای افرادی که دچار خودشیفتگی، یا حداقل میل زیاد به محبوبیت دارند، ایجاد نموده است؛ زیرا آنان می‌توانند بدون داشتن روابط دوستانه واقعی، تعداد زیادی رابطه موهوم و تخیلی برای خود دست‌وپا کنند. بنابراین، شبکه‌های اجتماعی مجازی، توهم محبوبیت را صرفاً براساس کمیت تعداد دوستان، برای فرد به وجود می‌آورد (آزاد نام، ۱۳۹۴).

## ۱-۳. حفظ ارتباط با دیگران در عین تنهایی

نوجوان در این دوره، تمایل فراوانی به معاشرت و دوست‌یابی پیدا می‌کند و از طرف دیگر رفتار رفتارهای متناقض و افکار متضاد است. از این رو، میل به تنهایی و گوشه‌گیری نیز در وی به وجود می‌آید. رفتارهای خلوت‌گزینی و انزواطلبی، به عنوان یک اختلال رفتاری، از جدی‌ترین مشکلات دوران نوجوانی است. آمار نشان می‌دهد که ۷۹ درصد از نوجوانان زیر هجده سال، در حال تجربه کردن احساس تنهایی‌اند (کلانتر، ۱۳۹۶). به دلیل این ویژگی‌های شخصیتی، نوجوانان ترجیح می‌دهند در عین تنهایی و داشتن زندگی خصوصی، با جهان پیرامون خود ارتباطات گسترده‌ای نیز برقرار کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی از قبیل فیس‌بوک، توئیتر، گوگل پلاس و... به بهترین حالت ممکن این نیاز را برآورده می‌کنند.

#### ۱-۴. میل برای فرار از استرس و اضطراب

تغییر همواره منجر به اضطراب می‌شود و مرحله نوجوانی که دورانی پراز تغییر و تحول است، بستر مناسبی برای بروز اضطراب فراهم می‌کند. تغییرات سریع رشدی، شکل‌گیری سؤال‌های بنیادی در رابطه با هویت فرد و یافتن پاسخ برای آنها، لزوم برنامه‌ریزی برای آینده، نیاز به استقلال داشتن و درعین حال حمایت و درک شدن، همگی می‌توانند زمینه مناسبی برای رشد اضطراب فراهم کنند. اضطراب در نوجوانی ممکن است همراه با افسردگی، تحریک‌پذیری، کاهش تمرکز و مشکلات دیگری همراه باشد. برخی نوجوانان، فضای مجازی را برای رهایی از تنش روزمره و ایجاد فراغت انتخاب می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند اوقات خوشی را برای آنان فراهم کنند تا فرد بتواند ضمن برخورداری از این قابلیت، نگرانی‌ها و تنش‌های خود را با دوستان خود مطرح و در نهایت به‌گونه‌ای از طرف آنان حمایت اجتماعی دریافت کند (آزاد نام، ۱۳۹۴). در بسیاری از تحقیقات روان‌شناسی، بین اضطراب اجتماعی، هراس اجتماعی و کم‌رویی، با گرایش به استفاده از اینترنت، رابطه مثبت یافته‌اند. در واقع، مطالعات حاکی از آن است که افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی، در هنگام ارتباط آنلاین، احساس راحتی و خودافشایی بیشتری می‌کنند. این افراد تعامل آنلاین را برای حفظ گمنامی و دوری از شرکت در تعاملاتی که ترس از ارزیابی دیگران به وسیله مشاهده وجود دارد، راحت‌تر یافته‌اند (سیدان و سروش پور، ۱۳۹۴).

#### ۱-۵. عوامل دیگر

سهولت در فضای مجازی موجب شده است تا افرادی که نمی‌توانند در فضای واقعی هویت و شخصیت خود را نشان دهند، از این فضا برای ارضای نیازهای روانی خود استفاده کنند (نیازهایی مانند: توجه، محبت، هم‌نشین داشتن و دوست داشته شدن)؛ بدین سبب، فضای مجازی به شدت با ارضای نیازهای روانی افراد پیوند خورده است و به تأمین نیازهای روانی و دلبستگی فرد با هویت آرمانی خود کمک می‌کند.

«براساس نظر جان سولر<sup>۱</sup>، افراد از آن رو شیفته یک شیء یا فرد یا فعالیتی خاص می‌شوند که نیازی

1. John solar.

را در آنان ارضا کند. طبق این نظریه، افراد با گرایش به شبکه‌های اجتماعی، تا حدی نیازهای خود را برآورده می‌کنند؛ مثلاً افراد با کاوش در ابعاد فنی شبکه‌های اجتماعی مجازی، توانایی بالقوه ذهنی خود را ابراز می‌کنند، یا با ابعاد مختلف شخصیت خود که پیش از این پنهان بوده، آشنا می‌شوند، عقاید و نیازهای هنری خود را بیان و به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی پیدا می‌کنند. این فضا به فرد امکان پیشرفت و دریافت پاداش‌های بی‌شماری را می‌دهد؛ مانند یادگیری ساختن یک پست الکترونیک، یک وبلاگ، امکان تولید در این فضا، رفتن به صفحات دیگر کاربران، آشنایی با اصطلاحات این محیط مجازی و... این موارد در درجه اول احساس فعال بودن و در درجه دوم حس غرور و عزت نفس می‌دهد. در ادامه، فرد به مرور احساس می‌کند حضور در این فضا به او قدرت می‌دهد. بعد از مدتی نیز فرد در نزد خود برای حفظ این منزلت و غرور، بیشتر به این فضا قدم می‌گذارد. از سویی شبکه‌های اجتماعی، محملی برای گریز از واقعیت و وسیله‌ای برای ارضای نیازهای روانی است» (همان).

نوجوانان به سبب دلایل فوق، اقبال زیادی به حضور در فضای مجازی دارند. متأسفانه این حضور، پیامدهای گسترده‌ای بر اخلاق و ارزش‌های اخلاقی آنان دارد. تهدیدات ناشی از اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان را می‌توان در دو حوزه «تهدیدات فکری - نظری» و «تهدیدات عینی و عملی» مورد بررسی قرار داد. به دلیل اهمیت و جایگاه بینش و نگرش در تربیت - که خود عامل ایجاد میل و گرایش است و بستر شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی را مهیا می‌سازد - ابتدا تحلیلی بر تهدیدهای فکری - نظری ارائه می‌شود.

### **الف: تهدیدها و چالش‌های فکری - نظری اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان**

با توجه به اهمیت تحوّل شناختی نوجوان و بازسازی بنیان‌های فکری او در این مقطع سنی، آسیب‌های اینترنت را ابتدا در حوزه فکری و اعتقادی و سپس در حوزه رفتارهای عینی و عملی بررسی می‌کنیم. عمده تهدیدها و آسیب‌های فکری و اعتقادی اینترنت بر تربیت اخلاقی بدین شرح است:

#### **۱- عقل‌گرایی افراطی**

تأکید بر عقل، ابزاری از محورهای فکری و اساسی مدرنیسم است. البته این اندیشه اساس و پایه تمدن مادی‌گرای غرب است، که محور و معیار رفتارهای انسانی و تمام فعالیت‌های او به شمار

می‌رود. «مدرنیسم، خداوند را از صدرنشینی جامعه خلع می‌کند و علم را به جای آن می‌گمارد. عقل، تنها هدایت فعالیت‌های علمی و فنی را برعهده ندارد، بلکه حکومت انسان‌ها و تدبیر امور را نیز متکفل است» (تورن، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲۹).

رویکردهای دینی، معتقد به لزوم تربیت ارزش‌ها، به‌ویژه ارزش‌های اخلاقی‌اند و رویکرد «منش‌پروری یا سیرت‌آموزی» است (سجادی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴، ۱۴۹). هدف از منش‌پروری، انتقال هنجارها و درونی کردن ارزش‌ها، با استفاده از روش‌های عمدتاً مستقیم تربیتی است و مفهوم تحمیل و القای ارزش، تداعی‌گر «تربیت دینی و اخلاقی» است. در حالی که در فضای فکری حاکم بر غرب، فرض بر این است که تربیت دینی، جز از طریق القای کورکورانه میسر نیست و از آنجا که القا و تلقین، ناعادلانه و نابخردانه است، باید تربیت دینی را متوقف ساخت. عقلانیت دینی، قدرت حرکت آزادانه را نداشته، مقید به ایمانی است که تحدیدکننده تفکر انتقادی است. اما روشن است که هرگونه نقدی در این فضا، نقد متعبدانه و جزم‌گرایانه خواهد بود، نه نقد واقعی و مبتنی بر ملاک‌های منطقی (زارعان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳)؛ زیرا دین اسلام، تربیت عقلانی، اخلاقی و ارزشی را قابل جمع با تربیت دینی، بلکه یکی از راه‌های آن می‌داند. در مکتب حیات بخش اسلام، عقل دارای جایگاه رفیع و بلند است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: «عقل، شریف‌ترین نیرو در وجود انسان است» (طباطبایی، ج ۳، ص ۵۷). خداوند در کلام نورانی خود، بیش از سیصد بار انسان‌ها را به استفاده و بهره‌جستن از این نیروی خدادادی دعوت کرده است (همان، ج ۵، ص ۲۵۵).

حضرت علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه، در فلسفه بعثت پیامبران می‌فرماید: «خداوند پیامبران را به سوی مردم فرستاد تا خرده‌های به‌گور خفته آنان را بیدار کنند»؛ از این رو، در آموزه‌های دین مبین اسلام، عقل و شرع نه تنها تعارض با هم ندارند، بلکه هماهنگ و مؤید یکدیگرند و خردورزی از ارزش‌های بنیادین - و نه نمادین - تربیت اسلامی است.

اما در رویکردهای جدید، اندیشمندان، عصر مدرن را عصری می‌دانند که بشر تلاش کرده تا دستاوردهای فکری خود را از آموزه‌های دینی رها سازد؛ با این اوصاف می‌توان گفت اصلی‌ترین مشخصه مدرنیته، تأکید بر عقل‌گرایی افراطی و سکولاریسم است، که قطعاً در جریان جهانی‌سازی

۱. «...ویشروا لهم دلائل العقول...» و دفاینه‌های عقل‌ها را برای آنان برانگیزاند».



و ایجاد دهکده جهانی. که مرهون اینترنت است. سعی در انتقال آن شده است. براساس رویکرد سکولاریسم<sup>۱</sup> و رویکرد آموزشی و تربیتی لیبرال<sup>۲</sup>، تعلیم و تربیت، تعهد به عقلانیت است؛ نه کمتر و نه بیشتر. به بیان دیگر، برای آموزش و رشد عقلانیت در کودکان و نوجوانان، باید آنان را منتقد و آزاداندیش بار آورد؛ به گونه‌ای که هر عقیده‌ای را انتقاد و تحول عقلانی بدانند و هیچ امری را حقیقت آخر نپندارند. براساس این رویکرد، انتقال و القای ارزش‌ها به کودکان و نوجوانان، در مبانی تعلیم و تربیت لیبرال پذیرفته نیست (زارعان، ۱۳۷۹، ص ۱۰). در فضای مجازی، بسط این باور به شکل مستقیم و غیرمستقیم، به وفور قابل مشاهده است و این بستر، یک عقل‌گرایی افراطی را برای نوجوانان. که تحول فکری و عقلانی را در خود مشاهده می‌کنند و غالباً دچار خودمرکزینی می‌شوند. مهیا می‌سازد. بازتاب این تفکر، منجر به این شده که امروزه در فضای مجازی. به خصوص شبکه‌های اجتماعی. رفتارهای غیراخلاقی (توهین به مقدسات، تلقی غیرعقلانی بودن برخی از اعمال دینی، طرد تربیت تعبدی و نگاه جبرگرایانه به دین و تربیت دینی) مشاهده می‌شود. سیطره این تفکر اومانستی، منجر به فردگرایی در انسان می‌شود که نقطه مقابل تربیت ارزشی و اخلاقی است.

## ۲- فردمحوری: کم‌رنگ شدن اخلاق اجتماعی

شیوه تفکر نوجوان با نوعی خودمحوری (برخاسته از روحیه استقلال طلب) مشخص می‌شود که به موجب آن، نمی‌تواند افکار دیگران را درک کند و هنوز در مجزا کردن مسائلی که مایه نگرانی دیگران است و مسائلی که مایه نگرانی خود اوست، مشکل دارد (حسینخانی، ۱۳۸۵). فردمحوری به وسیله حضور در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، دلیل کم‌رنگ شدن دغدغه افراد برای پیگیری نقش‌های اجتماعی و خانوادگی است. افزایش دلبستگی به لذت‌های خودمحور، غلبه فردمحوری بر خانواده‌محوری و حضور در فضای مجازی برای رفع نیاز عاطفی، از دیگر نتایج حضور بدون شناخت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. می‌توان فردگرایی را نوعی جهان بینی تصور کرد که فرد در مرکز آن قرار دارد. اهداف فردی، ویژگی‌های منحصر به فرد، فرمان راندن بر خویشتن، کنترل شخصی و بی‌تفاوتی به مسائل

1. Secularism

2. Liberalism.

پیرامون، از خصوصیات این نوع جهان بینی است. فردگرایی از مؤلفه‌های اصلی مدرنیسم محسوب می‌شود و از مهم‌ترین شالوده‌های فکری عرصه‌های مختلف فلسفی، علمی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی دوران جدید به حساب می‌آید و به طور خلاصه، خواست و اراده فرد، بر مصالح اجتماعی و جمعی مقدم داشته می‌شود. فردگرایی را می‌توان قرائتی از اومانیزم<sup>۱</sup> دانست که بر قرائت‌های جمع‌گرایانه از آن، غالب آمده است (بیات و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵-۳۹۶). این‌گونه مواجهه با اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، موجب نسبی شدن مطلق اخلاقیات و نفی اخلاق دینی می‌شود؛ چراکه اخلاق دینی هیچ‌سختیتی با نسبیت فوق‌نداشته و دقیقاً مقابل آن قرار دارد (مخبر، ۱۳۶۷، ص ۴۰۳۹).

در دنیای جدید، برخی از مکاتب همچون لیبرالیسم، شعارهایی را مطرح می‌سازند که پاره‌ای از آنها با ره‌آورد ادیان - به ویژه دین مبین اسلام - در تعارض قرار می‌گیرد. لیبرالیسم سودگرا مفهوم ارزش را به لحاظ تحلیل، با مفهوم خواست و میل فرد پیوند می‌زند و از این حقیقت که خواستن یا میل داشتن، صفاتی فردی هستند، نتیجه می‌گیرد که اصول ارزش نیز باید فردی باشد؛ از این رو، ارزش اخلاقی برابر است با تأمین امیال و خواسته‌های شخصی فرد. امروزه رویکرد لیبرال، به شدت بر فضای مجازی سیطره دارد.

رسانه‌های ارتباطی نوین، بنیان‌های فردگرایی، لذت‌گرایی و سودجویی را تقویت نموده است، که به شدت در انسان‌گرایی‌های فردگرایانه را تقویت می‌کند. یکی از مصادیق فردگرایی و منیت که ما امروزه در جامعه با آن درگیر هستیم، سلفی‌هایی است که افراد در لحظات سخت و بحرانی دیگران می‌گیرند و در فضای مجازی منتشر می‌کنند. از نظر اخلاقی، هر انسانی در مقابل انسان‌های دیگر مسئول است. متأسفانه امروزه افراد در لحظات بحرانی هم‌نوعان خود، این فرصت را نردبانی برای ابراز وجود خود قرار می‌دهند؛ این همان «ذبح اخلاق» به پای «خودشیفتگی» و «منیت» است (رحمتی، ۱۳۹۶).

در جامعه ارزشی، انسان‌ها خود را فدای یک ارزش انسانی و گاهی جمعی می‌کنند و به طور معمول، خیر دیگران - دست کم به اندازه خیری که مستقیماً عاید خود می‌شود - اهمیت دارد.

1. Humanism

امام علی علیه السلام می فرماید:

برای مردم به همان راضی شو که برای خود رضایت می دهی و به مردم همان بده که دوست داری به تو داده شود (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۸).

مصباح در فلسفه اخلاق، در تبیین خودگرایی و دیگرگرایی از دیدگاه اسلام، چنین بیان می کند:

افزون بر اینکه خیر دیگران معادل خیر خود اهمیت دارد؛ معمولاً ترجیح دادن خیر دیگران بر خیر خود، ارزشمندتر است و بدین ترتیب «ایثار» و مصادیق مختلف آن مانند «انفاق»، در بسیاری از موارد، فضیلت اخلاقی به شمار می آیند. قرآن کریم در مدح عده ای از مؤمنان در آیه ۹ سوره حشر می فرماید: «...دیگران را بر خود ترجیح می دهند، هرچند خود نیازمندند...». اما از آنجا که ارزش فعل اخلاقی، به میزان تقرب انسان به خداوند به واسطه آن فعل اخلاقی است، در مکتب اسلام خداگرایی بر خودگرایی و دیگرگرایی ترجیح دارد. براساس آموزه های اسلام، دیگرگرایی مد نظر اسلام با خودگرایی حقیقی منافات ندارد؛ زیرا نتایج نیک خداگرایی حاکم بر آن، به خود شخص باز می گردد (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴).

قرآن کریم در ادامه آیه ۹ سوره حشر می فرماید: «...و کسانی که از بخل نفس حفظ شدند، رستگاران اند». از منظر قرآن، بین فعل انسان برای خیر حقیقی خود و کار برای خدا، منافاتی وجود ندارد؛ همان گونه که آیه ۷۴ سوره نساء حاکی از این مسئله است، آنجا که می فرماید: «پس کسانی که زندگی دنیا را در مقابل زندگی آخرت می فروشند، باید در راه خدا پیکار کنند و کسی که در راه خدا پیکار کند، پس کشته شود یا پیروز شود، به او پاداش بزرگی می دهیم». چون ملاک، ارزش قرب الهی است که سعادت حقیقی را در پی دارد، نه منافع مادی. امروزه فضاهای مجازی، منتقل کننده روحیاتی کاملاً متضاد با نظر اسلام هستند.

کرم الهی در تحقیق پیمایشی خود در مورد استفاده از اینترنت و میزان التزام به اخلاق اجتماعی در بین دانشجویان شهر قم، چنین به دست آورده است که پاییندگی غیرکاربران در طبقه متوسط در مورد گویه هایی مانند خوش رفتاری با دیگران، احساس مسئولیت در قبال دیگران و رعایت حقوق دیگران، نسبت به کاربران بیشتر بوده است (کرم الهی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸).

### ۳- نیهیلیسم ارزشی

در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره نوجوانی، ارزش‌ها و استانداردهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی‌شود. توانایی‌های فزاینده نوجوانان، بیشتر آنان را متوجه مسائل و ارزش‌های اخلاقی می‌کند و راه‌های پیچیده‌تری را برای کنار آمدن با آن می‌یابند. درعین حال، آنچه جامعه از نوجوانان می‌خواهد، به سرعت در حال تغییر است و همین مستلزم ارزیابی مجدد و مداوم ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی است (حسینخانی، ۱۳۸۵).

رشد نیهیلیسم که در دنیای مدرن کنونی بیشتر به چشم می‌خورد، ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی نوجوان را با چالش مواجه می‌کند. «نیهیلیسم<sup>۱</sup> یا پوچ‌گرایی، یک زاویه فلسفی است که زندگی را بدون معنا و هدف خارجی می‌داند. نیهیلیسم در اصطلاح فارسی، مفهوم نیست‌گرایی یا هیچ‌گرایی و بی‌گرایشی دارد و روشی است که موضوعات تحمیل شده بر اندیشه‌های بشری را به نوعی نفی می‌کند. این نفی، هم از جهات فلسفی (یعنی چرایی‌ها و چگونگی‌های معتبر) شناخته شده و هم از جنبه‌های اجتماعی و شامل قراردادهای تحمیلی دست‌وپاگیر است، که اساساً نیهیلیسم آن را مطرود می‌شمارد» (غفوری، ۱۳۵۵، ص ۳۷).

نیهیلیسم اخلاقی به عنوان یکی از معضلات مدرنیسم (به مفهوم نیست‌انگاری) در حوزه اخلاق؛ یعنی چیزی با عنوان ارزش‌های اخلاقی، واقعیت ندارد. ارزش‌های اخلاقی که ما اعتقاد داریم؛ مثلاً وجود خوب و بد، باید و نباید. این باید و نبایدها راهنمای ما هستند، نقشه‌ای هستند تا ما مطابق با آن به سعادت و کمال برسیم. نیهیلیسم اخلاقی و یا بیشتر جریان‌های معاصر اخلاقی که از نیهیلیسم دفاع می‌کنند (یعنی ارزش‌های اخلاقی را واقعی نمی‌دانند)، زبان اخلاق را حفظ کرده، کنار نمی‌گذارند، اما معنای دیگری در آن تزریق می‌کنند که با مقاصد نیهیلیستی خودشان سازگار است (جوادی، ۱۳۹۰).

به دلیل گمنامی در فضای مجازی، می‌توان در این فضا فارغ از هرگونه قیدوبند، سلسله مراتب، تفاوت یا ترجیح، در محیط‌های گوناگون، در اتاق‌های گفتگوی مختلف و در وب سایت‌های مختلف وارد شد و سخن گفت و سخن شنید، بدون اینکه مسئولیتی در قبال گفته‌ها و شنیده‌ها

وجود داشته باشد. فضای مجازی، جایی است که افراد در آن خرید و فروش می‌کنند، تخصص رد و بدل می‌کنند، سایبر سکس دارند، عبادت می‌کنند و از محل‌های جدید دیدن می‌کنند. در این فضا همه چیز یکسان است و تمام تفاوت‌های کیفی از میان برداشته شده است (شقاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱).

فقدان معنا، ره‌آوردی از یکسان‌سازی تمام مراتب ارزشی است و مرتبه‌ای قابل تصور است. افراد به صورت آواتار، به راحتی و بدون نیاز به تخصص و تعهد، برای سخن گفتن وارد هر اتاق گفتگوی دلخواه می‌شوند. اگر بحث دربارهٔ مباحث الهی داستانِ قربانی کردن اسماعیل به دست ابراهیم برایش خسته‌کننده شد، می‌تواند به اتاق بحث ورزشی برود و در مورد نتایج داوری بازی دو تیم فوتبال بحث کند. دیگر هیچ چیز آن قدر اهمیت ندارد که کسی بخواهد درباره‌اش جانفشانی کند. تغییرپذیری و زندگی در چهره‌ها و لباس‌های متغیر. که ره‌آورد چنین وضعی است. همگی در جهت تضمین عدم آسیب‌پذیری انسان از قبول تعهد و مسئولیت در قبال عمل است، که نوعی تهی بودن و فقدان معنا در زندگی را به شدت دامن می‌زند (همان، ص ۱۱۳، ۱۱۷).

امروزه فضاهای ارتباطی حاکم، فضایی نهیلیستی است؛ یعنی فعل ارزشی و فعل ضد ارزشی، تمایز خود را از دست داده است. شخص وقتی وارد یک محیط ارتباطی می‌شود، با هاپرلینگ‌های متعدد مواجه است که در کنار هم قرار گرفته‌اند و با کلیک کردن می‌توان وارد سایتی با مضامین ارزشی و اخلاقی و یا وارد سایتی آکنده از تصاویر مستهجن و ضد اخلاقی شد؛ لذا کاربر برای مضامین و مفاهیم اخلاقی، دیگر تشرف به معنا پیدا نمی‌کند. در آموزه‌های دینی ما، انتقال معنا نیاز به تشرف به معنا دارد؛ یعنی باید آمادگی روحی وجود داشته باشد. ما در هر حالی نمی‌توانیم هر کاری انجام بدهیم؛ در حقیقت از این امر منع شده‌ایم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ؛ ای اهل ایمان، هرگز در حال مستی به نماز نیایید تا بدانید چه می‌گویید (و چه می‌کنید)».<sup>۱</sup> ادب تشرف به معنا، از تأکیدات دین ماست (یامین پور، ۱۳۹۴).

رفته رفته این تفکر نهیلیستی سایه شوم خود را بر سر تمام ارزش‌های اخلاقی می‌افکند و در اینجاست که ارزش‌هایی مانند احترام به والدین، عمل به قول و وعده، اهمیت دادن به لقمه حلال، آمادگی برای دفاع از دین و اعتقادات و مراعات احکام شرعی و... قداست خود را از دست

۱. سلسله نشست‌های کافه نقد، تابستان ۹۴، فرهنگ‌سرای رسانه اصفهان.

می دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند، میزان التزام غیرکاربران نسبت به این ارزش‌ها، قوی‌تر از کاربران است (کرم‌اللهی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۹-۲۲۰).

اینترنت با ایجاد این فضای نهیلیستی، نوجوان جویای هویت را با مشکل بزرگی مواجه می‌سازد و از آنجا که هویت دینی سایه خود را بر ابعاد دیگر هویت گسترده است، بحران هویت دینی، چالش مهم اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان است.

#### ۴- بحران هویت دینی

یکی از ویژگی‌های مهم دوران نوجوانی، جستجو و شکل‌گیری هویت است. بحران هویت که یکی از مشکلات دوران نوجوانی است، هنگامی آغاز می‌شود که فرد نتواند ارزش‌ها و نظرات والدین را به میزان قابل توجهی با ارزش‌ها و عقاید دوستان، همسالان و سایر افراد مهم در زندگی خود تطبیق کرده، بپذیرد و عمل نماید و خود نیز نداند کدام یک از این دیدگاه‌ها، با ارزش‌ها و معیارهای او منطبق است. در این صورت، کار هویت‌یابی برایش دشوار و طولانی می‌شود؛ زیرا نمی‌تواند هویتی واحد برای خود کسب نماید و احتمالاً دچار بحران هویت می‌شود (خدایاری فرد، ۱۳۸۰، ص ۴۲). از مهم‌ترین عوامل بروز بحران هویت در جوامع فعلی، گسترش صنعت ارتباطات و به ویژه فضای مجازی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است که به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه محدود نبوده و نخواهد بود؛ به طوری که در جهان امروز، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که از تأثیرات ناشی از این بحران در امان خواهد بود (معمار و همکاران، ۱۳۹۱).

بسیاری از افراد، هنگامی که دچار بیماری بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و حتی گاهی به دنبال هویت منفی می‌گردند. بحران هویت، در حقیقت عدم پاسخ روشن به سؤالاتی است که بیشتر خاستگاه اعتقادی دارند؛ مانند: «از کجا آمده‌ام؟»، «چه کسی هستم؟»، «به کجا خواهیم رفت؟» و «چه کار باید بکنم؟» (نجفی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). در مکتب اسلام جستجوی پاسخ این پرسش‌ها، ارزشمند است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند رحمت کند کسی را که بداند «از کجا آمده»، «در کجا به سر می‌برد» و

«به سوی کجا در حرکت» است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱۶).

فضای مجازی با استفاده از این فرصت و شرایط خاص پیش‌آمده برای نوجوان، علاوه بر ترویج انواع عرفان‌ها، فرقه‌های دینی و مکتب‌های ضالّه نوپدید، از سوی دیگر شبهات عقیدتی

پیچیده‌ای را به نوجوان القا می‌کند تا در دوره بازسازی دینی، به یکی از این فرقه‌ها گرایش پیدا کرده و در جدال با شبهه‌های اعتقادی، سرگردان بماند و از دین و اعتقادات خویش دست بکشد. چون نوجوان نگاهی انتقادی و پرسشگر دارد، دقت در مواجهه با شبهه‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. تفکر انتقادی نوجوان مذموم نیست، بلکه سبب تصحیح آموزه‌های دینی و اعتقادی و بازنگری در عیار درستی و اصالت و ارزش آنها شده، به تدریج به پالوده شدن، غنا و نهادینه شدن اعتقادات می‌انجامد؛ به شرطی که در سرگردانی و بی‌پاسخی نماند. شهید مطهری نیز بر این عقیده است که «شک گرچه منزلگاه خوب و توقفگاه مناسبی نیست، ولی معبر خوب و لازمی است» (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۲).

نوعی از بحران هویت که خاص فضای مجازی است، مربوط به تغییر اجتماعی سریع است. بر اثر این چنین ارتباطات و تعامل با فضای مجازی، سنت‌های قدیمی به سرعت در حال سست شدن بوده و احساس سردرگمی هویتی در تعدادی از گروه‌های اجتماعی شکل گرفته است. استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر ارزش‌های جوانان داشته و موجب شده نیازهایی که قبلاً توسط خانواده برطرف می‌شد، امروزه از سوی این رسانه جدید مرتفع شود؛ مثلاً در گذشته دوست‌یابی تحت نظر والدین صورت می‌گرفت، اما امروزه برخی جوانان با استفاده از سیاست‌های دوست‌یابی، گفتگو (چت) و امثال آنها، قادرند با افراد گوناگون و با فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند. کاربران اینترنت، برخلاف نسل اول که در فضایی واقعی و حقیقی فعالیت می‌کردند، امروزه در فضایی مجازی مشغول هستند. بر همین اساس، بسیاری از کارکردهای خانواده در جامعه‌پذیری افراد، به وسیله این رسانه تعاملی، در محیطی مجازی صورت می‌گیرد (بوربور حسین بیگی، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

پدیده مهم دیگری که از بحران هویت به وجود می‌آید، ترکیبی از بحران هویت فردی و اجتماعی است. وقتی افراد در معرض فضای مجازی قرار می‌گیرند، به نوعی از دگرخودپنداری از خویش مبتلا می‌شوند. این نگرش وضعیتی پدید می‌آورد که افراد در فضای مجازی، خود را در شرایطی ایده‌آل و دست‌نیافتنی‌تر تعریف می‌کنند؛ رفتارهایی مانند تلاش برای جذب تعداد بیشتر لایک، انتشار بخش‌های بیشتری از زندگی شخصی، تلاش برای جذب بیشتر دنبال‌کنندگان آنلاین در صفحات اجتماعی و انتشار تصاویر شخصی با جوانب مثبت و قابل توجه؛ اینها از جمله مواردی

هستند که می‌توانند نوجوان را در مواجهه با واقعیت، دچار بحران هویت سازند.

### ب) تهدیدهای عینی و عملی

اینترنت با تأثیر بر ساحت‌های بینشی و گرایشی، زمینه ظهور برخی رفتارهای غیراخلاقی را ایجاد می‌کند. تهدیدهای نظری ذکر شده در مبحث فوق، نمودهای بیرونی در قالب رفتار و اعمال غیراخلاقی خواهد داشت. در این مبحث به برخی تهدیدهای عینی و عملی فضای مجازی پرداخته می‌شود.

### ۱- حیازدایی

یکی از آفت‌های فضای مجازی، زدودن گوهر حیا از وجود انسان است. براساس آموزه‌های دینی ما، حیا سرآمد تمام فضایل اخلاقی است. شاید بتوان گفت آبشخور تمام فضایل، حیا‌مندی و منشأ تمام رذایل، بی‌حیایی انسان است. «استحیاء» را می‌توان به معنای «خود را در محضر خدا دیدن» و «پرهیز از گناه» دانست که یکی از صفات پسندیده نفسانی مورد تأکید دین اسلام است و منظور از آن، خودداری از انجام دادن کارهای زشت، به سبب ترس از سرزنش شدن است (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۱). حیا در روان‌شناسی تحت عنوان انفعالات روانی معرفی می‌شود. اصولاً حالات روانی را با هیچ تعریف خاصی نمی‌توان به کسی که فاقد آن است شناساند؛ منتها چون برای تمام انسان‌ها کمابیش این حالت پیش می‌آید، می‌توانند آن را درک کنند (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۵۷).

احادیث معصومین راجع به حیا، دو دسته‌اند: احادیثی که حیا را به‌عنوان امری اخلاقی، مورد توجه قرار داده‌اند: «حیا کلید تمام خوبی‌هاست»<sup>۱</sup> (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۹۳، ح ۳۴۰)؛ پاره‌ای دیگر از این احادیث، به صراحت اشخاص را به رعایت حیا سفارش کرده است: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد»<sup>۲</sup> (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۵).

در مجموع، می‌توان گفت حیا یکی از «مکارم اخلاق» معرفی شده است که در خصوصی‌ترین زوایای زندگی انسان نیز نقش ایفا می‌کند؛ زیرا روح وقتی با یک عمل زشت روبه‌رو می‌شود و آن را تصویر می‌کند، منفعل و منکسر می‌شود و همین حالت، موجب بازدارندگی اوست. بعد از انجام

۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ الْخَيْرِ».

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ».



آن عمل هم، این حالتِ بازدارندگی نسبت به تکرار آن عمل زشت آشکار می‌شود. در عصر کنونی، گسترش فرهنگ مبتذل غرب در فضای مجازی، فطرت پاک انسان را تیره‌وتار می‌کند و حیا را که منشأ آراستن انسان به تربیت دینی و اخلاقی در بُعد فردی و اجتماعی است، به تاراج می‌برد. یکی از مصادیق حیا، حیای چشم است که اینترنت کمینگاهی برای زدودن آن است. چه بسا محقق یا محصل نوجوان برای یافتن مطلبی علمی وارد شبکه می‌شود، اما در حاشیه لینک مدّنظر، هایپرلینک‌های متعدد چشمان او را به تماشای تصاویر نیمه‌عریان دعوت می‌کند و نوجوان را - که در مرحله بیداری جنسی است - به تماشا، کنجکاوی و جستجوگری می‌خواند. قرآن کریم برای آسیب‌زدایی از موهبت حیا و عفت، در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را (از نگاه ناروا) بپوشند».

«غض البصر» در این آیه، به مفهوم کم و کوتاه کردن نگاه آمده است (طبرسی، ج ۱۸، ص ۲۵). به عبارت بهتر: پرهیز از امتداد و طولانی کردن نگاه و جستجوگری و کنجکاوی در نگاه به نامحرم، که حیا و عفت را لکه دار می‌کند.

به تحقیق می‌توان گفت راه برون رفت از آسیب‌های فضای مجازی بر اخلاق فردی و اجتماعی، حیا از خداوند است که بالاترین نوع حیا و ویژگی انسان‌های رشد یافته است. راه مزین ساختن انسان به حیا در فضای مجازی نیز حیامداری در زندگی واقعی است<sup>۱</sup> (زائری، ۱۳۹۱). یکی از نمادهای آشکار بی‌حیایی در فضای واقعی، بی‌حجابی است؛ زیرا فضای مجازی، قبح پوشش نامناسب را با نمایش و تکرار آن برای پسر و دختر نوجوان، از بین می‌برد.

## ۲- بی‌حجابی و بدحجابی

اینترنت ابزار مناسبی برای جوامع غربی شده تا در جهت بسط فرهنگ مبتذل خود، با ارائه مدها و نگاه ابزاری به زن، هویت زن مسلمان را با بحران مواجه کنند. ره‌آورد جوامع مدرن برای زنان، این شده است که امروزه بدن زن تبدیل به ابزاری برای تبلیغ مصرف باشد. زنان، موجوداتی مصرفی نمایانده می‌شوند که برای کسب هویت ارزشمند، باید بدنی متناسب با استانداردهای نوین و روحیه‌ای متناسب با تبعیت از مدها و مصرف هرچه بیشتر کالا داشته باشند. در این

۱. حجت الاسلام زائری، نشست حیا در رسانه، ۱۸ مهر ۱۳۹۱.

فرهنگ، بدن، نحوه لباس پوشیدن، خودآرایی و حتی نحوه سخن گفتن و ژست‌ها، همگی نشان‌دهنده هویت افراد می‌شود. ورود ترتیبات زندگی مدرن (مانند اینترنت) به جامعه ما، این مخاطره‌ها را برای دختران و زنان جدی‌تری می‌سازد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳-۱۷۲). با گذری بر شبکه‌های اجتماعی (مانند: فیس‌بوک و اینستاگرام)، چالش زدودن حجاب و به تازگی رفتن هویت زن مسلمان مشاهده می‌شود. مسئله دیگری که اخیراً شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی برای ترویج آن قرار گرفته است، تخریب نمادهای حجاب است؛ یعنی پدیده نوظهور محجبه‌های خودنماست که فرهنگ عفاف و حجاب را با آسیب مواجه ساخته است. رواج بی‌حجابی در فضای واقعی، تنها راه‌آورد بی‌حجابی مجازی نیست؛ انحرافات جنسی، تهدید دیگر اینترنت است و بی‌حجابی مجازی یکی از دلایل آن.

## ۲- انحرافات جنسی

وجود نیازهای جنسی در دوران بلوغ، از قدرتمندترین جنبه‌های حیاتی محسوب می‌شود. در همین دوران است که ضمن درک واقعیت‌ها، برآزادی خویش تأکید می‌کنند و خواستار آزادی در بسیاری از زمینه‌ها می‌شوند. این مسئله از آنجا اهمیت می‌یابد که اگر نتوان در این دوران، بین بلوغ عقلی و جنسی نوجوان رابطه‌ای منطقی و درست پدید آورد، انحرافات، بزهکاری و اختلالات رفتاری و شخصیتی را در پی خواهد آورد (پارسا، ۱۳۹۴، ص ۸۳).

انحرافات جنسی، پیامد عدم رابطه منطقی بین رشد عقلی و رشد جنسی است، که این امر در پدیده بلوغ زودرس، بیشتر مشهود است. معنای انحرافات جنسی، کسب لذت جنسی خارج از قوانین دینی و اجتماعی است. کامجویی از خود، یا کشش به سوی جنس موافق و یا گرایش‌های غیرقانونمند به سوی جنس مخالف، از جمله گرایش‌های انحرافی به حساب می‌آید. انحرافات جنسی، آسیب‌های جسمی، روحی، اجتماعی و معنوی را در پی خواهد داشت که انسان را به موجودی بی‌اراده و ناتوان تبدیل می‌کند. امام علی علیه السلام این ناتوانی را چنین توصیف می‌کند:

آن کس که بنده شهوت خویش باشد، دلیل‌تر از بنده برده است.<sup>۱</sup>

اینترنت به دلیل داشتن رویکرد «آزاداندیشی در روابط جنسی» از سوی سازمان‌دهندگان اصلی

۱. «عبد الشهوة اذل من عبد الرق» (غررالحکم، ص ۳۰۴).

آن و نگرش تجاری نسبت به مسائل جنسی، موجب پدید آمدن پدیده شومی به نام پرونوگرافی<sup>۱</sup> (هرزه‌نگاری) و رواج سرسام‌آور آن شده است. این پدیده، هنجارهای اخلاقی را درهم می‌شکند و چالش بزرگی برای فرهنگ‌ها، به خصوص فرهنگ‌های دینی. همچون فرهنگ اسلامی. است. مطالب و تصاویر مستهجن، معمولاً به ارضای غیرطبیعی جنسی مراجعه‌کنندگان آن می‌انجامد. متأسفانه این امکان وجود دارد که کودکان به واسطه دیدن این مطالب و تصاویر، دچار پدیده‌ای به نام «بلوغ زودتر از موعد» شده و به تبع آن، رفتارهای جنسی از خود بروز دهند. در مورد بزرگسالان نیز هرزه‌نگاری اینترنتی می‌تواند به بروز رفتارهای جنسی نامعقول و یا گاهی اعتیاد جنسی بینجامد. اصولاً اینترنت به جوی دامن زده که در سایه ویژگی‌های خاص خود، به تدریج به شکل‌گیری ناهنجاری‌های جنسی در کاربران خود کمک می‌کند (طارمی، ۱۳۸۷، ص ۳۸۳۷).

نوجوانان می‌توانند رفتارهای جنسی جبری، نظیر استمناء را داشته باشند؛ چراکه در اینترنت مکرراً چنین عبارتی مشاهده می‌شود: «اگر ۱۸ ساله یا بزرگ‌تر هستید، اینجا را کلیک نمایید». این پیام آشنایی است که نوجوان را به وب‌سایت‌های بزرگسالان فرا می‌خواند؛ چون راهی وجود ندارد که سن واقعی کاربر را بررسی کند و به سادگی اجازه می‌یابد به اتاق‌های گفتگو، سایت‌های هرزه‌بینی، سایت‌های بزرگسالان و سرویس‌های قرار. عشقی راه یابد. سایت‌هایی که هر چیزی مطابق با تمایلات جنسی خاص فرد، می‌تواند در آنها یافت شود (آل کوپر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹۱۰۸).

### ۳- دوستی‌های اینترنتی

یکی از محیط‌هایی که در دهه‌های اخیر جهت دوست‌یابی از آن استفاده می‌شود، محیط مجازی اینترنت است. شبکه‌های دوست‌یابی، به سرعت در میان جوانان و نوجوانان ایرانی محبوب شده است. چت کردن نوشتاری و تصویری. صوتی، در این زمینه کاربرد زیادی دارد. براساس مطالعه میدانی زنجانی‌زاده و جوادی، میزان استفاده از چت، با ۱۲۷ دقیقه در هفته، بیشترین میانگین را در میان انواع استفاده از اینترنت به خود اختصاص داده است (زنجانی‌زاده و جوادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱). اما باید توجه داشت که این محیط به علت خصوصیات خاص خود، مشکلات و آسیب‌های جدی را به دنبال دارد.

سادگی و راحتی دسترسی به اتاق‌های گپ و تالارهای گفتگو و همچنین دامنه و گستردگی افرادی

1. pornography

که در این محیط‌ها به تعامل با یکدیگر می‌پردازند، عامل مهمی در جذب کاربران به استفاده از آن است. غافل از اینکه به محض ورود به اتاق‌های گفتگو، کودکان و نوجوانان در معرض انواع آزار جنسی، مکالمات جنسی و مبادله نمودن عکس، قرار می‌گیرند. اگر فردی وارد این اتاق‌ها شود، افراد زیادی را می‌بیند که ادعا می‌کنند جوان یا نوجوان هستند (کوپر، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱).

قرآن کریم یکی از عوامل عاقبت نافرجام را همنشینی بد عنوان کرده است:  
«يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛ ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم (فرقان: ۲۸).

بدون شک عامل سازنده شخصیت انسان (بعد از اراده، خواست و تصمیم او)، امور مختلفی هستند که اهم آنها همنشین، دوست و معاشر است؛ چراکه انسان خواه و ناخواه، تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش کسب می‌کند. این حقیقت، هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات حسی به ثبوت رسیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۸۹۸۸).

باید توجه داشت که در دوستی‌های غیر هم‌جنس، مشکلات دیگری نیز پیش می‌آید؛ از قبیل: بازی با عواطف، اغوای دختران و زنان در نبود علایم غیرکلامی، مقدمه‌ای برای ملاقات حضوری، جنسی شدن روابط، کاهش تدریجی شرم و حیا و خودافشاگری بالا در این‌گونه روابط و به تبع آن، شکل‌گیری سریع صمیمیت و اعتماد است<sup>۱</sup> (همتی، بی‌تا).

تمایل فزاینده نوجوان به حضور اجتماعی با هویت گمنام در گستره وسیع، سبب بروز تعاملات مجازی خارج از مدیریت زمان می‌شود و نتیجه آن، دوری از ارتباطات اجتماعی در فضای واقعی است.

#### ۴- افسردگی و انزوای اجتماعی، افسردگی و عدم حضور اجتماعی در فضای واقعی

انسان موجودی اجتماعی خلق شده است و رشد جنبه‌های مختلف شخصیت او، در بستر اجتماع شکل می‌گیرد. البته این گرایش به اجتماعی شدن، در نوجوانان و جوانان نمود بیشتری دارد و به شکل گروه‌گرایی در دایره همسالان، خود را نشان می‌دهد. گروه‌گرایی در فضای واقعی، عامل مهمی در شکل‌گیری هویت نوجوان است و به رشد اجتماعی او کمک می‌کند، اما با وجود اینترنت، بیشتر نوجوانان، طبع گروه‌گرای خود را در فضای مجازی اشباع می‌کنند و

1 porseman.org

این عامل، یکی از دلایل تمایل افراطی آنان برای حضور در فضای مجازی است. آنان این فضا را برای اجتماعی شدن، ایمن تر از فضای رئال می‌پندارند. نتایج مطالعه پیمایشی بر خط دانشگاه استنفورد کالیفرنیا که روی چهل هزار نفر، توسط نای و اربرینگ انجام گرفت، بیانگر آن بود که کاربران اینترنت زمان کمتری را برای گذراندن با دوستان و اعضای خانواده صرف می‌کنند (نای و هیلگز، ۲۰۰۲، به نقل از کرم‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶).

شبکه‌های اجتماعی مجازی، در کنار احساس آرامش و امنیتی که با حفظ هویت اولیه خام به نوجوان می‌دهند، ناتوان از دادن هویتی به نوجوان هستند که در ارتباطات واقعی تر در دنیای غیردیجیتال انتظارش را می‌کشد؛ در نتیجه نوجوان دچار انزوای اجتماعی می‌شود. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت بین افسردگی و انزوای اجتماعی با مدت زمان معمول استفاده از اینترنت در کاربران نوجوان و جوان است. استفاده بیش از حد از اینترنت می‌تواند برای سلامت، رشد روانی و رشد اجتماعی نوجوان و جوانان خطرآفرین باشد (سجادیان و نادى، ۱۳۸۵). مشاهدات نشان می‌دهد انگیزه افرادی که ساعات متمادی را در فضای مجازی سپری می‌کنند، برای تعامل با دیگران کم می‌شود که این خود اثرات منفی بر ارتباط شخصی و تعاملات اجتماعی آنان دارد. این افراد دوستی‌ها را کمتر حفظ کرده، زمان کمتری با خانواده سپری نموده و استرس‌های بیشتری را تجربه می‌کنند و در نهایت تنها و افسرده‌اند. وابستگی به اینترنت همچنین گسست‌ها و انقطاع‌های شدیدی در زندگی تحصیلی، اجتماعی، مالی و شغلی مشارکت‌کنندگان ایجاد کرده است (محسنی و همکاران، ۱۳۸۵).

##### ۵- کاهش مسئولیت اجتماعی و آزار مجازی

هیجان‌طلبی، ریسک‌پذیری بالا و استقلال‌طلبی نوجوان و از سوی دیگر، فضای نسبتاً غیرقابل کنترل فضای مجازی، موقعیتی را برای نوجوان ایجاد می‌کند که احساس مسئولیت و مقید شدن به ملازمات اجتماعی و قانونی را در آنان کاهش می‌دهد. قضاوت‌های اخلاقی در این دوره در مورد قوانین اجتماعی، بیشتر «نسبی‌گرا» است؛ به این معنا که قوانین و مقررات در نظر نوجوان، عبارت است از یک سلسله موافقت‌های قراردادی و دلخواه که می‌تواند مورد تردید و حتی تغییر قرار گیرد. «اخلاق توافقی» که شکل تازه‌ای از اندیشه اخلاقی و مربوط به دوران نوجوانی است، دارای این دو ویژگی است:

- اطاعت از افرادی همانند والدین که دارای قدرت هستند، نه ضروری است و نه همیشه مطلوب.

- سرپیچی و تخلف از قوانین نیز همیشه خطا نیست و قطعاً به تنبیه منتهی نمی‌شود (حسینخانی، ۱۳۸۵).

زمانی که کاربر نوجوان با توجه به این قضاوت اخلاقی، بدون توجه به محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های جامعه، اقدام به نقض هنجارهای اجتماعی می‌کند، دارای احساس مهارزدایی یا کاهش مسئولیت اجتماعی است. اندیشمندان، مسئولیت اجتماعی در فضای مجازی را به شمشیر دو لبه تعبیر می‌کنند. این احساس، برخی اوقات با ایجاد امکان گفتگوی آزاد و فارغ از عوامل تحریف‌گر و رعایت کردن ملاحظات، موجبات طرح بعضی موضوعات و مسائل شخصی غیرقابل طرح در مواجهات رو در رو را فراهم می‌سازد، اما از دیگر سو می‌تواند باعث ابراز نیازها و عواطف ناخوشایند کاربر از طریق سوء استفاده از دیگران شود. کاهش مسئولیت اجتماعی، می‌تواند با تحریک کاربر به انجام رفتارهای ماجراجویانه، منجر به بروز رفتارهای غیراخلاقی (مانند سرقت‌های مادی و معنوی، نقض حریم خصوصی، حمله‌های سایبری و ...) شود که از آنها به «آزار مجازی» تعبیر می‌شود.

آزارگر مجازی، فردی است که به واسطه انگیزه‌های عاشقانه، یا جنسی و یا اقتصادی، فرد دیگری را با توسل به ابزار ارتباطی، آزار می‌دهد. دو عامل اساسی گسترش آزار مجازی عبارتند از: «وجود اطلاعات گسترده شخصی در فضای مجازی» و «گمنامی آزاردهندگان و دشواری شناسایی واقعی آنان». گمنامی، آزاردهندگان را در موقعیتی برتر نسبت به قربانیان قرار داده و باعث تحریک آزاردهندگان به دنبال کردن قربانی و در صورت امکان، آزار او در فضای واقعی (خیابان، مسیر کار یا منزل) می‌شود. آزار مجازی می‌تواند زندگی اجتماعی و خصوصی قربانیان را دستخوش تغییرات اساسی نماید. تغییر محل کار و شماره تماس و پرهیز از حضور در اماکن عمومی و حتی مواجه شدن قربانیان با انواع مشکلات روحی و روانی، از پیامدهای این پدیده است (کرم‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱۰).

## ۶- شایعه پراکنی و دروغ پردازی

معلوم بودن نام نویسنده، یک عامل بازدارنده در برابر بی‌دقتی یا دروغ است. عموم افراد از

گفتن مطالبی که از صحت آن اطمینان ندارند، یا توان مسئولیت‌پذیری درباره آن را ندارند، پرهیز می‌کنند؛ اما در فضای مجازی، هرکس می‌تواند با داشتن هویت غیرواقعی و بدون پذیرش مسئولیت خبر، آن را منتشر کند.

از سوی دیگر، به تعداد کاربران اینترنت و شبکه‌ها و صاحبان وبلاگ‌ها، تولیدکننده خبر و مطلب وجود دارد. در میان این همه محتوا در بیان یک واقعیت، وجود روایت‌های غیرواقعی اجتناب‌ناپذیر است. گاهی به تعداد بینندگان یک اتفاق، روایت‌های متفاوتی از آن واقعه منتشر می‌شود که منطبق با حقیقت نیست. گاهی تکرار یک مطلب، آن را به عنوان یک حقیقت جا می‌اندازد و کم‌کم آن را به سند تبدیل می‌کند. همچنین بالا بودن سرعت انتشار خبر نیز امکان بررسی دقیق صحت آن را غیرممکن می‌کند (منتظر قائم، ۱۳۹۵).

در فضای مجازی، به آسانی می‌تواند بینش و نگرش ما تحت تأثیر اشتباهات عامدانه یا سهوی دیگران قرار بگیرد؛ اطلاعاتی که هیچ تضمینی بر صحت آن وجود ندارد. هرکدام از ما نیز با باز نشر پیامی که به صحت آن اطمینان نداریم، به زنجیره انتشار این شایعات می‌پیوندیم و شخص یا اشخاص دیگری را در معرض فریب‌های این شبکه نامطمئن قرار می‌دهیم و آبروی انسان. که به مثابه تمام سرمایه و اعتبار اوست و در طول زندگی، با سختی آن را به دست آورده است. به راحتی در معرض خطر قرار می‌گیرد. از نظر اسلام، حفظ آبروی مردم و حتی اندیشه آنان محترم است و ریختن آبروی مؤمن گناه بزرگی به شمار می‌رود؛ به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام آبروی مؤمن را از حرمت کعبه بالاتر می‌داند و می‌فرماید: «المؤمن اعظم حرمة من الكعبة» (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۶).

شایعات رایج در فضاهای مجازی، گاهی اختصاص به افراد و یا اشخاص ندارد. در برخی موارد، ناآگاهانه تصویر ذهنی عموم مردم از هویت ملی، فرهنگ، قومیت یا جنسیت را مخدوش می‌کنند و حتی در امور سیاسی و دیپلماتیک کشورها، تنش‌زایی می‌کنند. برخی دیگر از این شایعات نیز به امنیت اجتماعی یا حوزه سلامت و بهداشت مربوط می‌شوند و سبب ایجاد تنش و ناآرامی در جامعه می‌شوند؛ تنش‌هایی که گاهی رفع آن و بازگرداندن آرامش و امنیت به افکار عمومی، برای دولت‌ها هزینه‌های گزافی دارد.

## نتیجه‌گیری

چالش‌های اینترنت بر تربیت اخلاقی نوجوان، امروزه مصادیق متعددی دارد که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره شده است، اما حقیقت این است که تهدیدها فراتر از آن است که بیان شد. امروزه چالش‌هایی چون توهین به مقدسات، نقض حریم خصوصی، تحقیر و تمسخر (فردی، قومیتی یا جنسیتی)، نقض مالکیت دیگران (مادی یا معنوی)، تولید و توزیع محتوای جنسی (پورنوگرافی)، هک کردن، حمله‌های سایبری و اعتیاد به بازی‌های آنلاینی (مانند کلتش که خطرات جدی دارد) گسترش یافته است. این مخاطرات، هشدار است برای والدین و مربیان تربیتی و از سوی دیگر، نهادها و ارگان‌های دولتی، تا با برنامه‌ریزی دقیق و مدون، از به تاراج رفتن ارزش‌های دینی پیشگیری شود.

در عصر حاضر، به دلایلی از قبیل سرعت تبادل اطلاعات، گستره وسیع تعاملات و نفوذ اینترنت بر تمام ابعاد زندگی انسان از یک سو و از سوی دیگر استقلال طلبی، رشد شناختی و اجتماعی نوجوان، نمی‌توان رویکرد سلبی در تربیت به کار برد، بلکه باید با آگاهی از چالش‌ها و مخاطرات، راه‌های برون‌رفت را به کار گرفت و با بهره‌گیری از فرصت‌ها، تهدیدها را نیز تبدیل به فرصت کرد. این واقعیتی انکارناپذیر است که نقش اصلی در کاهش تهدیدهای تربیت اخلاقی اینترنت، در گام اول می‌بایست در قالب تدابیر پیشگیرانه توسط والدین اعمال شود. اگرچه راهکارهای قانونی و فیلترینگ برخی سایت‌ها توسط دولت، در عمل تا حد بسیاری سودمند است؛ خانواده می‌تواند با ارائه الگوی اخلاقی، به پرورش روحیه خودکنترلی، مدیریت زمان، هدایت به تعامل هدفمند فرزندان با فضای مجازی، جلوگیری از شکاف دیجیتالی خود و فرزندان، شاکله اخلاقی آسیب‌ناپذیری را در فرزندان ایجاد کنند. از آنجا که نیاز به ارتباط، گفتگو، تعامل و تبادل اطلاعات، یکی از نیازهای اساسی نوع بشر است؛ گفتگو، مهم‌ترین مهارت در تحکیم بنیان و ایجاد فضای گرم در خانواده‌هاست و فرصتی برای افراد تا علایق، صمیمیت و کدورت‌های خود را ابراز و فاصله بین یکدیگر را کاهش دهند. اما سیستم‌های جدید ارتباطی (شبکه‌های مجازی) آسان‌تر، ارزان‌تر و در دسترس‌تر است و به همین دلیل، استفاده از این فناوری‌های نوین، برای کاربران جذاب‌تر است و کمبود ارتباط میان فردی در خانواده و جامعه، به راحتی از طریق این سیستم جبران می‌شود. گفتگوهای صمیمانه یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های افزایش صمیمیت بین



اعضای خانواده است، اما این کار نیازمند تقویت مهارت‌های گفتگو و توجه به کیفیت گفتگو دارد.

نهادهای آموزشی و پرورشی نیز با ارائه محتوای ارزشی و اخلاقی در قالب‌های نو و خلاقانه، می‌توانند تهدیدهای اینترنت را تبدیل به فرصت کرده و از پیامدهای مخرب اخلاقی فضای مجازی جلوگیری کنند.

## فهرست و منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۲. نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.
۳. آذربایجانی، مسعود و همکاران، *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: انتشارات سمت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۴. آنتونی آر بلاستر، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، مترجم: عباس مخبر، چاپ پنجم، تهران: مرکز، ۱۳۹۱.
۵. بوربور حسین بیگی، مریم، «بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش ها بین دو نسل»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: اعظم راودراد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۸۳.
۶. بیات، عبدالرسول و همکاران، *فرهنگ واژه ها*، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، مترجم: جلال الدین محدث، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۸. داودی، محمد، *تربیت اخلاقی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۹. سالاری فرح، محمد رضا و همکاران، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۰. فرجاد، محمدحسین، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: اساطیر، ۱۳۷۶.
۱۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *الوافی*، ج ۲۶، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶.
۱۲. کرم الهی، نعمت الله، «بررسی جامعه‌شناختی آثار استفاده از اینترنت بر دین داری جوانان»، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، ۱۳۸۸.
۱۳. کوپر آل، *اینترنت و کمین اخلاقی نیمه پنهان قدرت*، ترجمه: حمید مرتضوی و بتول جباریان، تهران: انتشارات دانژه، ۱۳۸۸.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.

## نشریات

۱۳. ابوالقاسمی، محمود و نوروزی، عباس علی، طالب زاده نوبریان، محسن، «تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده: از منظر هویت دینی و ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵۵، پاییز ۱۳۹۲، ص ۳-۲۴.
۱۴. احمدی فر، مهرداد و صادق زاده قمصری، علیرضا، «چالش ها و فرصت های پیش روی تربیت دینی در عصر جهانی شدن»، نشریه مهندسی فرهنگی، ش ۴۵ و ۴۶، مهر و آبان ۱۳۸۹، ص ۵۵-۶۱.
۱۵. جوادی، علی محمد و زنجانی زاده، اعزازی، هما، «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده در بین دانش آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۲-۸۳)»، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، ش ۲، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶-۱۲۱.
۱۶. خانجانی، زینب و اکبری، سعیده، «هیجان خواهی و وابستگی نوجوانان به اینترنت»، فصلنامه علوم تربیتی، دوره ۵، ش ۲، ۱۳۹۱، ص ۶۳-۷۵.
۱۷. خدایاری فرد، محمد، «مسائل نوجوانان و جوانان»، مجله انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۰.

۱۸. رحمتی، حسینعلی، «فیلتترینگ و اخلاق: نگاهی به ابعاد اخلاقی پالایش محتوا در فضای سایبر»، مجله حریم امام، سال سوم، ش ۱۰۵، ۱۳۹۲.
۱۹. رفعت‌جاه، مریم، «هویت انسانی زن در چالش مد و آرایش»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۸، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵-۱۷۹.
۲۰. سجادی، سید مهدی، «کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت (تبیین و ارزیابی)»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های نوین، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۸-۲۵.
۲۱. سجادیان، ایلناز، نادی، محمدعلی، «ارتباط بین افسردگی و انزوای اجتماعی کاربران اینترنت نوجوان و جوان با مدت زمان روزانه معمول کاربری اینترنت»، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۴، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۳۳-۳۸.
۲۲. شهشهبانی، سیاوش، «داستان ورود اینترنت به ایران»، ماهنامه دنیای کامپیوتر و ارتباطات، ش ۴۴، ۱۳۸۵.
۲۳. طارمی، محمد حسین، «فضای سایبر آسیب‌ها و مخاطرات»، فصلنامه ره‌آورد نور، ش ۲۲، ۱۳۸۷، ص ۳۲-۳۹.
۲۴. معمار، ثریا، عدلی‌پور، صمد، خاکسار، فائزه، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، ش ۴، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶-۱۵۵.
۲۵. نجفی علمی، محمود، «نقش فناوری اطلاعات در ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت»، فصلنامه ره‌آورد نور، سال دهم، ش ۳۷، ۱۳۹۰، ص ۲۸-۹.

#### سایت‌ها

۲۶. آزاد نام، الهام، «۱۰ علت گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی»، <https://www.isna.ir/news>، ۱۳۹۴.
۲۷. بی‌نام، «بلوغ زودرس: عوامل مؤثر، عوارض، راهکارها»، <http://www.dana.ir>، ۱۳۹۴.
۲۸. بی‌نام، «بلوغ زودرس: عوامل مؤثر، عوارض و راهکار مقابله»، <http://peyamemaranand.ir>، ۱۳۹۴.
۲۹. جوادی، محسن، «نهیلیسم ارزشی»، <http://fahimco.com>.
۳۰. زائری، محمدرضا، «نشست حیا در رسانه»، <http://mehrkhane.com>، ۱۳۹۱.
۳۱. سیدان، ابوالقاسم و سروش‌پور، سمیه، «بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی، اضطراب اجتماعی و میزان اعتیاد به اینترنت دانشجویان دانشگاه‌های تربت حیدریه»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در فناوری اطلاعات، کامپیوتر و مخابرات، ۱۳۹۴.
۳۲. صدیق میرزایی، حمید، <https://www.farsnews.com/news>، ۱۳۹۶.
۳۳. کلانتر، محمد، «احساس تنهایی در نوجوانان»، <http://drkalantar.com>، ۱۳۹۶.
۳۴. محمدی، رحیم، «تاریخچه اینترنت در دنیا و ایران»، [www.iran-newspaper.com](http://www.iran-newspaper.com)، ۱۳۹۱.
۳۵. مصباح، محمد تقی، <http://www.nashriyat.ir>، ۱۳۹۲.
۳۶. منتظر قائم، مهدی، «علل و عوامل شایع پراکنی در فضای مجازی»، <https://article.tebyan.net>، ۱۳۹۵.
۳۷. همتی، مجید، روابط مجازی، بی‌تا، <http://porseman.org>.
۳۸. یامین‌پور، وحید، «فردگرایی و خودنمایی در فضای مجازی»، سلسله نشست‌های کافه نقد اصفهان، ۱۳۹۴، <http://www.aparat.com>.



# بررسی سیره رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با همسران

رؤیا کاظمی<sup>۱</sup>

## چکیده

زندگی خانوادگی، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی زندگی بشری است و همسران به عنوان دو رکن اصلی خانواده، باید برای تعالی آن بکوشند. همسررداری مهارتی است که طی آن، زن و شوهر با شناخت کامل از یکدیگر، می‌توانند به تمام ابعاد نیازهای یکدیگر پاسخ دهند. امروزه یکی از مهم‌ترین منشا اختلافات همسران، نداشتن الگو برای تبعیت در شیوه همسررداری است. اهتمام اسلام به روابط همسران، سبب شده تا کامل‌ترین الگو در این زمینه را معرفی کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان سرچشمه کمالات بشری، بهترین الگوی رفتاری برای همسررداری تمام انسان‌هاست. به نظر می‌رسد اگر زندگی خانوادگی افراد بر اساس سیره نبوی، سامان یابد، عدالت، محبت، همکاری، گذشت، مدارا، مودت و... بر روابط همسران غالب خواهد شد. در این مقاله سعی شده با روش تاریخی-تحلیلی، به سیره رفتاری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با همسران، پرداخته شود.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده، مهریه، عدالت، سیره رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. دانش پژوه سطح سه رشته تعلیم و تربیت جامعه الزهراء علیها السلام، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی تهران Kazemi1396@yahoo.com

## مقدمه

خانواده به منزله اصلی ترین رکن نهاد اجتماعی بشر، نقش مهمی در تعالی و تکامل انسان دارد. خانواده بر پایه دو عضو اصلی زن و مرد پایه گذاری می شود که هرکدام باید در تداوم و تعادل این زندگی تلاش کنند تا شامل مصداق آیه «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». (روم: ۲۱) باشند و آرامش در زندگی شان برپا شود. رهبران دینی، به ویژه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که وظیفه هدایت بشریت را بر عهده دارند، بهترین الگوی انسان در تمام زمینه های زندگی، به ویژه در زمینه زندگی خانوادگی هستند. رفتار و منش هر فردی، بر اساس تعالیم اسلامی، می تواند یکی از اساسی ترین راه های رسیدن او به تکامل باشد که این معیار مهم، باید در همه ابعاد زندگی انسان ها (خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و...) اجرا شود، اما زندگی خانوادگی به عنوان مهم ترین واحد زندگی بشری، نقش مهمی در رسیدن به این مقصود مهم دارد. همسران برای رسیدن به تکامل، باید مهارت همسرداری را به گونه ای درست و زیبا یاد گرفته و عمل کنند.

همسرداری، مهارتی است که طبق آن، زن و شوهر با شناخت توانمندی ها، تفاوت ها و حساسیت های یکدیگر می توانند به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی و جنسی طرف مقابل پاسخ دهند؛ به طوری که هر دو، احساس رضایت خاطر نموده و به آرامش نسبی دست یابند. کارشناسان متعددی در زمینه مهارت های همسرداری اظهار نظر کرده اند، اما راه حل اصلی این مسئله را باید نزد کامل ترین الگوی انسانیت در عالم هستی جستجو کرد؛ زیرا قرآن کریم، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و روش و سیره ایشان را بهترین اسوه و راهنما معرفی می کند:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ «یقیناً برای شما در (روش و رفتار) پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

الگوی نیکویی است». (احزاب: ۲۱)

سیره به معنای روش، رفتار، سنت، طریقت و هیأت است و در این مقاله نیز، در واقع سیره شناسی خانوادگی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بازشناسی ارزش هایی است که در کردار و رفتار بهترین مخلوق و محبوب خدا در ارتباط با همسرانشان، تجسم عینی یافته و قابلیت الگوگیری برای همگان را دارد. مقاله حاضر در صدد تبیین رفتار پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با همسرانشان است تا بتواند تصویری مختصر از نمونه بارز زندگی خداپسندانه ارائه دهد؛ زیرا سیره نبوی، یکی از منابع چهارگانه شناخت اسلام است. بنابراین سعی شده از یک سو با استفاده از منابع تاریخی تحلیلی و

از سویی دیگر، با سیر در روایات، به تبیین موازین و شاخصه‌های اساسی برخورد رسول اکرم ﷺ در ارتباط با همسرانشان پرداخته شود.

در واقع سعی این مقاله بر آن است تا پاسخی به این پرسش‌ها بدهد که سیره و نوع برخورد پیامبر ﷺ با همسرانشان، در زندگی خانوادگی چگونه بوده است؟ ایشان محبت و مودت خویش را از چه راه‌هایی به آنان ابراز می‌نمودند؟ در برابر ناملایمات و ناسازگاری‌های زنان خویش چه برخوردی اتخاذ می‌کردند؟

### ۱. اهمیت تشکیل خانواده و همسراری، از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ

تشکیل خانواده در سنت پیامبر اکرم ﷺ اعتبار و ارزشی ویژه دارد؛ دیدگاه آن حضرت از خانواده و اینکه این بنیاد چگونه بنیادی است و با آن چگونه باید رفتار کرد، موجب شگفتی است. تعابیر رسول خدا ﷺ در اهمیت تشکیل خانواده و جایگاه آن، والاترین تعابیر است؛ به گونه‌ای که هیچ چیز با آن قابل قیاس نیست. از آن حضرت روایت شده است که فرمودند:

«مَا بُئِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَأَعَزَّ مِنَ التَّرْوِيجِ؛ هیچ بنایی در اسلام پایه‌گذاری نشده است که در پیشگاه خدای عزوجل محبوب‌تر و ارجمندتر از تشکیل خانواده باشد». (دلشاد  
تهرانی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۷-۲۱)

زمانی که شخصی چون پیامبر گرامی اسلام ﷺ جایگاه خانواده را چنین معرفی کرده است، به درستی مشخص می‌شود که هیچ بنیانی در هستی - از نظر ارزشی - با آن برابری نمی‌کند؛ زیرا رسول اکرم ﷺ «سید الفصحاء والعقلاء» هستند و اغراق در کلام ایشان راه ندارد.

از آنجا که خانواده، نهادی فطری است؛ آدمی به سبب فطرت خود و کمال خواهی، تشکیل خانواده می‌دهد و هرچه فطرتش بیدارتر و نورانی‌تر باشد، خانواده دوستی‌اش بیشتر خواهد شد. رسول گرامی اسلام ﷺ بر این امر مهم تأکید می‌نمودند؛ ایشان فرموده‌اند:

«كَلِمَا إِذَا زَادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا أَزَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ؛ هرچه ایمان بنده افزوده شود، دوستی‌اش به زن [و خانواده] بیشتر می‌شود». (دلشاد، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۲)

رسول اکرم ﷺ همان‌گونه که بر دوستی خانواده و اهمیت تشکیل آن مبادرت می‌ورزیدند، با مخالفان آن نیز برخورد می‌کردند؛ از امام علی عليه السلام نقل شده که فرمودند:

عده‌ای از یاران رسول خدا ﷺ همبستر شدن با زن، غذا خوردن در روز و خواب شب را بر خود حرام کرده بودند.

ام سلمه جریان را برای پیامبر ﷺ نقل نمود؛ پیامبر ﷺ سراغ آنان رفته و فرمود: آیا نسبت به زنان بی میل هستید؟ همانا من پیامبر با زنان همبستر می‌شوم، روز هنگام غذا می‌خورم و به گاه شب می‌خوابم؛ پس هر کس از سنت من روگردان شود، از من نیست. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵-۱۹۹)

## ۲. همسران پیامبر ﷺ

عده‌ی زنانی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ به عقد خویش درآوردند، پانزده زن (طبری، ترجمه پاینده، ج ۴، ص ۱۲۸۸) و طبق نقل دیگری، سیزده زن (ابن هشام، ترجمه رسولی، ۱۳۷۷، ج ۲ و ۱، ص ۴۲۱) بودند که با یازده نفر از آنان عروسی کردند و هنگام رحلتشان، نه تن از زنان ایشان با حضرت بودند. اسامی این زنان بدین شرح است:

ام حبیبه، ام سلمه، عایشه، حفصه، سوده، زینب دختر جحش، میمون، جویریّه و صفیه. نخستین همسر رسول خدا ﷺ حضرت خدیجه رضی الله عنها دختر خویلد است که به گفته‌ی برخی، برادرشان عمرو بن خویلد ایشان را به عقد پیامبر ﷺ درآورد و آن حضرت مهریه‌اش را بیست شتر قرار داد؛ به جز ابراهیم، تمام فرزندان رسول خدا ﷺ از آن بانوی محترم بود. (احمد بن یحیی بن جابر، ترجمه البلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳)

تا حضرت خدیجه رضی الله عنها زنده بود، رسول خدا ﷺ زن دیگری اختیار نکردند. عایشه، دختر ابوبکر، هفت سال داشت که در مکه به عقد رسول خدا ﷺ درآمد. چون نه‌ساله یا ده‌ساله شد، پیامبر اکرم ﷺ با او زفاف نمودند و او تنها زنی بود که هنگام ازدواج با رسول گرامی ﷺ باکره بود. عایشه را پدرش ابوبکر به عقد پیغمبر ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهر او قرار دادند. سوده دختر زمعه بن قیس را سلیط بن عمرو یا ابو حاطب بن عمرو به ازدواج رسول خدا ﷺ درآورد و پیغمبر ﷺ چهارصد درهم مهر او قرار دادند. (ابن هشام، ۱۳۷۷، ص ۴۲۲)

ام سلمه دختر ابی امیه بن مغیره مخزومی را پسرش سلمه بن ابی سلمه به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت تشکی که لایه‌اش خرما بود، با قدح و کاسه و دستمالی، مهریه‌اش کرد. زینب



دختر جحش را هم برادرش ابواحمد بن جحش به تزویج پیامبر گرامی ﷺ درآورد و آن حضرت مهر او را نیز چهارصد درهم قرار دادند. حفصه دختر عمر بن خطاب، که پیش از آنکه به عقد پیامبر اسلام ﷺ درآید، همسر خبس بن خزافه سهمی بود. عمر بن خطاب او را به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهریه او کردند. ام حبیبه، دختر ابی سفیان که نامش رمله بود؛ خالد بن سعید بن عاص، در حبشه به نیابت از طرف رسول خدا ﷺ چهارصد درهم مهرش کرد. (واقعی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۵۱)

جویریة دختر حارث بن ابی ضرار، از زنانی بود که در جنگ بین المصطلق اسیر شد و در سهم ثابت بن قیس انصاری قرار گرفت. وی برای آزادی خود، با ثابت قراردادی نوشت که با پرداخت مبلغی آزاد شود؛ از این رو به نزد رسول خدا ﷺ آمد و برای پرداخت آن مبلغ از حضرت کمک خواست. رسول خدا ﷺ مبلغ را پرداختند و پس از آن، به جویریة پیشنهاد ازدواج دادند و او پذیرفت و بدین ترتیب با وی ازدواج فرمودند و صداق او را چهارصد درهم تعیین کردند. صفیه دختر حی بن اخطب نیز از اسیران خیبر بود، رسول خدا ﷺ او را به خود اختصاص دادند و برای ازدواج با او ولیمه‌ای دادند که گوشت و روغن در آن ولیمه نبود و آن را از آرد و خرما تهیه کرده بودند. میمونه دختر حارث بن حزن که عباس بن عبدالمطلب او را به همسری پیامبر اکرم ﷺ درآورد و چهارصد درهم نیز مهریه‌اش کرد. زینب دختر خذیمه، زنی بود که به واسطه عطوفت و مهربانی با مساکین و فقرا، او را ام‌المساکین نامیده بودند. قبیصة بن عمرو هلالی او را به عقد رسول خدا ﷺ درآورد و آن حضرت چهارصد درهم مهر او کردند. (احمد بن یحیی بن جابر، ترجمه البلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳)

همان طور که در معرفی همسران پیامبر ﷺ ذکر شد، شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که مهریه اکثر همسران پیامبر ﷺ یکسان بوده است. در ادامه، به ابعادی از سیره رفتاری پیامبر ﷺ پرداخته خواهد شد که مهریه همسران، یکی از موارد بررسی شده در سیره رفتاری کامل‌ترین انسان عالم هستی است.

### ۳. رفتار پیامبر ﷺ با همسران

درباره خصوصیات روحی، سجایای اخلاقی و جزئیات رفتار و گفتار یک فرد، هیچ‌کس نمی‌تواند

همانند همسر و شریک زندگانی اش داوری کند؛ زیرا در فراز و نشیب‌های زندگی، با وی همراز و همراه بوده است. یکی از همسران رسول خدا ﷺ که اغلب در محضر پیامبر ﷺ و مصاحب ایشان بوده است، در جمله‌ای کوتاه و فشرده، تصویر رسایی از زندگی خانوادگی آن بزرگوار ترسیم کرده است که گویای حقایق بسیاری است؛ عایشه گوید: «رفتار خانوادگی او نسخه‌ی کاملی از تعالیم قرآن بود». (بعلبکی، ۱۹۷۶، جزء سوم، ص ۲۵)

هرچند قلم، قاصر از بیان رفتار و سجایای چنین شخصیت بزرگوار است، اما در حدّ توان، به نمونه‌هایی از رفتار ایشان با همسرانشان پرداخته می‌شود.

### ۱-۳. مساوات و عدل بین همسران

پیامبر اکرم ﷺ همواره عدالت و مساوات را در تمام جنبه‌های زندگی میان همسران، رعایت می‌فرمودند، که این محور اصلی و مهم، در چند مورد بررسی می‌شود.

#### ۱-۱-۳. مهریه و نفقه

رسول گرامی ﷺ برای هر یک از همسران خویش مهریه‌ی مساوی قرار دادند و مهریه‌ی هیچ‌کدام را بیش از دوازده و نیم رقیه که معادل چهارصد و هشتاد درهم است تعیین نفرمودند. (واقعی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۸، ج ۸، ص ۱۶۶-۱۶۷ و علامه طباطبایی، ترجمه عزیزی ۱۳۸۳، ص ۲۰۱-۲۰۲) و ملاحظاتی از قبیل قریشی، غیر قریشی، جوان و غیر جوان... در مهریه دخالت نداشت. این تساوی به طور یقین اثر مثبت خود را در ذهن زنان می‌گذارد تا خود را از نظر شخصیت و سایر امور، همانند یکدیگر ببینند. اگر یکی از آنها ویژگی یا وضعیت خاصی داشت، پیامبر ﷺ به نحو دیگری جبران می‌کردند و با زبان یا عمل، به گونه‌ای رفتار می‌نمود که تساوی و برابری، برتری شخصی را از بین نبرد.

البته برای صفیه و جویریّه چنین مهریه‌ای ذکر نشده (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲)، شاید به این جهت که صفیه اسیری بود که به اسارت درآمد و حضرت او را برای خود انتخاب کرد و به این افراد مهریه‌ای تعلق نمی‌گرفت. در واقع آزادی او مهریه‌اش بوده است. جویریّه هم اسیری بود که سهم ثابت بن قیس انصاری شد و با او قرارداد نوشت که در مقابل پرداخت پول به عنوان «مال‌الکتابه»

آزاد شود، که رسول گرامی ﷺ هزینه آزادی او را پرداختند.  
از نظر نفقه و هزینه زندگی نیز رسول اکرم ﷺ رعایت برابری و تساوی را می‌کردند؛ مثلاً پس از فتح خیبر، به هر کدام از همسران صد «وسق» پرداختند. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲)

### ۲-۳. تقسیم وقت میان همسران

یکی دیگر از خصایص ویژه پیامبر ﷺ، تقسیم وقت میان همسران است. ایشان روزهای خود را میان همسرانشان تقسیم می‌فرمودند.

نقل شده است که تمام حجره‌های همسران، بر کرانه چپ قبله مسجد تا جایگاه منبر قرار داشته است که این حجره‌ها از شاخه‌های خرما بود و بر درهای آن، پرده‌های سیاه مویین آویخته شده بود. (واقدی، ترجمه مهدوی دامغانی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۱۶۹)

پیامبر ﷺ پس از نماز صبح، به حجره هریک از همسرانش سر می‌زدند و از آنان احوال‌پرسی می‌کردند. ایشان هر شب در اتاق یکی از آنان به سر می‌بردند و تساوی را کاملاً رعایت می‌کردند؛ حتی در دوران بیماری - که منجر به وفاتشان شد - نیز چنین عمل می‌کردند، تا اینکه بیماری بر ایشان سخت شد. حضرت فاطمه ؑ پیش همسران آن حضرت رفتند و فرمودند: «برای رسول خدا ﷺ، گردش میان شما و از این خانه به آن خانه آمدن دشوار است». آنها در جواب گفتند: «در کمال آزادی باشد». بنابراین، آن حضرت در خانه عایشه بستری شدند. (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۳) شاید ماندن در خانه عایشه به این جهت بود که او جوان‌تر بود و می‌توانست از عهده کارهای منزل و مداوای حضرت برآید.

آن بزرگوار، حتی در سفرها و جنگ‌ها هم رعایت تساوی را می‌نمودند و پیوسته قرعه می‌کشیدند و طبق آن، یکی از همسران را همراه خود می‌بردند. شایان ذکر است که چون زمان و مدت غزوه‌ها معلوم نبود، راهی بهتر از قرعه کشیدن برای رعایت عدالت و برابری وجود نداشت. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵)

این همه اصرار بر تساوی و برابری بین همسران و حتی اجازه خواستن از آنان در برخی موارد، از سوی کسی است که خداوند به او اجازه داده است که نوبت هرکدام از همسران را که خواست به تأخیر بیندازد؛ چنان‌که در آیه ۵۱ سوره احزاب به آن اشاره شده است.

اما با این حال، زبان به دعا می‌گشودند و می‌فرمودند:

پروردگارا! این تقسیم من در موردی است که خود توان آن را دارم و در اختیار من است؛ درباره چیزی که در اختیار توست و مرا در آن توانی نیست نکوهشم مکن.

(علامه طباطبایی، ص ۲۰۱-۲۰۲ و واقدی، ص ۱۷۴)

## ۳-۲. ایجاد فضای عاطفی

برقراری روابط عاطفی صحیح با همسران و ایجاد فضای عاطفی و محبت‌آمیز در خانواده، از دیگر ویژگی‌های اخلاق والای پیامبر ﷺ است که به ابعادی از آن پرداخته می‌شود.

### ۳-۲-۱ عطوفت و مهربانی

جلالت و عظمت مقام شامخ رسالت، هرگز مانع آن نبود که پیامبر ﷺ از همسران خویش فاصله گرفته باشند یا میان خود و همسران حدود و شرایطی قائل شوند، بلکه مهر و عطوفت و احترام به مصالح خانوادگی ایشان به حدی بود که گاهی برخی از همسران را به سوء استفاده از رفتار انسانی و ملکوتی آن حضرت وا می‌داشت، اما ایشان با کمال بزرگواری با آنان برخورد می‌کردند و می‌فرمودند:

مؤمن‌ترین مردم، کسانی‌اند که با خانواده خود خوش‌خلق‌تر باشند و بیشتر از همه به آنان لطف و محبت کنند و من بیشتر از شما به خانواده‌ام لطف و مهربانی می‌کنم. (بعلبکی، ۱۹۷۶، ص ۲۷۴)

### ۳-۲-۲. رعایت روحیه همسران

از دیگر ویژگی‌های پیامبر ﷺ که محبت همسران را به همراه داشت، رعایت روحیات آنان و ابراز علاقه به تمامی آنان، مناسب با شأن هر یک بود؛ به طوری که هیچ‌کدام احساس نمی‌کرد دیگری نزد پیامبر ﷺ محبوب‌تر از او است. مثلاً وقتی می‌دیدند عایشه زن جوانی است که دوست دارد محبوب شوهر خود باشد، با الفاظی نظیر «کلمینی یا حمیرا» محبت او را به خود جلب می‌کردند؛ یا وقتی با ام سلمه - که دارای فرزندان بود و بچه‌هایش را نیز بسیار دوست می‌داشت

مواجه می‌شدند، احوال فرزندانش را می‌پرسیدند و بر آنان اسم جدیدی می‌گذاشتند تا نشانهٔ اعتنا به آنان باشد. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹)

ایشان با خطاب زیبا، دل همسران خود را به دست می‌آوردند و همان‌گونه که اشاره شد، هر کدام را متناسب با روحیهٔ خودشان نامگذاری می‌کردند. رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرمودند: سه چیز دوستی و محبت را بین دو مسلمان تقویت می‌کند و صفا و صمیمیت را در میان آنان حاکم می‌سازد:

هنگام ملاقات با خوش‌رویی و چهره‌ای گشاده برخورد کند، برای نشستن مسلمان دیگر جا باز کند و با بهترین نامی که دوست دارد او را صدا کند. (کلینی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۰۸)

### ۳-۲-۳. داشتن روحیهٔ تعذیر

یکی از زیباترین خصایص پیامبر ﷺ در رفتار با همسران، داشتن زبان اعتذار بود؛ ایشان در مواردی، از کارهای خویش عذرخواهی می‌کردند. صرف‌نظر از اینکه پیامبر ﷺ معصوم هستند و گناهی انجام نمی‌دهند و گذشته از اینکه ایشان از فکری سرشار و قدرت تصمیم‌گیری بالا برخوردارند و آنچه انجام می‌دهند، نه تنها صلاح امت اسلامی، بلکه صلاح جامعهٔ بشری است، با این حال از کارهای خود که ضرری متوجه شخصی خاص می‌کرد، عذرخواهی می‌نمودند.

برای مثال؛ در جنگ خیبر، پدر، عمو، شوهر و برخی خویشان دیگر صفيه کشته شدند. هرچند مقصر اصلی خود آنان بودند، ولی پیامبر ﷺ در مورد کشته شدن آنان، از صفيه عذرخواهی کردند و فرمودند: «از تو عذر می‌خواهم که خویشانت کشته شد، ولی آنان بودند که علیه من توطئه کردند». (عابدینی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷)

همچنین ایشان در زندگیشان - به ویژه در زندگی خانوادگی - عذرپذیر بودند و در صدد تحقیق بر نمی‌آمدند که عذر طرف مقابل واقعی است یا ظاهری. سوده می‌گوید:

بعد از جنگ بدر، وقتی به اتاقم برگشتم، سهیل بن عمرو را دیدم که در گوشه‌ای از حجره‌ام دست‌هایش را با طناب به گردنش بسته است؛ گفتم با دست خودتان ذلت را پذیرفتید، چرا با بزرگواری مرگ را پذیرا نشدید؟ ناگهان کلام رسول خدا ﷺ مرا متنبه ساخت که فرمودند: ای سوده! آیا بر (برای) خدا و رسول او تحریک و ترغیب می‌کنی؟ گفتم: ای رسول خدا! سوگند به آنکه

تو را به حق مبعوث کرد، هنگامی که سهیل بن عمرو را به این حالت دیدم، اختیار از کفم بیرون رفت و گفتم آنچه را که گفتم. (ابن هشام، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۴۵)

سوده از عدم شرکت سهیل در جنگ بدر ناراحت بود و او را سرزنش می کرد. پیامبر ﷺ سخنان سوده را شنیدند و از این کار وی جلوگیری کردند، اما برای همسرشان سخت گیری نکرده و عذرش را پذیرفتند. رسول گرامی ﷺ به مجرد عذر آوردن سوده راضی شدند و قضیه را پی نگرفتند که آیا واقعاً بی اختیار سخن گفت، یا قصد تحریک داشت؟

#### ۳-۲-۴. هدیه دادن به همسر

اسلام از هر فرصتی استفاده کرده و به پیروانش دستور داده که در هر روز عید، شیرینی و هدایایی بخرند و به خانه آورند تا بدین وسیله، همسر و فرزندانشان را خوشحال کنند و دلشان را آکنده از مهر و محبت سازند؛ چراکه این شیوه رهبران دینی، به ویژه پیامبر اسلام ﷺ است.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

رسول اکرم ﷺ هرگاه در روز عید عطری به دست می آوردند، ابتدا آن را به همسران خود می دادند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۲۵۲)

ایشان در حدیثی می فرمایند:

کسی که از بازار هدیه ای برای همسر خود تهیه کند، مانند کسی است که نیاز نیازمندان را تأمین می کند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۵۷)

#### ۳-۲-۵. مدارا کردن با همسر

مدارا، خویشتن داری، کرامت و بزرگواری، همواره سیره و روش رسول خدا ﷺ در برخورد با همسرانشان بوده است. اگر پیامبر گرامی ﷺ از یکی از همسران خویش ناسازگاری می دیدند، سریع خشم نمی گرفتند، بلکه از راه های مختلف می کوشیدند او را متوجه اشتباه خود کنند.

گاهی خطاهای همسران، تجاوز به حقوق پیامبر ﷺ بود که در این صورت بدون یادآوری به آنان، از کنار این قضیه می گذشتند و آنان متوجه اشتباه خود شده و سرافکنده می شدند و گاه خطاها و اشتباهاتشان در امور مربوط به دیگران بود، که رسول خدا ﷺ با گفتار و کرداری

مناسب، آنان را متوجه می‌کردند و اگر اشتباهشان ناشی از جهالت بود، با بیانی خوش، این نقیصه را برطرف می‌نمودند؛ به عنوان نمونه، زمانی که عایشه به ایشان گفت: «دهانت بوی مغفیر<sup>۱</sup> می‌دهد، آیا مغفیر خورده‌ای؟»، حضرت هیچ تحقیقی نکردند که آیا وی راست می‌گوید، یا نقشه‌ای کشیده؟ بلکه با سخت‌گیری بر خود و محروم ساختن خود از خوردن عسل، مشکل را حل کردند و سوگند یاد کردند که دیگر از آن ننوشند. (عابدینی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴)؛ درحالی‌که پیامبر خدا ﷺ مغفیر نخورده بودند، بلکه عسلی که همسر دیگر ایشان به نام زینب بنت جحش برایشان درست کرده بود، نوشیده بودند. اما بدون تحقیق از نیت همسرشان، با روی خوش، مدارا پیشه کرده و حتی خوردن چیز حلالی را بر خود ممنوع کردند.

### ۳-۳. کمک به همسر

پیامبر اسلام ﷺ پس از فراغت از کارهای بیرونی و اجتماعی، در کارهای خانه به همسرانشان کمک می‌کردند. حضرت لباس‌های خود را واری و کفش‌های خود را اصلاح می‌کردند. گوسفندان را می‌دوشیدند و برای رفع نیازمندی‌های همسران تلاش می‌کردند. (نوری طبرسی، ۱۴۱۵، ص ۲۵۷) گاهی نیز خانه‌ی خویش را جارو می‌فرمودند؛ شتر را به جای خود روانه می‌ساختند و در سایر کارهای داخلی کمک می‌کردند. (عقاد، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۲)

جالب توجه است که رسول خدا ﷺ با وجود مسئولیت‌های فراوانی که داشتند، از کمک به کارهای منزل دریغ نمی‌کردند و سعی می‌کردند باری از دوش همسران خویش بردارند. همواره سعی می‌کردند کارهای شخصیشان را خود انجام دهند و تا حد امکان در انجام کارهای خانه، از همسرانشان دستگیری کنند. عظمت شامخ رسالت و نبوت، هرگز سبب نشده بود که ایشان از کمک به همسران خودداری ورزند یا به انجام کارهای شخصی خویش توجه نکنند، بلکه انجام چنین کارهایی را احسان در راه خدا تلقی می‌کردند و مکرر می‌فرمودند:

کمک به همسر در کارهای منزل، صدقه و احسان در راه خداست. (عقاد، ۱۴۱۴، ص ۱۹۲)

۱. عطر درختانی از حجاز، به نام عرطف بود و بوی نامناسبی داشت.

## نتیجه‌گیری

با بررسی منابع و گزارشات تاریخی در موضوع شیوه همسرداری رسول خدا ﷺ، چنین برمی‌آید که تشکیل خانواده در سنت پیامبر اکرم ﷺ اعتبار و ارزشی ویژه دارد و تلقی آن حضرت از خانواده و اینکه این بنیاد چگونه بنیادی است و با آن چگونه باید رفتار کرد، موجب شگفتی است.

به تحقیق روشن شد که رفتار آن حضرت با همسرانش، همواره بر انصاف و مدارا استوار بوده و در تمام زندگی خود، خشونت خانوادگی را در تمام جلوه‌ها و مراتبش نفی می‌کردند. نه تنها پیامبر اکرم ﷺ در تمام احوال و شرایط، در نهایت رحمت و مودت و مدارا و ملایمت، با همسران خود می‌زیستند، بلکه در برابر تندی برخی از آنان، صبر و حلم می‌ورزیدند و هرگز در قبال خواسته‌های ناصواب برخی از ایشان و رفتار درشت برخی دیگر، تندی نمی‌نمودند و رحمت و محبت و مودتشان نسبت به همسران‌شان به طور مداوم ثابت بود.

چه خوب است که انسان در زندگی خویش، چنین شخصیت والا و بزرگواری را سرلوحه و سرمشق رفتار و منش خود قرار دهد.



## فهرست منابع

### \*قرآن کریم

۱. ابن هشام، *سیره نبویه ابن هشام*، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۷.
۲. الامام احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، ترجمه البلاذری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۳. اسماعیلی، ذبیح الله، *تربیت نبوی*، قم: سبط اکبر، ۱۳۸۵.
۴. بعلبکی، منیر، *حیة محمد*، تصحیح محمدعلی مولانا، بیروت: انتشارات دارالعلم، ۱۹۷۶م.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیره نبوی*، منطق عملی، تهران: دریا، ۱۳۸۶.
۶. طباطبایی، محمدحسین، *سنن النبی*، ترجمه عباس عزیزی، قم: صلاه، ۱۳۸۳.
۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۵۲.
۸. عابدینی، احمد، *شیوه همسرمداری پیامبر ﷺ به گزارش قرآن و سنت*، تهران: هستی نما، ۱۳۸۱.
۹. عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعة*، ترجمه شیخ علی صحت، تهران: ناس، ۱۳۶۱.
۱۰. عقاد، عباس محمود، *العقربیات الاسلامیة*، بیروت: دارالکتب لبنانی، ۱۴۱۴ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۰.
۱۲. نوری طبرسی، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
۱۳. واقدی، محمد بن سعد کاتب، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.



# الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در ارتباط با همسررداری

ثریا شاعیدی<sup>۱</sup>

## چکیده

لزوم شناخت الگوی کامل در تعاملات رفتاری همسران، موجب استحکام و بالندگی مهم‌ترین نهاد جامعه، یعنی خانواده می‌شود. در این گستره، حضرت ام‌المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام به عنوان یکی از بهترین الگوها معرفی می‌شود. سیره ایشان در رابطه با همسر، معرف معیار ارزشی در این موضوع است. در این خصوص، از منابع تاریخی - روایی به شیوه کتابخانه‌ای بهره برده شده و از روش توصیفی - تحلیلی، در ارائه مطالب، کمک گرفته شده است. در سیره رفتاری آن حضرت، یافته‌هایی چون درایت، نواندیشی و معنویت‌جویی، از مهم‌ترین اصول ارزشی در انتخاب شریک و همراه زندگی است. نیکو شوهررداری کردن در هنگام بروز سختی‌ها و برقراری روابط کلامی مورد علاقه با همسر، فرزندپروری، اطاعت‌پذیری و نگرش ارزش‌مدارانه نسبت به همسر، نمونه‌هایی از جلوه‌های بارز همسررداری خدیجه کبری علیها السلام است.

واژه‌های کلیدی: خدیجه کبری علیها السلام، الگو، رفتار، ارتباط، همسررداری

## مقدمه

یکی از ابعاد مهم و اثرگذار در سبک زندگی اسلامی - که سهم والایی در نشاط و استحکام خانواده و در نتیجه، اجتماع بشری دارد - شیوه شوهرداری بانوان است؛ همان طور که پیامبر ﷺ فرمودند: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۳۷۰)، لذا یکی از برنامه های تربیتی اسلام، آموزش سبک شوهرداری به بانوان است. امروزه بسیاری از اختلافات، ناهنجاری ها و مشاجراتی که طعم زندگی را به کام زن و شوهر و فرزندان نشان تلخ می کند، نداشتن الگوی کامل برای اداره صحیح خانواده است.

اگر جامعه ای بخواهد زندگی مشترکی را با شالوده های متین و نامتزلزل بنا نماید، باید الگوی برتر رفتار زن با شوهر در خانواده را بشناسد و سپس آن را سرمشق خویش قرار دهد و در جهت همانند شدن با آن الگو، بکوشد.

خدیجه رضی الله عنها در طول ۲۵ سال زندگی مشترک، به عنوان اولین زن تشکیل دهنده خانواده مسلمان، کوشید تا با رعایت حقوق و آداب همسرداری، نهایت تلاش خویش را برای کسب خشنودی همسر و سازگاری با وی، به عمل آورد.

این نوشته، نگاهی است نو و زنده به سیره درخشان و الهام بخش خدیجه رضی الله عنها همسر و همراه آرمان های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در فضایی آکنده از تعصب کور جاهلی و پیروی از رهبران تاریک فکر و ستم پیشه، که سمبل معنویت و اخلاق می شود و مردم روزگارش او را پاک منش و پاک روش نام می نهند.

بدون تردید، مهم ترین فراز زندگانی حضرت خدیجه رضی الله عنها، پیوند ایشان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود. ازدواج آن بانوی عاقله و کامله با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حمایت ها و پشتیبانی های بی دریغ ایشان از آن حضرت، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که حضرت خدیجه رضی الله عنها را در شمار برترین زنان تاریخ ساز قرار می دهد. در روایتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را «صدیقه امت اسلامی» نامیدند: «هذه صدیقه امتی». (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۲)؛ به همین دلیل نوشتار حاضر، با هدف درس آموختن و الگوگرفتن از سبک شوهرداری پُر جاذبه حضرت خدیجه رضی الله عنها برای دختران و زنان کمال طلب و روشن فکر تدوین شده است و چگونگی رفتار و زندگی مشترک خدیجه رضی الله عنها با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به عنوان رهبر امت اسلامی، سؤال اصلی پژوهش حاضر است. در راستای موضوع مقاله، محققان

پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌اند، از آثار مستقل دربارهٔ خدیجه کبری علیها السلام می‌توان به کتاب فروغ آسمان حجاز، نوشتهٔ علی کرمی فریدنی (۱۳۸۲) اشاره نمود که در یکی از بخش‌های کتاب خود، به سه دهه زندگی و دغدغه‌های مشترک آن حضرت پرداخته است. استاد حسین تهرانی (۱۳۹۲) نیز در کتاب خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری علیها السلام، با ذکر ویژگی‌های وی، همانند حسن رفتار با همسر، راستی و درستی، مقاومت و صبوری، به بررسی شخصیت آن بانوی بافضیلت پرداخته است. افزون بر کتاب‌های یاد شده، به مقالهٔ ویژگی‌های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، تألیف مؤسسهٔ سبطین نیز می‌توان اشاره کرد. با این حال هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، نگاه مستقلی به الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام در همسررداری ندارند، اما تحقیق حاضر، با ذکر نمونه‌هایی از آیین همسررداری آن بانوی بافضیلت، در پی ارائهٔ الگوی صحیح همسری، برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

## جلوه‌های سبک همسررداری حضرت خدیجه علیها السلام

### ۱. داشتن معیارهای الهی در ازدواج

گزینش صحیح همسر مبتنی بر آموزه‌های دینی، به تشکیل خانواده‌ای پایدار می‌انجامد. در پیوند دو انسان، اهداف و انگیزه‌ها برای زندگی مشترک، متفاوت است. داشتن انگیزه‌ای الهی و معنوی، و نه احساسی و مادی، از نکاتی است که در متون دینی بر آن تأکید شده است؛ چراکه این امر، تأثیر انکارناپذیری بر موفقیت و تداوم پیوند زوجین دارد. هدف برخی، مادی و رسیدن به جاذبه‌های ظاهری است و در اندیشهٔ پاسخ‌گویی به نیاز جسم هستند، اما برخی دیگر در اندیشهٔ جاذبه‌های معنوی و یافتن مونس‌ی امین برای پیمایش راه کمال و سعادت هستند.

ازدواج از دیدگاه اندیشمندان معنوی‌گرا، پاسخی است به نیازهای روحی و روانی و عاطفی انسان؛ قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». (روم: ۲۱)

از بالاترین فضائل حضرت خدیجه علیها السلام می‌توان به اندیشه بلند و بصیرت عمیق ایشان اشاره کرد که در مراسم خواستگاری اش، خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ملاک و معیار اصولی خود را این چنین معرفی می‌کند:

«يَا بِنَ عَمَّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقِرَائَتِكَ مِنِّي وَشَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَأَمَاتَتِكَ عِنْدَهُمْ وَحُسْنِ خُلُقِكَ وَصِدْقِ حَدِيثِكَ؛ ای پسرعمو! من به خاطر خویشاوندی‌ات با من و شرف و امانتداری‌ات در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگویی‌ات، به تو تمایل پیدا کردم». (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۰۱؛ طبری، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۲۱ و اربلی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۰۹)

به گواهی تاریخ، انگیزه‌های خردگرایانه و نوگرایانه خدیجه علیها السلام برای انتخاب شریک و همتای زندگی، ایمان و آگاهی ژرف به تقوا و پاکدامنی و نجابت محمد امین صلی الله علیه و آله و آینده درخشان او بود و هرگز این اصول و ارزش‌ها، در زندگی پُر از فراز و نشیب او و توفان تاریک اندیشی روزگار، تابع احساسات و دستخوش آفت‌ها نشد.

گزینش شگفت و سرنوشت‌ساز بانوی بادرایت قریش، ناشی از بینش و منش پاک و استوار بود؛ به حدی که در پاسخ به گروهی از زنان قریش فرمود:

«ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما و خودتان در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید. من از خود شما می‌پرسم، آیا در میان شما، فردی مانند محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد؟ آیا در شام و مکه و اطراف آن، شخصیتی بسان ایشان در فضائل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۸۱)

امام صادق علیه السلام در مورد انگیزه آن بانوی بافضیلت و معنویت، در پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خدیجه همان بانویی است که به خاطر کمال جویی و آینده‌نگری، خود را به همسری پیامبری آزاد درآورد؛ چراکه پرتوی از نویدها و بشارت‌های کتاب‌های آسمانی پیشین را از زبان دانایان و پارسایان روزگار خویش، در وصف محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود». (حمیری، ۱۴۰۵، ص ۳۲۵)

ملاک و معیار خدیجه علیها السلام در انتخاب محمد صلی الله علیه و آله به همسری و ادامه زندگی با او، مخالف معیارهای نظام اشرافی مکه - و حتی زندگی خانواده‌های معمولی - بود و زندگی خدیجه علیها السلام در

گذر از رفاه به فقر، فقط قابل تحلیل با عشق خالص خدیجه عَلَيْهَا به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود و آن هم نه عشق وصال، بلکه عشقی تشنگی افزا و معرفت افزون. (زرگری نژاد، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹)

یک معیار ارزشی و خدایسندانه، راز موفقیت و کامیابی در بنا نهادن نهاد متعالی خانواده است که مسیر زندگی را از ریشه و بنیان دگرگون می کند و زوجین را به اوج تعالی می رساند.

### روابط عاطفی متقابل

در نگرش اسلامی، یکی از شاخص های مثبت همسری، ارتباط عاطفی است. زن و مرد به گونه ای آفریده شده اند که به صورت زیستی و طبیعی، دارای گرایش و میل به روابط احساسی و عاطفی با یکدیگر هستند؛ از آن رو که این روابط در ارتقای سلامت روحی و پرورش استعداد های تربیتی آنان بسیار مؤثر و در کاهش اضطراب ها و آشفتگی ها نقش اساسی دارد. خداوند حکیم در ضمن آیاتی (اعراف: ۱۸۹ و روم: ۲۱) از قرآن کریم، یکی از اهداف تشکیل خانواده را پیوند مؤدّت و رحمت بیان نموده است. در روایات ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام، زنی ستوده شده است که یار و یاور شوهرش باشد و روزگار را علیه او نشوراند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۹) و در تنگنا های روحی، همدم و مونس او باشد. چنین زنی از کارگزاران الهی شمرده شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱)

مؤدّت و رحمت میان زن و شوهر، مقوله ای دوطرفه است؛ بدین معنا که هریک از زن و مرد، در ژرفای وجود خویش، به مهربانی از جانب دیگری نیاز دارند و این نیاز تنها با تشکیل خانواده و آمیزش آن دو برآورده می شود. پس در تشکیل خانواده، تنها رفع نیاز جنسی، مطلوب نیست؛ بلکه افزون بر رفع نیاز، نوعی نیاز به احسان و عطوفت از سوی همسران نسبت به همدیگر وجود دارد و هر دو از این رفع نیاز، احساس شادمانی می کنند، بی آنکه هرگونه تلاش و تحمل رنج در این راه، بتواند آنان را دچار خستگی کند. (سید حسین هاشمی، ۱۳۸۵، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۴۸، ص ۸۸)

در تفسیر آیه ۲۱ سوره روم می گوید:

«ازدواج مبادلّه روح با روح و عقد ازدواج، پیمان مؤدّت و رحمت است، نه مالک

شدن جسم بر جان». (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۳۶)

بر همین اساس، سرآغاز زندگی مشترک خدیجه عَلَيْهَا و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، همسان با آیات الهی، تبلور و

درخشندگی فراوانی پیدا کرده بود و هرروز زیبایی و لطافت بیشتری به خود می‌گرفت؛ چراکه آنان در فضایی زندگی مشترک را آغاز کرده بودند که لبریز از عشق و معرفت و خداپرستی و نوع دوستی بود و در کران تا کران آن، مهر و عطوفت و ارزش‌های دل‌انگیز اخلاقی موج می‌زد.

و در جایی دیگر، نویسنده عربی زبان کتاب *فاطمه الزهرا* و ترفی غمد در این مورد می‌نویسد: زندگی خدیجه علیها السلام در کنار محمد، به مدت ۲۵ سال و توأم با عشق بود و در این مدت، میان آن دو أخذ و عطا بود، اما نه احساس عطا (بخشش) از دو طرف، بلکه احساس گرفتن از یکدیگر و رسیدن به ارزشی والا و فوق تصور. احساس خاص خدیجه علیها السلام در عطای عشق به محمد صلی الله علیه و آله، عشقی بود که همه خوشبختی در آن نهفته بود و نیز هنگام بخشیدن ثروتش به محمد صلی الله علیه و آله، احساس خدیجه علیها السلام گرفتن هدایت از محمد صلی الله علیه و آله و برتری این هدایت از تمامی گنج‌های زمین بود. (کتانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰)

به راستی شیفتگی و دلدادگی خالصانه، این دو انسان نمونه را - که از نظر شرایط زندگی به طور کامل با هم تفاوت داشتند - به هم نزدیک ساخت و مهر و معنویت وصف‌ناپذیری را میان آنان پدید آورد که همواره در تاریخ اسلام از این زوج کمال یافته، به عنوان دو اسطوره عاشقی یاد می‌شود.

## ۲. الگوی روابط کلامی با همسر

یکی از برنامه‌های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان است. برقراری ارتباط مؤثر همسران با یکدیگر، نیازمند به کار بستن مهارت گفتگو و تعاملات کلامی است. فقدان این مهم در روابط زوجین، خواه بر اثر نادانی یا ناتوانی، موجب سردی و بی‌اثر بودن یا قطع روابط و گاه بروز تنش‌ها و درگیری‌ها می‌شود. اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری‌های زندگی زناشویی توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات، به رفتارهای بانوان و دختران جوان برمی‌گردد که این همه به دلیل عدم توجه و ناآگاهی به حقوق شوهران و رعایت نکردن آداب معاشرت است. با مراجعه به متون دینی، درمی‌یابیم که قرآن کریم برای شیوه بیان و گفتگو، الگوهایی ارائه کرده است؛ از جمله، قول معروف، قول سدید، قول لئین، قول کریم و قول احسن را می‌توان نام برد؛ همچنان که کلام باید مستدل، پسندیده، نرم، زیبا و بزرگووارانه باشد و بهترین‌ها گفته شود. در متون قرآنی، به گزاره‌ها و مضامین فراوانی برمی‌خوریم که از توجه عمیق اسلام به شیوه روابط



میان زوجین حکایت دارند؛ سفارش مردان به معاشرت نیکو با همسران، در آیه شریفه «وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) پدیدار می‌شود. خداوند سبحان در آیه شریفه، دستور معاشرت شایسته و رفتار انسانی مناسب با زنان را صادر کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۲۰)؛ همچنان‌که با مراجعه به سیره معصومین علیهم‌السلام دانسته می‌شود، طرح سخنان شایسته و مورد علاقه همسر، از مهم‌ترین شیوه‌های جلب محبت و سازگاری بین زوجین است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا فَيَصْفُو عَيْشُكَ؛ همیشه با همسرت مدارا کن و خوب مصاحبت کن تا عیش تو صاف، نیکو و غیرمکدر باشد». (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۸)

در مقابل، بی‌مهری و زیاده‌گویی در انتقادهای و سرزنش‌ها، موجب سستی پیوندها و سردی روابط می‌شود. امام صادق علیه‌السلام نیز در این باره می‌فرماید:

«أَيُّمَا امْرَأَةً قَالَتْ لِرَوْجِهَا مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهَا؛ هر زنی که به شوهرش

بگوید: من از تو هرگز خیری ندیده‌ام، همه اعمالش باطل می‌شود». (همان، ص ۲۱۶)

راز شگفتی‌آفرین زندگی حضرت خدیجه علیها‌السلام با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنجا نمایان می‌شود که با نهایت ادب و تواضع، خدیجه علیها‌السلام خطاب به همسر محبوبش عرضه می‌دارد: «به خانه‌ات درآی که خانه من، خانه توست و من کنیز تو هستم». (بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹) عشق و علاقه خدیجه علیها‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک طرفه نبود، بلکه محبت دوجانبه بود. این واقعیت را ابوطالب رضی‌الله‌عنه در خطبه عقد، چنین بیان کرد: «وَلَهُ فِي الْحَدِيثِ رَغْبَةٌ وَهَا فِيهِ رَغْبَةٌ». (کتاب النکاح، ۱۴۰۷، ج ۹)

آن حضرت، بانویی راست‌گفتار و درست‌کردار بود؛ از این رو پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از او تعبیر به «صدیقه» می‌کرد و حضرت خدیجه علیها‌السلام این چنین آیین شوهرداری را نیکو به مرحله اجرا گذاشت.

### ۳. الگوی توافق با همسر در تربیت فرزند

از منظر پیشوایان دین، اساسی‌ترین و در عین حال پرمسئولیت‌ترین وظیفه زن، «شوهرداری و فرزندپروری» است؛ زیرا زن مظهر جمال و ربوبیت الهی و رکن اساسی در تعلیم و تربیت است. اگر زنان به این منزلت واقف باشند، فرآیند تربیتی جامعه، سالم مانده و به خوبی پیش می‌رود. بدون اعراق، محیط خانه برای زن، میدان جهاد کبیر و پایگاه بزرگ مبارزه است؛ جهاد در راه ساختن یک

جامعه فعال و بانشاط و مبارزه با تمام عوامل ضعف و فساد و عقب ماندگی. همچنان که عقب ماندگی هر جامعه، نتیجه بیماری های روحی - روانی و انحرافات اخلاقی زشت افراد همان جامعه است. یکی از روان شناسان غربی معتقد است: پیروی از اصول تربیت فرزند متعالی، کاری طاقت فرسات، ولی نباید ناامید شد؛ هیچ انسانی کامل نیست و در ضمن، سعی در برقراری یک ارتباط کلیشه ای و کنترل شده، ممکن است بین والدین و فرزندان فاصله بیندازد. از طرفی نداشتن هدف تربیتی نیز به شدت به این رابطه لطمه می زند و گاه حتی آن را خراب می کند؛ برای همین، لازم است که گاه گاهی به طور اساسی وضعیت تربیت فرزند و زندگی خانوادگی مرور شود. می بایست هدف ها منتقدانه، با واقعیت مقایسه شود. برای رسیدن به نتیجه مطلوب، بهتر است هردو (پدر و مادر) باهم و دور از چشم فرزندان، به گفتگو بنشینند؛ چون کسی که به تنهایی فرزندش را تربیت می کند، نمی تواند به تمام جوانب اشراف داشته باشد و حتماً نکات مهمی را از قلم می اندازد و نیز، در ارتباط تنگاتنگ با فرزند، فرد در شناخت کمبودهای خود ناتوان است. (داگمارف گرام، ۱۳۹۱)

روان شناسان معتقدند انحراف های رفتاری نوجوانان و جوانان، ریشه در اختلاف سلیقه والدین در تربیت آنان دارد. همچنین بسیاری از وسواس ها و تعارض ها در دوران بزرگسالی، به علت روش تربیتی نادرست پدر و مادر و توافق نداشتن آنان در تربیت فرزندان عنوان شده است.

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل وراثتی و محیطی در پرورش و رشد شخصیت کودک، نقش بسزایی دارد. حضرت خدیجه علیها السلام علاوه بر اینکه به نص قرآن، مادر روحانی مؤمنین است، به عنوان مادری باایمان و شایسته، فرزندان صالح و پاکی را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تربیت نمود. وی فرزندان را برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله به دنیا آورد و در دامن پُرمهر خویش پرورش داد که در میان آنان حضرت فاطمه علیها السلام از جایگاه خاصی برخوردار است؛ بزرگ بانویی که پیشوایان اسلام، از نسل او پدید آمدند. حضرت خدیجه علیها السلام در مورد آینده دختر خردسال خویش دغدغه هایی داشتند و خطاب به همسر بزرگوارشان، این چنین بیان نمودند:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله، این دختر من - با اشاره به حضرت فاطمه علیها السلام - بعد از من غریب و تنها خواهد شد؛ مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتار تند و خشن داشته باشد. (حائری مازندرانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۴)

به گفته نویسندگان و مورخان، خدیجه علیها السلام برترین همسر برای بزرگ‌ترین مرد بوده و زندگی آنان سرشار از محبت و عشق صادقانه و وفاداری کامل و اخلاصی متقابل بود و دارای فرزندان صالح - دختر و پسر - بودند که روزی خداوند برایشان است. (عبدالعال، ۱۴۰۷، ص ۶۹)

از والاترین امتیازات برای خدیجه علیها السلام همین بس که رویشگاه پاک و پاکیزه برترین نسل و شریف‌ترین تبار جامعه بشریت شد و خداوند، تنها او را لایق مادری برترین دخت بهشت، حضرت فاطمه علیها السلام قرار داد.

#### ۴. اطاعت‌پذیری زن از شوهر

در رویکرد قرآنی، تفکیک نقش‌ها و اطاعت‌پذیری زن در برابر مرد، در پیوند زوجیت، از یک سو بر تفاوت‌های طبیعی و از سوی دیگر، بر پایه دستوره‌های فقهی و اخلاقی استوار است که در حقوق و تکالیفی که آن دو در قبال یکدیگر دارند، پدیدار می‌شود. به صراحت می‌توان گفت این نوع اطاعت‌پذیری که ناشی از ویژگی‌های طبیعی و زیستی - روانی است، براساس توانایی‌ها و نیازمندی‌هاست و نمی‌تواند دلیلی بر ارزشمندی و فضیلت یک جنس بر جنس دیگر و تحقیر دیگری باشد. ایفای نقش‌ها در جایگاه همسری، به زن و مرد احساس رضایت و کمال می‌دهد؛ بنابراین اسلام، در پی ارائه الگویی درست از همسری، برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

«فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»؛ پس زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند، و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. (نساء: ۳۴)

جمله «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ» لحن و تعبیری توصیفی دارد، نه امری و دستوری؛ در واقع حکم، مربوط به شئون همسری و چگونگی روابط در خانواده است و می‌فرماید زنان صالح، باید این‌گونه باشند. یعنی همواره در اموری که به کام جویی شوهران مربوط است، بر آنان واجب است که مراعات کنند و همه چیزهایی که به حق شوهران ارتباط دارد، در غیاب آنان حفظ نمایند.

(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۳)

در این آیه، خداوند سبحان، با اجلال و تکریم از زنان یاد کرده و ایشان را قیّم یا مدیر داخلی خانه معرفی کرده است و برای مردان فقط وظیفه اجرایی. خداوند در بیان مزایای زنان می‌فرماید:

زنان صالح حق‌گرا، پیوسته در طاعت الهی، پیرو پروردگار و به فرمان او، به پیمان زناشویی پایبند هستند و همواره از شوی خود فرمان می‌برند.

اطاعت زن از شوهر، خصوص زناشویی واجب است، نه به طور مطلق. در شئون زندگی نیز معیار و جوب اطاعت برای زن، هماهنگی فرمان شوهر با دین خداست و تنها در مواردی است که دستور شوهر، با دین الهی موافق باشد، وگرنه نباید پیروی کند؛ چون وی (زن) مطیع و قانت برای خداست. گفتنی است که زن می‌تواند با شرط ضمن عقد، وظایف خویش را مقید و محدود و دامنه حقوق و اختیارات شوهر را کوتاه سازد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۵۴۷-۵۴۸)

همچنین روایات متعددی بر لزوم یا مطلوبیت اطاعت زن از شوهر دلالت دارند؛ از جمله برحسب روایتی معتبر، زنی به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و از حق شوهر بر زن سؤال نمود؛ حضرت در پاسخ، اطاعت از شوهر و ترک نافرمانی او را از حقوق شوهر بر زن، به شمار آورد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۰)

حضرت خدیجه رضی الله عنها را می‌توان مصداق بارز این آیه شریفه برشمرد که با بذل جان و مال در راه رسول خدا صلی الله علیه و آله، با کمال اخلاص، اطاعت‌پذیری از همسر بزرگوار خود را در تاریخ بشریت جاودانه کرد. چه منطق و سندی شایسته‌تر از گواهی صادقانه و همواره پیامبر صلی الله علیه و آله بر این منش همدلانه خدیجه رضی الله عنها که بارها فرمود:

«والله ما اختلف لی خیرا منها، لقد آمنت بی إذ کفر الناس وأوتنی إذ رفضنی الناس وصدقنی إذ کذبنی الناس ورزقت منی الولد حیث حرمتموه قالت فغدا وراح علی بها شهرا...». (ابن هشام، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۴۰ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۲)

نهایت حسن رفتار خدیجه رضی الله عنها با همسر خویش، برای بانوان مسلمان و حق‌مدار و تمام‌کسانی که به دنبال یک زندگی ایده‌آل هستند، می‌تواند تأثیر شگرفی در اصلاح روابط بین زوجین برای رسیدن به سعادت و خوشبختی باشد.

## ۵. الگوی تحمل مشکلات شوهر در زندگی

از آن رو که زن، محور خانواده قلمداد می‌شود؛ این الگو برای نهاد خانواده، به عنوان بنیاد اصلی نظام اجتماعی، اهمیتی فراوان و جایگاهی منحصر به فرد دارد. در سخت شدن شرایط زندگی

و رو آوردن گرفتاری ها، روحیه دادن و دلداری کردن زن در کنار همسر خویش، سبب فائق آمدن بر مشکلات می شود.

معمولاً مشکلات بیرون از خانه، بیشتر از درون خانه بوده و درگیری ذهنی مرد بیشتر است. در این میان، زن باید در کشاکش مشکلات پناهگاه مرد باشد. از طرفی، با سخنانش روحیه مرد را در برخورد بهتر با مشکلات، تقویت کند و از طرف دیگر، زمینه را برای سخن گفتن مرد از بعضی مشکلاتش، بدون سرکوفت زدن یا آیه یأس خواندن زن، یا مقایسه مرد با سایر مردان فامیل، فراهم کند. (قلی زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۶۶)

وقتی زن، محیط خانه را از مهر و محبت آکنده سازد - که درصد بالایی از آن با گفتار نیک است - خانه به صورت مأمنی برای مرد درآمده، نشاط و امید به مرد می بخشد و در برخورد با مشکلات با این روش، به قدرتمندی او افزوده می شود؛ تا جایی که این هنر آرامش بخشی با کلام نیکو در مشکلات، از ویژگی های زنان شایسته به شمار می رود. (رشیدپور، ۱۳۸۱، ص ۷۹)

اینجا نقش بانوی دوران پیش و خردمند حجاز، بیشتر آشکار می شود؛ بانویی که پیش از ازدواج با پیامبر گرامی اسلام ﷺ، از امکانات رفاهی فراوانی برخوردار بود و زندگی نسبتاً آرام و بی دغدغه ای داشت، ولی در طول زندگی مشترک، انواع رنج ها و محرومیت ها را پذیرا شد. زخم زبان زنان مکه را می شنید و آزار و اذیت های مشرکان به همسر محبوبش را متحمل می شد. هنگام محاصره و تحریم اقتصادی در شعب ابی طالب، تمام اموال خود را برای حفظ اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و کمک به محاصره شدگان، در نهایت ایثار و مقاومت، به مصرف رسانید.

علامه سید شرف الدین در این باره می نویسد:

«حضرت خدیجه رضی الله عنها در تمام طول زندگی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ زیرا با مال خود، به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار نیز از او دفاع می نمود و به او، آنچه را که از عذاب و درد، کافران در راه رسالت نصیبش می کردند تسلی می داد.» (سید شرف الدین، ۱۴۳۱، ص ۲۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از بعثت، در هر ماه چندبار و نیز همه ساله، ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می گذراند. (ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۰۸) و این عمل، بعد از ازدواج نیز ادامه داشت؛ لذا امام هادی علیه السلام می فرمود:

«پیامبر اسلام ﷺ پس از سفر تجاری شام، درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و بامداد هر روز، به فراز کوه حرا می‌رفت و به تماشای شگفتی‌های خلقت مشغول می‌شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می‌گرفت و خدا را آن‌گونه که شایسته بود، عبادت می‌کرد». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۷۶)

خدیجه رضی الله عنها با درک چنین روحیاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد و همیشه با همدلی و همراهی، او را بدرقه می‌کرد، غذایش را توسط حضرت علی رضی الله عنه به بالای کوه می‌فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می‌شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می‌نویسد:

در آن ماه رمضان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کوه حرا به سر می‌برد و وحی و بعثت آغاز می‌شد، حضرت علی رضی الله عنه و خدیجه رضی الله عنها و یکی از غلامان در حضورش بودند. برای نمونه، تنها یکی از این عبادت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چهار روز به درازا کشید که خدیجه رضی الله عنها تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت‌های طولانی، به طور طبیعی می‌توانست موجب ناراحتی، دلشوره‌ها و نگرانی‌های مختلفی برای خدیجه رضی الله عنها شود، اما او نه تنها اعتراض نمی‌کرد، بلکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراهی نیز می‌نمود؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که خود متوجه نگرانی‌های خدیجه رضی الله عنها بود، عمار یاسر را نزد خدیجه رضی الله عنها فرستاد و پیام داد که:

«ای خدیجه رضی الله عنها! گمان نکن کناره‌گیری من به خاطر بی‌اعتنایی به توست، بلکه پروردگرم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت، فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می‌کند؛ پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن». (همان، ص ۷۷)

حضرت خدیجه رضی الله عنها با ایمان پاک و محبت خلل‌ناپذیر خود، برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم پشتیبانی وفادار بود که زنگ غم از روح بزرگش می‌زدود و او را در همه امور تقویت می‌نمود.

## ۶. الگوی مالی خدیجه رضی الله عنها در ارتباط با همسر

مدیریت مالی خانواده، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده پویایی و کیفیت روابط زناشویی و همچنین یکی از ابعاد عملکرد خانواده است که می‌تواند نقش مهمی در ثبات و تداوم کانون

خانواده ایفا کند.

قانون خلقت، برای اینکه زن و مرد را بهتر و بیشتر به یکدیگر پیوند دهد و کانون خانوادگی را - که پایه اصلی سعادت بشر است - استوارتر سازد، زن و مرد را نیازمند به یکدیگر آفریده است. اگر از جنبه مالی، مرد را نقطه اتکای زن قرار داده است؛ از جنبه آسایش روحی، زن را نقطه اتکای مرد قرار داده است. این دو نیاز مختلف، آنان را بیشتر به یکدیگر نزدیک و متحد می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۲۹)

حضرت خدیجه علیها السلام از نظر مدیریت و ساماندهی، به ویژه در موضوع تجارت، یگانه بانوی روزگار بوده است. کمک‌های مالی حضرت خدیجه علیها السلام موجب غنای نسبی پیامبر صلی الله علیه و آله شد؛ به گونه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را بی‌نیاز ساخت. خداوند در مقام بیان نعمت‌های خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود». (ضحی: ۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همواره می‌فرمودند: «هیچ مالی به من سود نبخشید، آن‌گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۶۳)

بنابر روایات اسلامی، پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام در راه کمک به آزادی بدهکاران، یتیمان و بینوایان استفاده می‌کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما أبدلني الله خيرا منها، صدقتني إذ كذبتني الناس وواستني بما لها إذ حرمني الناس، ورزقني الله الولد منها ولم يرزقني من غيره (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۷)؛ خدا زنی بهتر از خدیجه علیها السلام به من نداد. هنگامی که مردم تکذیبم می‌کردند، او مرا تصدیق کرد و هنگامی که مردم مرا تحریم کردند، با ثروتش کمکم کرد. و خدا از او فرزندان به من داد، درحالی که از دیگر زنانم به من فرزندی نداد.»

بانوی با سخاوت قریش، زمانی که از طعن‌ها و سرزنش‌های مردم راجع به همسر و الامقامش شدیداً آزرده خاطر شد، برای فیصله دادن به تمام بی‌حرمتهای و بدگویی‌های راجع به فقر و تنگدستی محمد صلی الله علیه و آله، عموی خویش «ورقه» را به حضور خواست، آنگاه تمام اموال و امکانات خود را در اختیار او قرار داد تا آنها را به عنوان هدیه، به حضور محمد صلی الله علیه و آله ببرد و به او پیام برساند که اینها هدیه‌ای است ناچیز و همه را به او بخشیدم و او می‌تواند در هر راهی که می‌پسندد، مصرف نماید. ورقه نیز

برابر دستور او، کنار کعبه آمد و در میان زمزم و مقام ابراهیم علیه السلام ایستاد و همگان را ندا داد که هان ای مردم! گواه باشید که خدیجه علیها السلام خود، تمام ثروت و چهارپایان و نیز مهریه و هدیه هایش را به محمد صلی الله علیه و آله بخشیده تا تجلیل شایسته‌ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و در عین حال عشق و علاقه خدیجه علیها السلام را به محمد صلی الله علیه و آله بازگو کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۲)

حضرت خدیجه علیها السلام، ملکه کمال یافته و مترقی قریش، با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه در رفتار و مواجهه با همسر گران قدر خود، عرضه داشتند:

«والله یا محمد صلی الله علیه و آله، ان کان مالک قلیلا فالی کثیر، ومن یسمح لک بنفسه کیف لا یسمح لک بماله، وانا ومالی وجواری وجمیع ما املک بین یدیک وفی حکمک لا امنعک منه شیئا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۵۵-۵۶)؛ به خدا سوگند ای محمد صلی الله علیه و آله! اگر تو مالی نداری، من ثروت زیادی دارم و کسی که خود را در اختیار تو قرار داده است، چگونه مالش در خدمت شما نباشد؟ من و سرمایه‌ام و کنیزانم و آنچه که در اختیار دارم، از آن شماسست و تحت امر شماسست و هیچ منعی از طرف من نیست.»

خدیجه علیها السلام پشتیبان نهضت اقتصادی اسلامی بود که تمام مسلمانان وام‌دار ایشان هستند و نیز ایشان برای جامعه اسلامی، الگوی بیعت و پیروی با تمام توان از ولی فقیه هستند.

## ۷. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر

در متون دینی، عالی‌ترین شاخص‌های مثبت همسری، رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانواده اوست که ناظر به اصلاح روابط بین زوجین است.

امروزه روان‌شناسان معتقدند یکی از تفاوت‌های روان‌شناسی زن و مرد، نیاز زن به احترام و نیاز مرد به تقدیر است. وقتی مرد در رفتارش به اندیشه‌ها و احساسات همسرش توجه می‌کند، زن کاملاً مطمئن می‌شود که شوهرش برای او احترام قائل است. وقتی زن حس کند که مورد احترام شوهرش قرار گرفته، به راحتی از همسرش تقدیر می‌کند و از این طریق، یکی از نیازهای اساسی او را برآورده می‌سازد. (جان‌گری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸)

در آموزه‌های حیات بخش اسلام، توصیه‌های ارزشمندی به مردان و زنان درباره تکریم همسر بیان شده است. امام صادق علیه السلام درباره حفظ حرمت مرد در حریم خانواده می‌فرماید:



«از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را آزار و اذیت کند، و سعادت‌مند زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و از او در تمام حالات، اطاعت و فرمان برداری نماید». (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۵۶)

از طرفی، در راستای گسترش فرهنگ اسلامی و هماهنگی افراد خانواده جهت رسیدن به تعالی، برای مردان نیز در قبال همسران، وظایفی را مشخص کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ دربارهٔ اکرام زن می‌فرمایند:

«کسی که زنی را به همسری انتخاب می‌کند، باید او را احترام کند و منزلت او را حفظ نماید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۳۶۳)

ابن حجر عسقلانی در وصف آن بانوی معنویت می‌نویسد:

از امتیازات خدیجه رضی الله عنها آن بود که پیامبر ﷺ را تکریم می‌کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت، تصدیق می‌نمود. هرگز با پیامبر ﷺ درگیر نشد؛ صدایش را بلند نکرد؛ خانه را محیط امن و آرام برای آن حضرت قرار داد. وی برخلاف برخی همسران، هرگز آن حضرت را نیاززد. از این رهگذر، خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود. (عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۱۳۸)

پانزده سال زندگی مشترک بانوی پخته و باتجربه، خدیجه رضی الله عنها در کنار محمد ﷺ قبل از بعثت و کشف جوهرهٔ وجودی وی در این سال‌های متممادی و شناخت خصلت‌های محمد ﷺ در زمانی که این صفات بر مردم پنهان بود و ایمان بانو خدیجه رضی الله عنها به همسرش و تصدیق رسالت او، بدون رسوخ کمترین تردید، به سبب عشق به همسر و شناخت او نسبت به عظمت مقام انسانی محمد ﷺ بود. (بنت الشاطی، ۱۳۸۷ق، ص ۲۰۰)

پیامبر اسلام ﷺ به عنوان راهنمای عالم هستی، با توجه به اخلاق عملی و رفتار آسمانی آن یار همدم و همفکر خویش، می‌فرمود:

من در زندگی مشترک، به دلیل بینش و منش مترقی خدیجه رضی الله عنها به او عشق می‌ورزیدم؛ به همین جهت، از بارگاه خدا خواستم که در سرای جاودانه نیز ما را همراه و همنشین سازد؛ «... و کنت لها عاشقا، فسألت الله أن یجمع بینی و بینها...».

(حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۸۲ و بحرانی اصفهانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۳۹)

بر اساس این اندیشهٔ پاک و مقدس، هیچ زنی را همتای خدیجه رضی الله عنها قرار نمی‌داد:

«یثی علیها ویفضلها علی سائر امهات المومنین ویبالغ فی تعظیمها». او را ستایش می‌کرد و بر سایر همسران خود برتری می‌داد و در بزرگداشت و تکریم او تلاش زیادی می‌نمود. (ذهبی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۱۰ و بخاری، ۲۰۰۴م، ج ۷، ص ۱۰۷)

آن بانوی پاک سرشت، سمبل معنویت و قداست در بارگاه قدسیان قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که خداوند چندین مرتبه در روز به وجود خدیجه علیها السلام بر فرشتگان گران‌مایه اش مباحث می‌کند «انّ الله عزّوجلّ لیباهی بکِ کرام ملائکته کلّ یوم مرارا» و فرشته وحی را مأمور می‌نماید تا به واسطه حضرت رسول صلی الله علیه و آله، حامل سلام الهی بر خدیجه علیها السلام باشد: «هذا جبرئیل یقرئک من ربک السلام قالت خدیجة الله السلام ومنه السلام وعلی جبرئیل السلام». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۱)

سلام خداوند به خدیجه علیها السلام، مختص او بود و موجب امتیاز ایشان از غیر خود، به سبب بدی نرساندن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و خشمناک نکردن ایشان، حتی برای یک لحظه، حائز اهمیت است. به همین مناسبت، حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مدت حیات خدیجه علیها السلام، با زنی دیگر ازدواج نکردند؛ زیرا از نظر ایشان، مقام و مرتبه سایر همسران، با قدر و منزلت خدیجه علیها السلام برابری نمی‌کرد. (حمیری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰۶)

تحسین برانگیزترین امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام را در مطرح شدن ایشان به عنوان یکی از چهار زن برگزیده خدا در دوسرا می‌توان جستجو کرد. بر همین اساس، حضرت خدیجه علیها السلام در کمال خردورزی و نگرش ارزش‌مدارانه، با درک درست و عمیق از روحیات رسول خدا صلی الله علیه و آله، در پی حفظ حرمت و تکریم جایگاه همسر، سبک زندگی خود را مطلوب و همگام با ایشان می‌نماید.

## نتیجه‌گیری

همسرمداری حضرت خدیجه علیها السلام، از جمله مباحثی بوده که به‌طور معمول در حاشیه زندگی نامه ایشان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله مطرح شده و تاکنون به عنوان بحث مستقل پژوهشی، بررسی نشده است. این موضوع، حتی در آثاری در مورد سیره ایشان نیز به‌طور جدی پژوهشی انجام نشده است و غالباً نویسندگان به مشهورات بسنده کرده‌اند. دستاورد پژوهشی مقاله حاضر، این است که تعاملات رفتاری خدیجه کبری علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اولین خانواده مسلمان، که بر محور

آموزه‌های دینی شکل گرفته بود، می‌تواند تأثیر فراوان در تقویت یا تضعیف نهاد مهم خانواده داشته باشد. چگونگی رفتار حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک، به عنوان الگویی کامل و بی‌بدیل، زمینه‌ساز استحکام روابط همسران و نشاط کانون خانواده خواهد بود. اسناد روایی و تفسیری و تاریخی، بیانگر این حقیقت است که او بانویی اندیشمند و صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده‌ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مترقی و انسان‌پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی نهاد.

تجلی معیارهای الهی، از مهم‌ترین اصول ارزشی همسرگزینی ایشان در انتخاب یار و همراه زندگی است. الگوهایی چون فرزندپروری، تحمل مشکلات شوهر، طرح سخنان شایسته در مواجهه با همسر و برقراری روابط عاطفی متقابل که ناشی از محبت و مودت بین زوجین است، اطاعت‌پذیری ایشان در برابر شوهر و همچنین احترام و تکریم ارزش‌مدارانه شخصیت همسر، تنها نمونه‌هایی از سبک شوهرداری خدیجه کبری علیها السلام است که در معرض دید همگان قرار داد، تا نشان دهد که می‌توان از گوشه یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی، مثل رابطه زن و مرد، از والاترین صفات کمالی برخوردار و بهترین و نمونه‌ترین بانوی دو جهان را به شایستگی تربیت نمود و در ادامه، می‌توان یک دین و رسالت جهانی را تقویت و موجب بالندگی هرچه بهتر آن شد و الگویی به وسعت کل جهان و تمام اعصار، برای تقویت بنیان خانواده اسلامی بنا نهاد.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

### \* نهج البلاغه

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن هشام، عبدالملک، *سیرة النبی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۱.
۳. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ق.
۴. بانکی پورفرد، امیرحسین، *شردلبران (عوامل آرامش بخش و نشاط آفرین در خانواده)*، چاپ ششم، اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۹۱.
۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، *عوامل العلوم والمعارف والاحوال*، قم: مؤسسه امام المهدی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، قاهره: آفاق العربیة، ۲۰۰۴م.
۷. بنت الشاطی، عائشه، *موسوعة آل النبی*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۹. حاکم نیشابوری، عبدالله بن محمد، *تحقیق: عبدالقادر عطا*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۱۰. حائری مازندرانی، محمد مهدی، *شجره طوبی*، النجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۱۱. حر العاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۲. حمیری، عبدالملک بن هشام، *السیرة النبویة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. داگمارف کرام، *آموزش آداب معاشرت به کودکان و نوجوانان*، ترجمه سیده خلیلی، چاپ اول، بی جا: پنجره، ۱۳۹۱.
۱۴. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۱۵. رشیدپور، مجید، *مراحل ازدواج در اسلام*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۱.
۱۶. زرگری نژاد، غلام حسین، *تاریخ صدر اسلام*، تهران: سمت، ۱۳۷۸.
۱۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الافصاح*، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۱۸. صدوق، ابن بابویه، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۳. عبدالحسین سید شرف الدین، *عقيلة الوحی*، بیروت: نشر دار الاحیاء التراث النبویة، ۱۴۳۱ق.
۲۴. عبدالعال، احمد جمال، *تساء خالدهات فی القرآن الکریم*، قاهره: مکتبه کلیات الأزهریة، ۱۴۰۷ق.
۲۵. عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.

۲۶. قلی زاده، فرض الله، ازدواج پیوندی مقدس، بی جا، قم: انتشارات نهاوندی، ۱۳۷۶.
۲۷. قمی، عباس، سفینه البحار، قم: نشر اسوه، ۱۴۱۴ق.
۲۸. کرمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز خدیجه، قم: دفتر فرهنگی نسیم انتظار، ۱۳۸۲.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. گری، جان، مردان مریخی، زنان ونوسی، سید رضا نیازی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۶.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، وسایل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
۳۳. مغنیه محمد جواد، الکاشف، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ق.
۳۴. مغنیه، احمد، سیره النبویه الشریفه، بیروت: دار الصفوة، ۱۴۱۴ق.
۳۵. هاشمی، سیدحسین، قرآن و کارکردهای نهاد خانواده، فصلنامه پژوهش های قرآنی، سال دوازدهم، ش ۴۸، ۱۳۸۵.



# کاهش جمعیت و تأثیر آن بر روابط انسانی در خانواده و جامعه

معصومه مؤذن<sup>۱</sup>

## چکیده

جمعیت و تغییرات آن، به عنوان رکن اساسی یک جامعه، تأثیر زیادی در رشد یا افول آن دارد؛ به طوری که اقتصاد، فرهنگ، سیاست و بخش‌های دیگر جامعه، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی، به پیامدهای کاهش جمعیت بر روابط انسانی در خانواده و جامعه، پرداخته است. کاهش جمعیت در بخش خانواده، سبب تغییراتی مانند تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای، شیوع تک‌فرزندی و عوارض ناشی از آن، کاهش صلۀ ارحام و قطع حمایت‌های خانوادگی می‌شود. و از آنجا که خانواده آیینۀ تمام‌نمای جامعه است؛ کاهش جمعیت علاوه بر سطح خانواده، در گستره‌ای وسیع‌تر، سبب تغییراتی در اجتماع نیز می‌شود که این تغییرات عبارت‌اند از: از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها، بروز سالمندی جمعیت و عوارض مترتب بر آن، رفاه‌زدگی و تسلط فرهنگی بیگانگان.

واژه‌های کلیدی: کاهش جمعیت، روابط انسانی، خانواده، جامعه

۱. دانش پژوه سطح ۴ رشته فقه و اصول جامعة الزهراء (ع) و دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)

## مقدمه

از دیرباز مسئله جمعیت، مورد توجه جوامع بشری بوده و اندیشمندان بسیاری در این زمینه به نظریه پردازی پرداخته‌اند؛ همچنان‌که در این باره مطالب مختلفی از افلاطون، ارسطو و ... وجود دارد. (جمهوریت، ۱۳۵۳، ص ۴۵۹)

جمعیت، رکن اساسی تشکیل یک جامعه است و رشد یا کاهش آن، در زوال یا شکوفایی جوامع، تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ... بسیار موثر است؛ به همین سبب از قرون متمادی، هر جا جمعیت به دلایلی هم‌چون قحطی، جنگ، بیماری‌های اپیدمی و ... دچار تغییراتی می‌شده است، بزرگان جامعه چاره‌جویی می‌کردند تا بتوانند به نوعی مشکل را حل کنند.

مطالعات جمعیتی در سال‌های گذشته، غالباً پیرامون سیاست‌های کاهش جمعیت و حمایت از آن بود، اما در سال‌های اخیر، با توجه به پیامدهای کاهش جمعیت در کشورهای پیشرفته و به خصوص پس از توجه مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) به بحث کاهش جمعیت و خطرات آن، صاحب‌نظران و پژوهش‌گران با ورود به این عرصه، تحقیقاتی دربارهٔ بازنگری در این سیاست‌ها انجام داده‌اند. از این رو، پیشینهٔ تحقیقاتی این موضوع در داخل کشور، به دو یا سه سال اخیر می‌رسد و پژوهش‌هایی نیز که در این زمینه انجام شده، غالباً به پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن پرداخته‌اند؛ از جملهٔ این تحقیقات، می‌توان به مقالهٔ «بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی بر تولید ناخالص داخلی در ایران» (دلاوری و خباری کوتشیخ، ۱۳۹۱) اشاره کرد. تعدادی از پژوهش‌های انجام گرفته نیز بر بخشی از بحث کاهش یا افزایش جمعیت، تأکید ویژه داشته‌اند؛ مانند: «بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر مزیقهٔ ازدواج و مجرد دختران (تحلیلی بر مجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئلهٔ اجتماعی؛ چالش‌ها و راه‌کارها)» (حسنی، ۱۳۹۲) و «بررسی جامعه‌شناختی تحولات سالخوردگی جمعیت ایران». (فروتن، ۱۳۸۰)، با مرور مطالعات انجام گرفته، روشن می‌شود مطالعاتی که پیامدهای کاهش جمعیت بر روابط انسانی را مورد توجه قرار داده باشد، بسیار اندک است. حال آنکه روابط انسانی، به خصوص در حیطةٔ خانواده، مهم‌ترین بخش از مسائل اساسی جامعه است و به نوعی حوزهٔ اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

این مقاله سعی دارد با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، پیامدهای کاهش جمعیت را بر روابط انسانی و اجتماعی، مورد بررسی قرار دهد.



## ۱. جمعیت و دگرگونی‌ها

در دائرةالمعارف‌های علوم اجتماعی، دو مؤلفه در تعریف جمعیت لحاظ می‌شود: محدوده جغرافیایی خاص و زمان معین؛ یعنی به افرادی که در یک زمان معین، در واحد جغرافیایی خاص، زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود. این واحد جغرافیایی، می‌تواند یک روستا، یک شهر یا یک کشور باشد. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۰۱) با توجه به آنکه افراد در هر گروه و اجتماع انسانی، تضادها و تعارض‌هایی دارند، هنگامی که بحث روابط انسانی و اجتماعی، منافع مشترک و استفاده از منابع زیستی به میان می‌آید، اصطلاح «جمعیت بهینه» یا «متناسب» مطرح می‌شود. در جمعیت بهینه، آنچه که مورد نظر است، کاهش یا افزایش جمعیت با یک سیاست‌گذاری خاص است. به عبارت دیگر، به تغییراتی که در کاهش یا افزایش جمعیت صورت می‌گیرد تا آرمان سیاسی ویژه و یا آسایش مادی مورد نظر را رقم بزند، جمعیت بهینه اطلاق می‌شود. (آشفته‌تهرانی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۲) در حقیقت، اندازه بهینه جمعیت، لزوماً محدودۀ ثابتی ندارد و متأثر از عوامل گوناگون همچون منابع اقتصادی، مسائل سیاسی و... تعریف می‌شود. افلاطون، تعیین محدودۀ جمعیت بهینه را کار زمامداران و دولت می‌داند. از نظر او، تشکیل خانواده و تعداد ازدواج‌ها را باید به حکام کشور واگذار کرد تا با توجه به میزان مرگ و میر، جنگ، بیماری و حوادث دیگر، میزان جمعیت شهر را به طور متوازن، در حدّ مشخصی نگه دارند. (آشفته‌تهرانی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۲) شاید بتوان گفت جمعیت بهینه، به نوعی توازن بین گروه‌های سنی در جامعه است؛ یعنی نسبت بین جمعیت جوان و سالمند، به طوری که تداوم خانواده و پویایی جامعه حفظ شود. همواره باید مدنظر قرار گیرد. با توجه به این موضوع است که بحث سیاست‌های جمعیتی مطرح می‌شود. «سیاست جمعیتی، مجموعه اصول و تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی است که از سوی دولتی در کشوری اتخاذ می‌شود و حدود فعالیت‌های او را در ارتباط با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند». (تقوی، ۱۳۷۷، ص ۴۵) بنابراین، تشویق به کاهش یا افزایش میزان باروری، با توجه به وضعیت داخلی هر کشور، همواره در دستور کار حکومت‌ها قرار می‌گیرد.

سیاست‌های جمعیتی، متأثر از نظریات جمعیت، اتخاذ می‌شود. اساسی‌ترین نظریه در باب کاهش جمعیت، نظریه «مالتوس» است که با توجه به منابع اقتصادی، غذا و امکانات، توصیه به کاهش جمعیت داده است. (کوئن، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸) نظریه مالتوس، موافقان و مخالفان بسیاری

در سطح جهان داشته است، اما مهم‌ترین نقش مالتوس در این بود که جمعیت‌شناسی را وارد دانش‌های اجتماعی کرد. (آشفته تهرانی، ۱۳۶۴، ص ۸۸)

در هر صورت، آنچه اکنون با آن رو به رو هستیم، گرایش به کاهش جمعیت است. در حقیقت سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و توسعه اقتصادی، به نحوی نظام ارزشی جدید، الگوهای جدید و هنجارهای جدیدی به همراه آورد که کاهش باروری و محدود کردن تعداد فرزندان، تبلور عینی آن است. (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۷۲) این گرایش، عمدتاً همراه با دوران توسعه در کشورهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی، همچون چین و ژاپن، به وجود آمد و سیاست‌هایی نیز در این زمینه، با عنوان سیاست‌های توسعه، تدوین و اجرا شد. (همان، ص ۱۹۷) اما در درازمدت با چالش‌ها و مشکلات فراوانی، از جمله سستی نظام خانواده، سالمندی جمعیت و کمبود نیروی جوان کاررو به رو شد. (همان، ص ۲۰۱-۲۰۴) اکنون در این کشورها، راه‌حل‌هایی برای مواجهه با این مشکلات و طرح‌هایی برای تحول منطقی و بهینه جمعیت ارائه شده است.

با این وجود در کشورهای جهان سوم، گرایش به کاهش جمعیت، هنوز طرفداران بسیاری دارد و به طور فزاینده‌ای رو به گسترش است؛ همان طور که در کشور خودمان برنامه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، از دههٔ چهل آغاز و در دههٔ شصت رونق گرفت. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵) و به طور بی‌رویه ادامه یافت تا اینکه اکنون زمزمه کاهش موالید و پیری جمعیت ایران، اندیشمندان را به فکر واداشت تا تدابیری در این مورد بیندیشند. البته تأثیر این کاهش بر روابط انسانی، قطعاً مهم‌تر از مسائل دیگر خواهد بود.

## ۲. علل گرایش به کاهش جمعیت

علل گرایش به کاهش جمعیت را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

رفاه اقتصادی: شاید مهم‌ترین و قدیمی‌ترین دلیل به این گرایش در سطح جهان، بحث رفاه اقتصادی باشد. اقتصاد از قدیم‌الایام، تعیین‌کننده بسیاری از تغییرات در سطح خانواده و اجتماع بوده است. در این مورد علاوه بر حکومت‌ها، خود مردم هم توان اقتصادی را برای فرزندآوری مهم می‌دانستند. گاه حتی به دلیل فقر و عدم توانایی مالی، برای تنظیم جمعیت خانواده، اقدام به کشتن فرزندان خود می‌کردند؛ اوضاع عرب جاهلی، نمونه‌ای از این دست است که نوزادان خود

را از بین می‌بردند و جمعیتشان را براساس میزان درآمد اقتصادی خود تنظیم می‌کردند. (که قرآن کریم در سوره اسراء، آیه ۳۱ آنان را از این کار نهی می‌کند) بسیاری از نظریه‌های جمعیتی نیز، مانند نظریه مالتوس، بر پایه اقتصاد استوار است.

- عدالت: از دیگر دلایل، عدالت در توزیع امکانات برای تمام مردم است. جمعیت کمتر، امکان سیاستگذاری‌های عادلانه را برای حاکمان جوامع فراهم می‌کند.

- سیاست‌های استعماری: از نظر بسیاری از متفکران، سیاست‌های استکباری در جوامع جهان سوم و عمدتاً مسلمان، دلیل دیگر گرایش به موالید کمتر است. جمعیت کمتر، سبب ضعف ملل و جوامع است و امکان استثمار آنان را فراهم می‌سازد. از این رو در بسیاری از کشورهای جهان سوم، دول دست‌نشانده با پیاده کردن اوامر دول استعمارگر، زمینه فرهنگی برای عدم استقبال خانواده از فرزند بیشتر را فراهم آوردند. (تهرانی، ۱۴۲۵، ص ۹۱) و به این ترتیب، برنامه‌های وسیع کاهش جمعیت و تنظیم خانواده، برای آماده‌سازی افکار عمومی این کشورها، در راستای کاستن از جمعیت به کار گرفته شد.

علاوه بر این سیاست‌های کلی، دلیل دیگری که به خصوص در دهه‌های اخیر می‌توان از آن نام برد، تغییر الگوهای زندگی و به خصوص سبک زندگی زنانه، متأثر از مدرنیزاسیون است. از جمله این موارد که تأثیر زیادی می‌تواند بر کاهش جمعیت داشته باشد، بالا رفتن سن ازدواج است. در حقیقت یکی از پیامدهای مدرنیزاسیون، تغییر نوع و تأخیر در ازدواج است. طبق نظر «ویلیام جی گود»، مدرن شدن در سطوح فردی و اجتماعی، به تأثیرگذاری بر زمان ازدواج منجر می‌شود. (علی احمدی، ۱۳۸۹، ص ۴۹) از دیدگاه اقتصادی نیز، دستیابی زنان به سطح برتر و بالای آموزش، منجر به نوعی استقلال اقتصادی برای آنان می‌شود و انگیزه آنان از ازدواج را به دلایل اقتصادی تضعیف می‌کند. (دشتلند و دشنه، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶)

به طور کلی تحولات اجتماعی، گرایش زنان به تحصیلات بیشتر، ورود به بازار کار، مدیریت بدن و ... سبب کاهش تمایل به فرزندآوری شده است.

### ۳. پیامدهای کاهش جمعیت

کاهش جمعیت پیامدهایی را داشته که این پیامدها سبب تغییراتی در سطح خانواده و

جامعه شده است؛ تغییراتی که روابط خانوادگی و اجتماعی را دگرگون کرده است. در ذیل، به برخی از این پیامدها پرداخته می‌شود:

### ۳-۱. تک‌فرزندی

از پیامدهای کاهش جمعیت، بروز تک‌فرزندی است، که آن هم عوارض بی‌شماری دارد؛ از جمله: ۱-۳-۱. انزوای جبری: هنگامی که تعداد افراد خانواده زیاد است و هر فردی خواهران، برادران و خویشاوندان متعدد پدری و مادری دارد، از نظر ارتباط اجتماعی، دچار مشکل نمی‌شود و اگر هم کسی انزوا را انتخاب کند، از باب عدم ظرفیت خانواده و جامعه نیست، بلکه به سبب افسردگی، بیماری یا روحیه درون‌گرایی فرد است. در حقیقت جامعه و خانواده، ظرفیت برقراری روابط را دارد، اما به دلایلی خود فرد انزوا را انتخاب کرده است که می‌توان از این جهت، نام انزوای اختیاری را بر آن نهاد. اما وقتی خانواده‌ها به تک‌فرزندی روی می‌آورند و جمعیت هم کاهش می‌یابد؛ شخص تک‌فرزند، علاوه بر نداشتن خواهر و برادر (و در صورت تک‌فرزند بودن والدین، از داشتن عمو، عمه، خاله و دایی هم محروم است)، گروه همسالان و حلقه دوستان او هم به سبب همین کاهش جمعیت، تنگ‌تر شده است؛ لذا این فرد، دچار نوعی انزوای جبری خواهد شد که به خاطر ظرفیت‌های محدود خانواده و جامعه، بر او تحمیل شده است. از این رو، این فرد ممکن است انزوا را نخواهد، اما جامعه ظرفیت پاسخ‌گویی به نیاز او را ندارد.

۲-۳-۱. فرزندسالاری: یکی از پیامدهایی که کاهش جمعیت و تک‌فرزندی دارد؛ بروز عارضه فرزندسالاری است. کودک تک‌فرزند، مورد توجه بیش از حد والدین خود است، در حقیقت افراد خانواده برای برآورده شدن نیازهای او بسیج می‌شوند، بدون آنکه او تلاشی برای رفع حوائج خود و دیگران انجام دهد. فرزند در این حالت، خود را حاکم علی‌الاطلاق خانواده می‌یابد و دیگران را محکوم اوامر خود می‌داند و این حالت در او رشد می‌کند و سبب مشکلات زیادی در بزرگسالی می‌شود. ۳-۱-۳. اختلال در مراحل رشد روانی کودک: یکی از معایب تک‌فرزند بودن، تأثیر آن بر مراحل رشد کودک است. این کودکان کسی را ندارند تا با او رقابت یا بازی و دعوا کنند. آنان دوست و همدمی در منزل ندارند، بنا بر این برخی از احساسات را تجربه نمی‌کنند و فرصتی برای کنترل و مدیریت آنها نخواهند داشت. بلوغ روحی و روانی، پدیده‌ای کاملاً ارثی نیست، بلکه اکتسابی

است. کودک تک‌فرزند، کمتر با مشکلات مواجه شده و در معرض تجربه‌های کودکی قرار نمی‌گیرد و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی - روانی است، تجربه نمی‌کند. (هارن، ۱۳۷۹، ص ۲۳)

۳-۱-۴. عدم درک مفهوم نسبت‌های خانوادگی: با کاهش جمعیت، تک‌فرزندی و عوارض آن، به تدریج مفاهیم نسبی، مانند عمو، عمه، دایی و خاله به فراموشی سپرده می‌شود و اصولاً معنای خود را از دست می‌دهد.

۳-۱-۵. گسترش تجرد و بالا رفتن سن ازدواج: کودکان تک‌فرزند که از نظر رشد روانی دچار مشکل هستند. بسیاری از اخلاقیات، مانند گذشت، فداکاری، احساس مسئولیت و ... را در زندگی فردی تجربه نمی‌کنند؛ لذا به خاطر ترس از پذیرفتن مسئولیت یک زندگی، معمولاً به سادگی تن به ازدواج نمی‌دهند. از طرفی با کاهش جمعیت، گزینه‌های آنان هم محدودتر خواهد شد. (چون زندگی تک‌فرزندی، سطح توقع‌شان را بالا برده است و در این سطح، مورد مناسبی برای ازدواج نمی‌یابند.) که در درازمدت این مسأله منجر به بالا رفتن سن ازدواج می‌شود و حتی در صورت تشکیل خانواده، با توجه به روحیات افراد تک‌فرزند، خانواده‌ای متزلزل تشکیل خواهد شد که با اندک ناملایماتی، ممکن است منجر به طلاق شود.

از طرفی، بالا رفتن سن ازدواج، خود، سبب کاهش جمعیت می‌شود؛ زیرا هنگامی که فرد - به خصوص دختران - در سن بالا ازدواج می‌کنند با محدودیت‌های فیزیولوژیکی که برای سن باروری وجود دارد، توان فرزندآوری‌شان کاهش می‌یابد و باز منجر به ایجاد خانواده‌های تک‌فرزند یا کم‌فرزند خواهد شد.

حضور فرزندان مجرد با سنین بالا، علاوه بر مشکلاتی که برای خود فرد دارد، سبب فشارهای روحی و روانی برای والدین و اعضای خانواده می‌شود.

### ۳-۲. رشد فردگرایی در سطح جامعه

فردگرایی عبارت از اولویت دادن به قضاوت شخصی و عدم هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی است. در فردگرایی، شخص معمولاً از نهادها و هنجارهای عرفی ناراضی است. (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۱۷۱)

با رواج تک‌فرزندی و بالا رفتن سن ازدواج و مشکلاتی که فرد برای ازدواج دارد، ارزش‌های افراد دگرگون می‌شود و از هنجارهای جمع‌گرایانه به هنجارهای فردگرایانه متمایل خواهند شد. این

افراد ترجیح می‌دهند در تنهایی و عدم رویارویی با گروه یا اجتماعی که برخلاف خواسته‌های آنان عمل می‌کند به سر ببرند. به این ترتیب، ممکن است سبک‌های جدیدی از زندگی شکل بگیرد، سبک‌هایی که حریم‌های فردگرایانه شخص را بیشتر حفظ نماید و از سطح وفاداری و مسئولیت کمتری برخوردار باشد. در نتیجه فرد ترجیح می‌دهد روابط خود را به نحو دیگری تنظیم کرده و نیازهای جنسی و عاطفی‌اش را به صورت دیگری ارضا کند که شاید این نحوه ارضا، با ارزش‌های اجتماعی و دینی در تضاد باشد و اساساً باعث تزلزل و از بین رفتن خانواده به معنای مصطلح آن شود.

### ۳-۳. تغییر شکل خانواده

با توجه به کاهش جمعیت، رواج تک‌فرزندی و تمایلات فردگرایانه، شکل خانواده نیز دچار تغییر و تحولاتی متناسب با این موارد می‌شود. در یک تقسیم‌بندی از شکل خانواده، دو دسته «خانواده گسترده» و «خانواده هسته‌ای» مطرح است. خانواده هسته‌ای از آن جهت که تعداد اعضای کمتری را شامل می‌شود، با کاهش جمعیت و روحیه فردگرایی، رواج بیشتری می‌یابد.

خانواده گسترده متشکل از سه نسل یا بیشتر است که در یک مسکن و یا در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند. بر این اساس، یک خانواده گسترده، می‌تواند شامل جد، جده، زن و شوهر و فرزندان ازدوج کرده آنان باشد. و خانواده هسته‌ای «خانواده‌ای است که در آن، یک زوج متأهل (یا یکی از والدین) با فرزندان خود یا کودکانی که به فرزند پذیرفته، زندگی می‌کنند». (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۴۲۶) این ویژگی خانواده هسته‌ای، تنها در تعداد افرادی که با هم زندگی می‌کنند منحصر نمی‌شود؛ بلکه همزمان با این تغییر شکل، ساختار و کارکرد خانواده، نقش افراد و جایگاهی که در خانواده دارند و روابط میان اعضا نیز تغییر می‌یابد و با خانواده‌های گسترده که شامل دو نسل بودند، متفاوت است. در این زمینه، نقش زنان به عنوان فرد مولد، بسیار مؤثر است. زنان در خانواده مدرن امروزی از استقلال مالی و معنوی بیشتری برخوردارند و مانند گذشته، مهم‌ترین نقش‌شان فرزندآوری نیست؛ بلکه جایگاه و نقشه‌ای جدیدی با توجه به وضعیت خانواده برای خود تعریف کرده‌اند که گاهی با نقش فرزندآوری در تضاد است.

در هر صورت، خانواده تغییر شکل یافته، از برخی مزایای خانواده گسترده محروم است. مزایایی

مانند:

- در خانواده گسترده، اعضای خانواده می‌توانند در مواقع نیاز، از اشخاص متعددی کمک بگیرند؛ مثلاً سالخورده‌گان و بیماران در خانواده گسترده، کمتر از خانواده هسته‌ای سربار خواهند بود؛ زیرا تعداد افراد خانواده زیاد است و در نتیجه هزینه آنان بر دوش یک یا دو نفر نیست.
  - خانواده گسترده، در کل، پایدارتر از خانواده هسته‌ای است، و برخلاف خانواده هسته‌ای، مرگ مادر یا پدر (زن و شوهر) باعث جدایی و یا از هم پاشیدگی خانواده نمی‌شود.
- خانواده گسترده، بیش از خانواده کوچک هسته‌ای، قدرت سیاسی دارد. (گود، ۱۳۵۲، ص ۱۴۵)
- در کنار این تغییرشکل از خانواده، الگوهای دیگری از شکل زندگی مدرن نیز به چشم می‌خورد؛ مانند الگوی تک‌والدی و زندگی بدون فرزند. علاوه بر آن، الگوهای دیگری نیز به خصوص در کشورهای صنعتی و غیرمسلمان وجود دارد که در فرهنگ ما با توجه به اعتقادات مذهبی، ناپسند شمرده می‌شود؛ مانند سبک زندگی مجردی با روابط جنسی آزاد و همجنس‌گرایی (که البته چون چنین پدیده‌هایی در جامعه ما به عنوان بحران، مطرح نیست و نیز به علت آنکه اصولاً این دو از دیدگاه اسلام و حتی بسیاری از جامعه‌شناسان غربی، از تعریف خانواده خارجند به همین اشاره گذرا اکتفا می‌شود).

#### ۳-۴. قطع صلۀ ارحام و کاهش حمایت‌های خانوادگی

در گذشته که پیوندهای خانوادگی بسیار عمیق بوده است، تعصبات قومیتی و خویشاوندی، سیاست‌ها و نحوه کنش یک قومیت را که معمولاً شامل حمایت‌های بسیار وسیعی بود، در قبال محیط و افراد بیرون از آن قومیت مشخص می‌کرد. در این زمینه نام‌های متعددی که برای انواع گروه‌های خویشاوندی در فرهنگ‌های مختلف جهان وجود دارد، نشان از این اهمیت است. این نوع گروه‌ها در تمام جهان وجود داشته است. امروزه با کاهش جمعیت و تغییر سبک زندگی، علاوه بر کاهش تعداد این گروه‌ها، از اهمیت آنان نیز کاسته شده است؛ درحالی‌که داشتن روابط خویشاوندی، مسئله‌ای است که تأثیر مثبت آن در روح و روان انسان، ثابت شده است.

در فرهنگ اسلام نیز از این روابط به عنوان صلۀ ارحام، در چارچوب خاص و معینی حمایت شده است و در آیات و روایات اسلامی، بارها به احسان به والدین و خویشاوندان سفارش شده است. از جمله آنکه امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده‌اند:

«صله رحم مرگ را به تأخیر می‌اندازد، مال را افزایش می‌دهد و محبت در خاندان

را زیاد می‌کند». (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۵۵)

در هر صورت با کاهش جمعیت، نبود خویشاوند و در کنار آن، گسستن روابط خانوادگی و خویشاوندی، انسان مدرن از برکت چنین امر مهمی محروم شده است.

علاوه بر آن حمایت‌های خانوادگی و خویشاوندی که حمایتی عمیق، دلسوزانه، تضمین شده و فارغ از دغدغه‌های سوداگرانه است و یکی از کارکردهای مهم صله ارحام است، منتفی خواهد شد و در نتیجه امنیت، اقتدار، اعتماد به نفس و... در فرد و خانواده به مخاطره خواهد افتاد؛ زیرا کسی که در درون شبکه خانوادگی قرار می‌گیرد، از حقوقی برخوردار می‌شود و در قبال آن، تکالیف اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به دیگر افراد دارد که البته بسیاری از اوقات، این تکالیف به صورت نانوشته و سنت اجتماعی، مورد توجه است، اما وجود این حقوق و تکالیف، روابط مستحکمی را ایجاد می‌کند که پیامدهای مثبتی برای افراد دارد.

کاهش جمعیت، علاوه بر تغییراتی که در سطح خانواده‌ها ایجاد می‌کند، به مرور زمان منجر به بروز تغییرات و مشکلاتی در سطح جامعه و فرهنگ اجتماعی نیز می‌شود؛ از جمله:

### ۳-۵. از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها و تنوع زبانی

با کاهش جمعیت، فرهنگ‌هایی که درون فرهنگ عمومی یک جامعه وجود دارد، دچار نوعی انقراض می‌شود. به عبارت دیگر با کاهش تعداد انسان‌ها، وارثان فرهنگ‌های مختلف نیز رو به اقلیت می‌روند و کم‌کم با مرگ بزرگان یک فرهنگ و زبان، فرهنگ نیز مضمحل می‌شود. بدین ترتیب خرده فرهنگ‌هایی که وجود آنها سبب پویایی و زنده بودن فرهنگ می‌شد، اکنون با کاهش جمعیت انسانی، رو به زوال می‌گذارد که این خود سبب مشکلات فرهنگی زیادی خواهد شد. درحقیقت کاهش جمعیت یک فرهنگ خاص از یک سو و گسترش یکسان‌سازی فرهنگی در جهان؛ ایجاد زبان و فرهنگ بین‌المللی، وجود خرده فرهنگ‌ها و تنوع زبانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

### ۳-۶. بروز سالمندی جمعیت و پیامدهای آن

وقتی شاخص رشد جمعیت سقوط کند و تعداد موالید کم شود؛ به تدریج ساختار سنی تغییر



کرده و جمعیت رو به سالمندی می‌نهد. به خصوص آنکه با بهبود و ارتقای سطح بهداشت عمومی، انسان‌ها عمر طولانی و امید به زندگی بیشتری خواهند داشت و در مقابل به دلیل باروری کمتر، جمعیت سالمند در جامعه بیشتر می‌شود. به جمعیت سالمند، «جمعیت وابسته» نیز می‌گویند؛ یعنی کسانی که از لحاظ اقتصادی، جسمی، عاطفی و ... وابسته به گروه دیگر هستند.

سالمندی جمعیت، سبب مشکلات فراوان اجتماعی خواهد شد؛ از جمله:

۱- ۳-۶. گسست نسل‌ها و سکون نسبی زمان اجتماعی: به دلیل جدایی فیزیکی و روحی نسل گذشته از نسل امروزی، انتقال دانسته‌ها به نسل جدید صورت نمی‌گیرد؛ لذا زمان، دچار نوعی سکون اجتماعی می‌شود. همین‌طور به خاطر فاصله سنی که دو نسل با هم دارند، تفاوت سنی والدین و فرزندان زیاد می‌شود. فاصله سنی زیاد، قدرت سازگاری را کم می‌کند و والدین کمتر قادر خواهند بود خود را در موقعیت نوجوان و جوانشان قرار دهند و از منظر آنان به جهان و آرزوها و آرمان‌ها بنگرند؛ بنابراین تفاوت فرهنگی بین دو نسل، گسترش می‌یابد و همین، سبب عدم درک متقابل دو نسل از هم و در نتیجه، قطع ارتباط می‌شود. در حقیقت والدین و فرزندان جوان آنان در دو دنیای کاملاً متفاوت زندگی می‌کنند، تا جایی که می‌توان گفت ارتباط بین نسل‌ها شبیه به افسانه خواهد شد. (قائم، علی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۳) فاصله سنی زیاد، ابتدا ممکن است به گسست نسلی و در ادامه به تضاد نسلی منجر شود. علاوه بر آن نوع تربیت تک‌فرزندی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی، خود به خود عامل مهمی برای عدم ارتباط با والدین سالمند و ناتوان است.

۲- ۳-۶. بیماری و مشکلات جسمی: جمعیت سالمند، باتوجه به بالا رفتن سن و عوارض آن، درگیر بیماری‌های سن پیری است و توان و حوصله ارتباط با دیگران را ندارد و همین، سبب قطع ارتباط این قشر جامعه با قشر جوان می‌شود؛ به خصوص که با پیدایش خانه سالمندان، از نظر فیزیکی هم جدا از خانواده به سر می‌برند. ارتباط میان‌گروهی خود سالمندان هم به دلیل وجود بیماری‌های مزمن و افسردگی‌ها، بسیار کم می‌شود.

۳- ۳-۶. واگذاری نگهداری سالمندان از خانواده به اجتماع: با کاهش تعداد فرزندان خانواده، والدین پیر به ناچار راهی مراکزی به نام «خانه سالمندان» می‌شوند؛ زیرا برخلاف گذشته که در برابر هر یک از والدین سالمند، چند فرزند وجود داشت که نقش حمایت از او را برعهده می‌گرفتند، اکنون به ازای هر سالمند، یک فرزند یا در حالت تک‌فرزندی به ازای هر دو سالمند، یک فرزند وجود

دارد که این فرزند هم، اصولاً نه توان جسمی برای این مراقبت و حمایت را دارد - زیرا بیماری‌های متعدد سالمندان و ناتوانایی‌های آنان، حمایت مادی و معنوی زیادی نیاز دارد - و نه روحیاتی که از قبل تک‌فرزندی و فرزندسالاری و... کسب کرده است، به او اجازه چنین حمایتی می‌دهد. گسترش خانه‌های سالمندان، تبعات خانوادگی و اجتماعی زیادی دارد و چالش‌های بسیاری ایجاد می‌کند؛ یعنی علاوه بر آنکه روح احسان و تعاون را در جامعه کم‌رنگ می‌کند، باعث دوری هرچه بیشتر سالمندان از خانواده‌ها می‌شود و آنان را دچار خلأ هویتی می‌کند؛ زیرا نقش افراد در خانواده، سبب تشخیص می‌شود، در حالی که سالمند با ترک محیط خانواده، چنین تشخیصی را از دست می‌دهد و احساس بیهودگی می‌کند. علاوه بر آن با دیدن دیگر سالمندان پیرتر و بیمارتر از خود، آنان را به عنوان آینه‌ای از آینده مبهم و ناخوشایند خود می‌داند و امید به زندگی در او کم‌رنگ می‌شود، که تمام اینها در روابط او با دیگران و محیط اطراف تأثیرگذار خواهد بود.

ایجاد سرای سالمندان در جوامع توسعه‌یافته که از سال‌ها پیش دچار پیری جمعیت شده‌اند، امری معمول است و مشکلات و چالش‌های آن پیش‌بینی و سیاست‌هایی برای آن اتخاذ شده است که تا حد امکان از صدمات روحی و جسمی به سالمندان پیشگیری شود، اما در جوامع در حال توسعه که با توجه به آمارها، از اوایل قرن ۲۱ رشد جمعیت سالمند در آنها سرعت بیشتری پیدا کرده است. (شیخی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲) با وجود سیاست‌های کاهش باروری و تمایل مردم به آن، هنوز سیاست‌گذاری مدوئی برای رده سنی سالمند انجام نشده است؛ از این رو آسیب‌های وارده به سالمندان بیشتر خواهد بود.

در هر صورت واگذاری نقش خانواده به نهادهای دولتی و خصوصی، سبب رنجش والدین پیر و سالمند می‌شود. (بستان و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۲)؛ زیرا سالمندان به طور معمول از فرزندان خود توقع حمایت همه‌جانبه دارند و این توقع به عنوان یک فرهنگ، از سالیان دور در سالمندان نهادینه شده است، به خصوص که از نظر اخلاقی و دینی هم، بی‌مبالاتی به سالمندان خانواده - مخصوصاً والدین - امری بسیار ناپسند است. در دیدگاه اسلامی نیز این را مشاهده می‌کنیم؛ زیرا دین مبین اسلام، به روابط درون خانواده بسیار اهمیت می‌هد و این روابط را در بُعد عاطفی و حتی مالی تنظیم می‌نماید. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

آن کس که با بغض و کینه به والدینش که حتی به او ستم کرده‌اند بنگرد، نمازش مقبول

نیست. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۴۹)

روایات دیگری هم از این دست وجود دارد که نشان دهندهٔ اهتمام اسلام به روابط عاطفی درون خانواده است. همین طور در جنبه‌های مالی نیز بر حمایت خویشاوندان از یکدیگر تأکید می‌کند، که در این مورد می‌توان از حکم فقهی انفاق خویشاوندان نسبت به یکدیگر نام برد. (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱-۲، ص ۲۹۶) این حکم در میان فرزندان و والدین، جنبهٔ وجوبی دارد و برای دیگر خویشاوندان، جنبهٔ استحبابی. به طور قطع چنین احکامی سبب استحکام روابط خانوادگی خواهد شد و برای سالمندان آرامشی روحی فراهم خواهد کرد.

### ۳-۷. رفاه‌زدگی و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی

با کاهش جمعیت، سطح رفاه اقتصادی خانواده و - در سطح کلان‌تر - جامعه، بالا می‌رود؛ در نتیجه الگوهای مصرف تغییر می‌کند و عوارض رفاه‌زدگی، در سطح جامعه نمایان می‌شود که از جملهٔ آن رواج فرهنگ مصرف‌گرایی است. انسان‌ها بیشتر تولید می‌کنند تا بیشتر مصرف کنند و این خود، عامل اسراف می‌شود که در فرهنگ دینی، بسیار ناپسند است.

اثر دیگر رفاه‌زدگی، دنیاطلبی و لذت‌گرایی است که سبب می‌شود افراد، تکامل معنوی خود را به فراموشی بسپارند و از هدف حقیقی حیات غافل بمانند. اصولاً اگر رفاه با دین محدود نشود، موجب طغیان و سرکشی خواهد بود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (سورهٔ علق، ۶) قرآن کریم، این نوع رفاه‌زدگان سرکش را «مترفین» می‌نامد. «مترف به معنای ثروتمند است؛ یعنی کسی که به او نعمت زیاد داده شده که در صورت عدم ایمان، سبب طغیان و سرکشی است». (قرشی، ج ۱، ص ۲۷۲) غیر از این موارد، رفاه، همانند فقر می‌تواند سبب بالا رفتن انحرافات در سطح اجتماع هم بشود؛ با توجه به پیامدهایی که کاهش جمعیت در سطح خانواده داشت، اضافه شدن رفاه، سبب می‌شود که بسیاری از مشکلات، از خانواده فراتر رفته و به معضلات اجتماعی تبدیل شوند (خودکشی‌ها، انواع اعتیاد، انحرافات جنسی و... افزایش می‌یابد)؛ لذا جامعه‌ای که می‌توانست یک جامعهٔ پویا و آرمانی باشد، تبدیل به جامعه‌ای بیمار خواهد شد. مبارزه با این انحرافات اجتماعی هم توان زیادی از جامعه می‌برد و آن را دچار فرسایش می‌کند.

## ۸-۳. زمینه سلطه‌پذیری فرهنگی

عواملی مانند کاهش جمعیت و سستی نهاد خانواده در یک کشور، اساساً سبب کم‌رنگ شدن فرهنگ آن کشور در جهان می‌شود؛ چون تعداد افراد کمتری حامل آن فرهنگ خواهند بود. از طرفی سبب کاستن اقتدار امنیتی نیز می‌شود؛ زیرا رابطه مستقیمی بین قدرت ملی و جمعیت وجود دارد. زیاد بودن جمعیت یک کشور، قدرت چانه‌زنی آن را بالا می‌برد و بر روابط بین‌الملل و بُردارهای قدرت تأثیرگذار است و بالعکس، کاهش جمعیت، کاهش اقتدار و زمینه سلطه فرهنگی را فراهم می‌کند (به خصوص که با از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها، فرهنگ عامه هم به نوعی تهی شده است و سستی نهاد خانواده نیز انتقال فرهنگی را کاهش داده است)؛ زیرا اگر نزاعی بین‌المللی صورت گیرد، عامل تعداد نفرات، در موفقیت کشور غالب، بسیار مؤثر خواهد بود، که در صورت پیروزی، علاوه بر سلطه نظامی، فرهنگ خود را نیز به کشور مغلوب، تحمیل خواهد کرد.

## نتیجه‌گیری

نتیجه بحث را در این موارد می‌توان خلاصه کرد:

۱. رفاه اقتصادی، عدالت، و سیاست‌های استعماری، سبب گرایش به کاهش جمعیت در جوامع است.
۲. کاهش جمعیت در دو بخش خانواده و اجتماع، بر روابط انسانی اثر می‌گذارد.
۳. این اثرات، شامل تغییر شکل خانواده، تک‌فرزندی، قطع صلۀ ارحام و کاهش حمایت‌های خانوادگی است که هرکدام از این موارد، عواقب متعدد دیگری دارد. به موازات تغییر روابط درون خانواده، پیامدهای کاهش جمعیت در سطح جامعه نیز نمایان می‌شود که شامل از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها، بروز سالمندی و پیری جمعیت، رفاه‌زدگی و سلطه‌پذیری فرهنگی خواهد بود.

## پیشنهادها:

- پیشنهاد می‌شود برای کنترل پیامدهای کاهش جمعیت در ارتباطات انسانی، موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد:
- سیاست‌های کنترل جمعیت، با نگاهی عمیق و هوشمندانه و آینده‌نگری لازم تدوین شود؛

- به طوری که هم از پیامدهای کاهش جمعیت در امان باشیم و هم مشکلات افزایش جمعیت گریبان‌گیرمان نشود.
- روش‌های ازدواج آسان، از سوی دولت تبلیغ شده و در سطح جامعه نهادینه شود.
  - تعالیم اسلامی در مورد اهمیت خانواده و وظایف افراد خانواده در قبال یکدیگر، در سطح اجتماع تبیین شود.
  - سیاست‌های تشویقی، برای رفاه خانواده‌های پرجمعیت اعمال شود.
  - وضعیت زنان خانه‌دار، از لحاظ ارزشی، بهبود یابد و برای تحصیلات و کار زنان در درون خانه، سیاست‌گذاری شود.
  - در رسانه‌ها، از یک سو در مورد جایگاه خانواده و به خصوص در مورد مزایای خانواده گسترده آگاهی بخشی شود و از سوی دیگر نقش بزرگان خانواده، برای آنان تبیین شده و مرز دخالت‌های ناپجا و بجا روشن شود.
  - سیاست‌گذاری‌های مدوئی در قبال وضعیت سالمندان ایجاد شود و در عین حال که به رفاه و سلامت آنان توجه می‌شود، اولویت نگهداری آنان برعهده فرزندان باشد و دولت، تنها سیاست‌های حمایتی، مانند بیمه تکمیلی، گسترش طب سالمندی و ... را اعمال نماید تا از سنگینی مسئولیت فرزندان کاسته شود و سالمندان نیز از محیط خانواده طرد نشوند.

## فهرست منابع

### \*قران کریم

۱. آنتونی گیدنز، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ بیست و دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۲. آشفته تهرانی، امیر، **جامعه‌شناسی و آینده‌نگری جمعیت ایران**، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۳. افلاطون، **جمهوریت**، مترجم: محمد حسن لطفی، چاپ اول، تهران: خوشه، ۱۳۵۳.
۴. بروس کوئن، **درآمدی به جامعه‌شناسی**، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ بیست و ششم، تهران: توتیا، ۱۳۸۴.
۵. بیرو، آلن، **فرهنگ علوم اجتماعی**، چاپ دوم، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
۶. بستان، حسین و همکاران، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۷. تقوی، نعمت الله، **جمعیت و تنظیم خانواده**، چاپ دوم، تبریز: روان پویا، ۱۳۷۷.
۸. تهرانی، سید محمد حسین، **کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین**، چاپ دوم: مشهد، نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۲۵.
۹. حسنی، محمدرضا، **بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر مضمیقه ازدواج و تجرد دختران (تحلیلی بر تجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی؛ چالش‌ها و راهکارها)** «نشریه: معرفت، سال بیست و دوم شهریور ۱۳۹۲ شماره ۱۸۹».
۱۰. حلی، نجم الدین، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام**، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم: ۱۴۰۸ق.
۱۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
۱۲. دشتلند، کلود و کلود دشنه، **جمعیت جهان؛ چالش‌ها و مسائل**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.
۱۳. دلاوری، مجید و طاهره خباری کوتشیخ، «**بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی بر تولید ناخالص داخلی در ایران**»، نشریه جمعیت، تابستان ۱۳۹۱ شماره ۸۰.
۱۴. ساروخانی، باقر، **درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی**، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۱۵. شرفی، محمد رضا و سهیلا خوشبین و احمد احمدی و حسین محمودیان، **دانش خانواده**، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۱۶. شیخی، محمد تقی، **جامعه‌شناسی سالمندی**، چاپ اول، تهران: نشر حریر، ۱۳۸۹.
۱۷. شیخی، محمد تقی، **جمعیت‌شناسی اجتماعی و اقتصادی**، چاپ دوم، تهران: انتشار، ۱۳۸۰.
۱۸. علی احمدی، امید، **باز تحلیل چالش‌های خانواده در زمینه تنگنا و تأخیر ازدواج در ایران**، چاپ اول، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۹. کارل پیک هارن، **کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند**، ترجمه: مسعود حاجی زاده، چاپ دوم، تهران: صابرین، ۱۳۷۹.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۱. فروتن، یعقوب «**بررسی جامعه‌شناختی تحولات سالخوردگی جمعیت ایران**»، نشریه: علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شهریور ۱۳۸۰ شماره ۱۵.
۲۲. قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۲۳. قائمی، علی، **خانواده و مسائل سالمندان**، چاپ دوم: تهران: انتشارات اولیا و مریمان، ۱۳۶۹.
۲۴. ویلیام جی گود، **خانواده و جامعه**، ترجمه: ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.

## بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان

اکرم حبیبی خاوه<sup>۱</sup>

### چکیده

تربیت دینی به عنوان یکی از ابعاد تربیت، از آغاز اسلام دچار موانعی برای دستیابی به مبانی دینی بوده است. از جمله این موانع، موانع محیطی است که ناپهنجاری خانواده، مدرسه، دوستان، اجتماع و محیط طبیعی را شامل می شود. فرد در تعامل با محیط، رشد می کند و دچار گرایش های متفاوت با دین و یا متعارض با آن می شود. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت عنصر محیط برای متصدیان امر تربیت، به جهت عملکرد موفق در انجام برنامه ها، به بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان می پردازد و بیانگر این مطلب است که محیط نامناسب، سبب انحراف از مسیر درست تربیت می شود. بنابراین، با کاوش در این مسئله، در جهت برطرف نمودن موانع و کاستن آسیب های محیط بر تربیت دینی گام برمی دارد. روش کار این مقاله، کتابخانه ای، اسنادی و به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مورد نیاز تربیتی است.

**واژگان کلیدی:** تربیت دینی، مانع، محیط.

## مقدمه

تربیت، از آغاز خلقت انسان به عنوان مسئله‌ای اصلی مطرح بوده است و از بنیادی‌ترین نیازهای بشر محسوب می‌شود که در همهٔ امور جاری زندگی تأثیر اساسی دارد. یکی از مباحث مهم مطرح شده در این حوزه، تربیت دینی است. تربیت دینی، افراد را به بالاترین مقامات انسانی نائل می‌نماید و تربیت غیردینی، سبب سقوط انسان (باقری، ۸۵، ص ۱۷) و مانع از رسیدن به قرب الهی می‌شود. انسان‌ها در جوامع صنعتی کنونی، از لحاظ مسائل تربیتی دچار مشکل هستند که بسیاری از این مشکلات براساس روش‌های تربیتی نادرست و غیردینی ایجاد می‌شود (باقری، ۸۵، ص ۱۰). از آنجا که دین، تمام ابعاد وجودی انسان را به خوبی تربیت می‌کند؛ تربیت دینی «آن جنبه از تربیت است که کودکان و نوجوانان را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند، مبانی اعتقادی را در آنان رشد می‌دهد، آنان را پایبند به اصول و عامل به فروع بار می‌آورد و فطرت الهی و انسانی را بارور می‌سازد» (احمدی، بی تا، ص ۲۸). آیات و روایات، وراثت و محیط را دو عامل مهم در تربیت انسان بیان می‌کند (مطیعی طالقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۷). وراثت حاکی از صفاتی است که توسط ژن موجود در کروموزوم، از پدر و مادر به انسان منتقل می‌شود و شخصیت انسان را می‌سازد (برک، ۱۳۹۱، ص ۷۳). با گذر از تأثیر مهم وراثت، انسان در زندگی تجربیاتی کسب می‌کند که محصول تأثیر متقابل میان فرد و محیط است (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۸۰). «براساس تحقیقی که انجام شده است، بیش از هشتاد درصد ناسازگاری‌ها به علت وجود محیط نامساعد است» (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۹۱) که با کمی تحقیق در جامعه و به خصوص در مراکز اصلاح تربیت و زندان‌ها، با توجه به کم شدن سن مجرمین و نیز نوع جرایم صورت گرفته (به عنوان نمونه: اعتیاد، کلاهبرداری، قتل، خشونت و...) و به طور کلی بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی، می‌توان دریافت که تأثیر محیط بر تربیت، امری غیرقابل انکار است. در مورد موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و تنها در کتاب آسیب شناسی تربیت دینی (موانع و راهکارها) به طور مختصر، کلی و گذرا و تنها به صورت معرفی، به این موضوع اشاره شده است که محیط می‌تواند مانع از تربیت دینی صحیح شود. هدف از نگارش، بررسی موانع محیطی است تا در خودسازی، اقدام‌های تربیتی توسط خود فرد و یا مربیان او صورت پذیرد و با شناخت این موانع، تأثیرات آن بر افراد کاسته شود، یا از میان رود تا برای جلوگیری از سقوط و تحقق کمال، از آن بهره بُرد.





۱۳۸۷، ص ۱۴) و یا سرکوب کردن. تربیت دینی سبب استفاده صحیح از گزینه جنسی می شود و انسان وقتی از پس نیروی شهوت خود برآید، می تواند به کنترل رفتارهای خود بپردازد.

## ۲-۱. اخلاق علمی

تربیت علمی یعنی دستیابی به آگاهی منظم و قاعده مند که بدون در نظر گرفتن فضایل و رذایل اخلاقی، گاه موجب حجاب بر قلب انسان می شود. یکی از اهداف تربیت علمی، فراگیری «معرفت گزاره ای» شامل مسائل، قوانین و نظریه های خاص مربوط به علم و رشته های علمی است؛ به این معنا که برخی امور واقعی اند. با این حال، معرفت گزاره ای، تنها شناختی نیست که باید در تربیت علمی کسب شود (مارتین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱)؛ بلکه در تربیت علمی باید طبق موازین دینی وارد مسائل و قوانین شد تا بتوان قوانین کلی را با دین تطبیق داد و عملکرد معینی داشت.

## ۳-۱. اخلاق سیاسی

تربیت سیاسی، فرآیندی است که در آن افراد به وسیله اخلاق اسلامی و اصول دینی، زمینه را برای رسیدن به مدینه فاضله مهیا می کنند. هدف از اخلاق سیاسی، آشنا ساختن افراد با کمالات انسانی است و در این فرآیند، فرد می آموزد که ابتدا محیط را بشناسد و سپس براساس آموزه های دین، آن را تجزیه و تحلیل کند و موضع دین مدارانه داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

## ۴-۱. اخلاق اقتصادی

افراد در شرایط دشوار اقتصادی، در مقابل آموزه های دینی - از جمله نگهداری خود در مقابل مال دیگران - قرار می گیرند. فقر یکی از عوامل ایجاد انحرافات، از جمله دزدی است (نعمت الهی، ۱۳۷۹، ص ۱۹). تربیت دینی سبب می شود افراد در موقعیت های مختلف، به کنترل خود و مبارزه با مفاسد و سالم سازی اخلاقی در اقتصاد خود بپردازند و برای چاره جویی، به سرقت، کلاهبرداری و زیر پا گذاشتن قوانین و اخلاق روی نیاورند (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

## ۵-۱. اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی یعنی اینکه فرد در برابر مردم، اهل معاشرت باشد. در واقع زندگی اجتماعی دارای ماهیت اجتماعی است؛ از طرفی نیازها، بهره‌ها و کارها، ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم آنها در داخل یک سلسله سنن میسر نیست، از طرف دیگر نوعی از اندیشه‌ها، ایده‌ها و خلق و خوی‌ها بر عموم حکومت می‌کند که به آنها وحدت می‌بخشد (مطهری، جامعه و تاریخ، ۱۳۸۹، ص ۱۸). در تربیت دینی، افراد باید متحدانه و براساس صفات پسندیده اخلاقی و دوری از صفات ناپسند، با یکدیگر برخورد داشته باشند و نظم را رعایت کنند.

## ۲. تربیت اعتقادی

اعتقادات ریشه اصلی تفکر را دربر می‌گیرند و انسان براساس آنها تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. آموزه‌های دینی و ترویج و تقویت آنها، تعالی معنوی انسان را تضمین می‌نماید (عبدالوهاب کریمی، ۱۳۸۹، ص ۷۶). تربیت اعتقادی به عنوان بُعدی از تربیت دینی، اعمال درونی و بیرونی انسان را جهت‌دهی و کنترل می‌کند؛ به طوری که سبب می‌شود فرد در موقعیت‌های مختلف، براساس تعالیم دینی گام بردارد.

## ۳. تربیت عبادی

با توجه به نقش احکام عبادی در رفتارهای فردی و اجتماعی، تربیت عبادی سازنده ساختار فکری افراد است. طبیعت و قوانین تحوّل، به گونه‌ای است که در مواجهه با بحران‌ها در حد ظرفیت انسان را به تحرک و تعالی رهنمود می‌کند (عبدالعظیم کریمی، ۱۳۸۸، ص ۸۰). در تربیت دینی اگر تحرک همسو با احکام عبادی باشد، موجب پیشگیری از وقوع انحراف در اعمال می‌شود و انسان را به کمال می‌رساند.

## موانع محیطی تربیت دینی

انسان به دلیل غریزه بی‌نهایت طلبی، برای رسیدن به مقصود خود، راه‌های متنوعی را در برابر خویش می‌بیند که اگر به درستی تربیت نشده باشد، راه نادرست را ترجیح می‌دهد. امروزه موانع

بسیاری بر سر راه تربیت نسل حاضر وجود دارد که سبب انحراف انسان از مسیر تربیت صحیح می شود. بنابراین، باید با رفع این موانع زمینه مناسب برای تربیت فراهم شود. یکی از موانع تربیتی، موانع محیطی است که به آن پرداخته می شود:

## ۱. خانواده غیردینی

خانواده - مخصوصاً پدر و مادر - بیشترین تأثیر را در تربیت فرد دارند. آنان در صورتی که از اعتدال تربیتی در گفتار و رفتار دور شوند و دچار تناقض باشند، نقش بازدارندگی خواهند داشت و راه تربیت را مسدود می کنند. در مکتب تربیتی اسلام، به نقش تربیتی خانواده در دوره های زندگی توجه ویژه ای شده است و بزرگان دینی تأکید فراوانی بر این عنصر داشته اند. قرآن کریم نیز به خانواده و مسئولیت آن در تربیت اشاره می کند و می فرماید: «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهیلکم نارا» (تحریم: ۶) که این نشانگر اهمیت محیط خانواده است. خانواده مهم ترین بخش هر جامعه است که والدین در آن از طریق الگوها، معیارها و پاداش ها و تنبیه ها، بیشترین نقش را در شکل گیری ابعاد شخصیتی یک انسان ایفا می کنند. اگر مادر به خاطر شغل و درآمد و یا مدرک تحصیلی، حق مادری خدادادی را از فرزندش دریغ کند و بدتر از آن، پدر به جای ایجاد آرامش، عصبانیت ناشی از خستگی کار را به خانه بیاورد، تربیت فرزند به مخاطره می افتد (هاشمی محجوب، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱۵). خانواده به همان اندازه که نقش مؤثر در تربیت دینی دارد، در صورت عدم شایستگی دینی، بازدارنده این امر خواهد بود. عملکرد منفی خانواده در تربیت دینی را می توان به دو دوره تقسیم کرد:

### ۱-۱. دوران قبل از تولد

رفتارهای والدین قبل از انعقاد نطفه، در تربیت دینی تأثیرگذار است. این موضوع توسط بزرگان دینی نیز مطرح شده است. شاید برای به وجود آمدن ذریه ای پاک بود که پیامبر ﷺ قبل از انعقاد نطفه فاطمه زهرا علیها السلام - از جمله روزه داری به مدت چهل روز - را انجام دادند. تغذیه مادر در ایام بارداری، در اخلاق و هوش کودک تأثیر می گذارد؛ زیرا اعصاب و مغز کودک از غذای مادر شکل می گیرد. اسلام نیز تصریح کرده که غذای مادر در پرورش اخلاقی کودک مؤثر است (امینی، ۱۳۷۵، ص ۳۹). بنابراین، محیط رشد جنین - که در آن مادر به طور مستقیم و پدر به صورت غیرمستقیم مؤثر

هستند. (مطیعی طالقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۴) نیاز به توجه و مراقبت دارد و در صورت عدم توجه به رعایت شئون اسلامی و آلودگی رفتارهای والدین به مسائلی از قبیل زنا، غیبت، تهمت، استفاده از مال حرام و غیره، تربیت دینی کودک در خطر قرار می‌گیرد و باعث انحراف از مسیر صحیح تربیت می‌شود.

## ۲-۱. دوران بعد از تولد

خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی که فرد در آن قرار می‌گیرد و به آن محیط اعتماد می‌کند، نقش بی‌بدیل در تربیت به طور کلی و در تربیت دینی به طور خاص دارد. نوع عکس‌ها و پوسترهایی که بر دیوار خانه نصب می‌شود و نوع برنامه‌های صوتی و تصویری و نیز کتاب‌ها و مجلاتی که وارد خانواده می‌شود، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد و نگرش او را به دین شکل می‌دهد. رفتارهایی که در خانواده انجام می‌شود، بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد. نوع سخنان و گفتگوهایی که در خانواده میان والدین و دیگر اعضا مطرح می‌شود، لحن سخن گفتن، استفاده از الفاظ احترام‌آمیز یا زشت و رکیک، بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد. انتظارات والدین و خانواده از تربیت کودک، اینکه فرزندشان متدین تربیت شود یا خیر و یا چه اندازه به آموزه‌های دینی پایبند باشد نیز در شکل‌گیری شخصیت دینی کودک تأثیر بسزایی دارد. میزان کنترل والدین بر رفتار کودکان و راهنمایی مناسب آنان در امور دینی، نقش مهمی در تربیت دینی آنان دارد. همچنین نوع روابط خانوادگی تأثیر زیادی در تربیت دینی فرزندان دارد، ارتباط خانواده با خانواده‌هایی که پایبندی چندانی به دین ندارند، تأثیر منفی بر تربیت فرزندان خواهد داشت (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳، ۱۰۴). در موارد بیان شده، در صورت کج‌روی والدین به علت وابستگی و الگوگیری فرزندان از آنان، منجر به انحراف دینی فرزند می‌شود. در عصر حاضر توجه به موقعیت اجتماعی فرزند در بین افراد و اینکه نیازهای اقتصادی آنان را برطرف شود، بر تربیت صحیح‌تری یافته و در این صورت عوامل به ظاهر کمک‌کننده تربیت، خطر انحراف را زیاد کرده است. از آنجا که محیط اثر مستقیمی در شکل‌گیری تربیتی فرد دارد، رشد کودک در خانواده متدین اهمیت می‌یابد (صادق‌زاده قمصری، حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲). بنابراین اگر خانواده این اصل مهم، یعنی تربیت دینی را به طور مناسب ایفا نکند، آموزش دینی بدون پرورش آن، افکار و عقاید فرزندان را به مخاطره می‌اندازد. فرزند در خانواده تجربه کسب می‌کند و با استفاده از این تجربیات می‌تواند

به سوی کمال، صعود یا نزول کند و اگر خانواده به جایگاه خود بی توجه باشد و موازین دینی را رعایت نکند، نمی‌تواند عملکرد تربیت دینی خود را به خوبی ایفا کند. شتابزدگی و در نظر نگرفتن ظرفیت‌های فرزند، نتیجه معکوس دربر خواهد داشت. رسالت سنگین و اساسی خانواده‌ها در ارتباط با فرزندانشان، پرورده ساختن عقل و رشد خرد آنان است. در این باره خانواده باید پس از راهنمایی و ارشاد برخی از موارد لازم و ضروری، تصمیم‌گیری را به خود کودکان واگذار نمایند. پس پدران و مادران باید در حد معمول و متعارف، به راهنمایی و ارشاد فرزندان خود بپردازند، ولی به تدریج بکوشند این راهنمایی و ارشاد، توسط فکر کردن خود کودکان انجام گیرد. آنان باید به تدریج فرزندان خود را با اصول اخلاقی و انسانی آشنایی دهند؛ همان‌طور که پیامبر بزرگوار، هدف نهایی از بعثت خود را اتمام مکارم الاخلاق اعلام می‌دارد (رشیدیپور، ۱۳۷۳، ص ۳۵، ۳۰، ۲۹).

در خانواده سخت‌گیر، تحمیل و تلقین نظرات پدر و مادر بر فرزند، باعث درک نادرست فرزند در امور می‌شود و زمانی که او به رشد عقلی می‌رسد، خود را آماده می‌بیند که با این افکار تحمیلی به مقابله بپردازد. خانواده‌های سهل‌گیر نیز بی تفاوت به شکل‌گیری رفتار دینی در فرزندشان، سبب بروز نابسامانی در رفتار او می‌شوند. هنگامی که والدین تصمیم می‌گیرند طرز غذا خوردن، لباس پوشیدن، شستشو و امور مانند اینها را به کودک بیاموزند، کودک زمانی این‌گونه امور را فرا می‌گیرد که آماده برای فهم و انجام آنها باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). در تربیت دینی نیز همین‌طور است؛ اگر پدر و مادر به‌طور تحمیلی و در صورت آماده نبودن فرزند، به تربیت وی بپردازند، او دچار شک در آرا و عقایدش می‌شود و در صدد مقاومت و ایستادگی در برابر ارزش‌ها برمی‌آید و سهل‌گیری نیز سبب عدم پذیرش و بروز رفتار دینی می‌شود که این خود مانع از تربیت درست است؛ لذا رفتار و برخورد والدین با فرزندان و نیز عدم ثبات رفتار دینی آنان مانع از این مهم می‌شود. در تربیت دینی، والدین ابتدا باید ذهن و موقعیت فرزند خود را آماده سازند و در پرتو محبت و صداقت، افکار و عقاید فرزند را جهت‌دهی کنند و بعد به آموزش احکام و سایر امور دینی بپردازند.

## ۲. مدرسه ناکارآمد

یکی از شرایط اساسی تربیت، مدارس و مراکز رسمی تعلیم و تربیت است. مدرسه عامل مهم در پرورش و تربیت انسان است. اکثر والدین در دوران کودکی که فرزندان‌شان نیاز به آموزش و

کسب مهارت دارند، قسمتی از این امر مهم را به مدارس واگذار می‌کنند تا شاهد پیشرفت علمی و تربیتی فرزندشان باشند. برای دستیابی به این مهم می‌بایست تربیت این محیط و محیط خانواده همسو باشد؛ چراکه «تربیت انسان، شرایط، لوازم و مقتضیاتی دارد که چنانچه جمع شود، تربیت نتیجه‌ای قابل قبول خواهد داشت» (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۸۰). در مدرسه الگوهایی مانند معلمان و مدیران وجود دارد که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان تأثیر دارند، در صورتی که مدرسه عملکرد نابسامانی در تربیت دینی داشته باشد و یا بی‌توجه به آن، اقدام به تربیت افراد کند، می‌تواند به‌عنوان مانعی جدی برای تربیت دینی قلمداد شود؛ بنابراین بر تمام مسئولان امر تربیت لازم است که شرایط و لوازم تربیت صحیح را فراهم آورند و با دیدی خاص و مناسب، به نقش دین در تربیت توجه داشته باشند.

## ۲-۱. ساختار مدارس

از آنجا که از مدرسه به‌عنوان خانه دوم یاد می‌شود؛ ویژگی‌های خاص این محیط بر تربیت دینی و ساختار شخصیتی فرد تأثیرگذار است. در گذشته که اکثر مدارس در کنار مساجد یا زیارتگاه‌های بزرگ ایجاد شده بودند، حضور در مدرسه، هر آن افراد را به یاد مسائل مذهبی می‌انداخت، اما امروزه ساختار فیزیکی مدارس این‌گونه نیست (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۹). ساختار مدارس در عصر حاضر، شیوه و مدلی کاملاً متفاوت از قدیم دارد و به ساخت‌های غربی و مقابل فرهنگ کشور نزدیک‌تر است، که این خود نوعی مانع از تربیت دینی محسوب می‌شود. نحوه چینش و آرایش کلاس‌ها و راهروها و حیاط و وسایل مورد استفاده در مدرسه، نوعی از اندیشه را به فرد القا می‌کند. اگر این موارد با فرهنگ و تربیت دینی افراد همسو نباشد و یا ضد فرهنگ و تربیت دینی باشد، دانش‌آموزان به سمت گرایش‌های آن فرهنگ خواهند رفت. نوع معمول آرایش کلاس درس، این اندیشه را به دانش‌آموزان القا می‌کند که وظیفه آنان در مقابل معلم، تنها اطاعت بی‌چون و چراست. تأثیر ساختار ظاهری مدرسه به همین محدود نمی‌شود، با این وجود می‌تواند بر تربیت دینی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵) و مانعی بر سر راه آن باشد و افراد را به فرهنگ‌ها و ارزش‌های ضد دین متمایل سازد.

## ۲-۲. معلم و مربی

یکی از شرایط اساسی در امر تربیت، وجود معلمی شایسته است که توان تربیت دانش‌آموزان را داشته باشد. تأثیر ویژگی‌های شخصی و فردی معلم بر دانش‌آموزان، می‌تواند رفتار، نگرش، ارزش یا باور خاصی را در آنان ایجاد و تقویت کند و او را نزد دانش‌آموزان، محبوب یا منفور کند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). نوع صحبت کردن و بیان ارتباط، پوشش، حرکات و برخورد و در مجموع اخلاق فردی و اجتماعی معلم، می‌تواند یک دانش‌آموز را به درجات والای انسانی برساند. اهمیت وجود معلم و نقش آن بر تربیت، تا حدی است که امام خمینی رحمته الله علیه در این رابطه می‌فرماید:

معلم امانت‌داری است که غیر همه امانت‌ها، انسان امانت اوست. امانت‌های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند خلاف کرده است، لیکن یک قالی را که به او امانت داده بودند از بین برده است؛ در جامعه یک چیزی [مشکلی] درست نمی‌شود، یک شخصی ضرری کرده است و این هم باید ضرر او را جبران کند. اما امانت اگر انسان شد، اگر یک طفل قابل تربیت شد، اگر خدای نخواستہ این امانت به آن خیانت شد، یک وقت می‌بینید خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. بنابراین، شغلی در عین حال بسیار شریف است و بسیار بزرگ است، چنانچه مسئولیت انبیا هم بسیار بزرگ بود (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۹۸).

در بیان حضرت امام رحمته الله علیه، وجود معلم صالح در تربیت دینی، انسان‌سازی می‌کند؛ از این رو اگر متولیان و متصدیان امر تربیت دینی در انتخاب معلم شایسته و صالح بی‌دقتی عمیق داشته باشند و مسیر را برای انسان‌سازی بسته نگه دارند، مانعی عظیم را جلوی امر تربیت دینی قرار داده‌اند که تأثیر مخربی برجای خواهد گذاشت.

روش تدریس معلم در کلاس، در امر تربیت دینی مؤثر است. روش تدریس معلم محور و مبتنی بر کتاب درسی، باعث انسداد روحیه تحقیق و نشاط و عاملی برای دین‌گریزی در آموزش دین خواهد بود (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۴). در تدریس دین، توجه به این اصل که اعتقادات و اخلاقیات فرد را به همراه خواهد داشت و این مطلب که دانش‌آموزان نباید تنها به حفظ مطالب و گذراندن این واحد درسی بسنده کنند، از ضروریات است. یکی دیگر از اشتباهات در حوزه روش تدریس، رواج شبه‌تربیت به جای تربیت است؛ «در تربیت آنچه مهم است، اقناع استدلالی و روحی



دانش‌آموزان است، اما در شبه‌تربیت، دستگاه تعلیم و تربیت سعی می‌کند به جای استدلال و اقتناع علمی، از عادت دادن دانش‌آموزان و تلقین نمودن مطالب و یا در آخر اگر از دو شیوه فوق حاصل نشد، از شیوه تحمیل استفاده نماید» (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۲). در این نوع تربیت دانش‌آموزان هیچ‌گونه تحرک و تجربه‌ای از خود ندارند و منفعلانه به مسائل دینی می‌پردازند. در چنین حالتی این امکان وجود دارد که نوع تربیت اتخاذی سبب شود فرد در دوران بعد از تحصیل، آموزه‌های خود را به فراموشی بسپارد و یا در مقابل آنان مقاومت کند. این مسئله از آنجا که برخی متولیان امر تربیت نسبت به آن بی‌توجه و یا بی‌خبرند، مانعی برای تربیت دینی به حساب می‌آید. شیوه تربیتی معلمان نیز، در تربیت دانش‌آموزان سبب گرایش یا عدم گرایش آنان به دین می‌شود. در آموزه‌های دینی، به این مسئله توجه شده است و از آن به عنوان یک اصل مهم یاد شده است. خداوند در قرآن کریم از شیوه‌های متنوع و متعددی برای تربیت افراد با توجه به تفاوت‌های فردی و شخصیتی هرکدام که نوعی از تربیت را می‌پذیرند استفاده کرده است. توجه به این مسئله یکی از بنیادی‌ترین ضوابط و قاعده‌های تربیتی است، اما امروزه عموم شیوه‌های تربیتی در مدارس، به دنیای مادی دانش‌آموزان می‌پردازد (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۲-۴۱) که این سبب غفلت از امور معنوی و دینی و توقف امر تربیت می‌شود.

در دنیای معاصر که تکنولوژی حتی وارد جنبی‌ترین امور زندگی بشر شده است، استفاده از آن توسط معلمان، دانش‌آموزان را در مسائل دینی فعال می‌کند و باعث نوآوری و خلاقیت آنان در این زمینه و علاقه‌مندی بیشتر به امور دینی می‌شود. در این راستا ضروری است به سازگاری مناسب با فرهنگ افراد توجه کرد. تکنولوژی تأثیر فراوانی بر زندگی اجتماعی و فردی دارد و چنانچه انسان، سازمان تجهیزاتی را که در اختیار دارد نشناسد، تصمیم‌های خلاقانه نمی‌گیرد (ناصر، ۱۳۸۰، ص ۳۶). در محیط مملو از تکنولوژی روز، هنوز مدارس به این مهم مجهز نشده‌اند و یا در صورت تجهیز، با عدم استفاده مناسب از این تجهیزات و توجه نکردن به باورهای دینی و فرهنگ جامعه، مانع از تربیت مناسب در امور دینی می‌شوند.

### ۲-۳. کتاب‌های درسی

آنچه که معلم و شاگرد بر روی آن تمرکز دارند، محتوای کتاب‌های درسی است. معلم طبق

برنامه‌ریزی اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش و محتوایی که به دست ایشان می‌رسد، به تربیت علمی و اخلاقی افراد می‌پردازد. دانش‌آموزان نیز هرآنچه که معلم به آنان آموزش می‌دهد را با باوری بی‌نهایت، قبول می‌کنند. نوع برخورد برنامه‌دینی با دین، تأثیرهایی متفاوت بر تربیت دینی دانش‌آموزان دارد؛ برای مثال، بدون در نظر داشتن آموزش‌های دینی در برنامه‌دینی، این تصور به دانش‌آموزان القا می‌شود که دین و آموزه‌های آن، حتی به اندازه حرفه‌ای مانند نجاری ارزش ندارد (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴). محتوای آموزشی در مدارس عصر حاضر بیشتر توجه و تأکید بر جنبه‌های علمی و حرفه‌ای دارند و کمتر به دین و اخلاقیات می‌پردازند. حتی کتاب‌های دینی، در تفهیم و باور عقاید و آموزه‌های دینی به دانش‌آموزان ناتوانند. «اکثر کتاب‌های دینی، از ضعف محتوا و ضعف تألیف و ساختار برخوردار هستند و این کتاب‌ها با فناوری جدید آموزشی بیگانه‌اند» (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). این مطلب از آن جهت که دانش‌آموزان تأثیر زیادی در موضوع فرهنگ و دین، از مدرسه و محیط آن می‌گیرند، اهمیت به توجه در بازنگری محتوایی را دو چندان می‌کند؛ چرا که دانش‌آموزان نیمی از وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند و والدین نیز در اثر کوتاهی، برخی از وظایف خود را به مدرسه و متولیان آن واگذار می‌کنند.

### ۳. دوستان و همسالان ناشایست

انسان در سنین مختلف (از کودکی تا به هنگام مرگ) در مراحل گوناگون، با گروه دوستان و همسالان خود در ارتباط است و از آنان به طور مستقیم و غیرمستقیم الگوگیری می‌کند. ارتباط با همسالان، تعاملی بین دو یا چند نفر به قصد رسیدن به هدف مشترک است (لیزینا، ۱۳۷۵، ص ۲۰۹۲۰۸). انسان همواره به دلیل شرایط مشابه سنی، تحصیلی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و... احساس درک یکسان با دوستان خود دارد. آنان گاه به علت مشکلات مشابه، تا عشق ورزیدن پیش می‌روند و با یکدیگر انس می‌گیرند (سعیدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵) و این رابطه دوستانه تا جایی پیش می‌رود که فرد به طور ناآگاهانه و عدم تجزیه و تحلیل مناسب عقلی و عاطفی، صرفاً تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرد و آرا و عقایدشان را می‌پذیرد و گاه در این رابطه زیان‌های جبران‌ناپذیری به دین، اخلاق، اموال و خانواده او وارد می‌شود (بابازاده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). بر این اساس، در صورتی که در انتخاب دوست توجه نشود، گروه دوستان و همسالان از طریق الگو دادن، تقویت یا تنبیه

رفتارهای فرد و یا ارزش‌یابی فعالیت‌های فرد، رفتار و نگرش فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹) و با تحمیل عقاید و یا همراه کردن فرد در افکار نابه‌جا سبب انحطاط او می‌شوند؛ بنابراین، نقش دوستان و همسالان در تربیت دینی و شکل‌گیری رفتارهای فرد به حدی است که می‌تواند انسان را به سمت کمال پیش ببرد و یا در جهت مخالف کمال به عقب براند.

#### ۴. اجتماع غیردینی

محیط اجتماع، در عصر حاضر که شاهد تهاجم فرهنگی از سوی فرهنگ‌های بیگانه با دین است، یکی از موانع تربیت دینی به‌شمار می‌آید. انسان موجودی اجتماعی است، در جمع و جامعه رشد می‌کند، از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و خود نیز بر اجتماع و دگرگونی‌های بشر اثر می‌گذارد (قائم‌امیری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴). شرایط و عوامل انسانی و غیرانسانی در جامعه، سبب بروز رفتارهای متفاوت از انسان می‌شود و تربیت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر جامعه دینی و مذهبی باشد، تربیت امری دست‌یافتنی است و در غیراین صورت، شرایط جامعه غیردینی مانعی برای دستیابی به تربیت به‌شمار می‌آید (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۸۵). افراد در اثر عدم فراگیری و عدم عقیده‌سازی آموزه‌های دینی، در تعارض با دین قرار می‌گیرند. در این رابطه نقش عواملی مانند وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر جامعه نیز دخیل است.

#### ۴-۱. وسایل ارتباط جمعی

اگر رسانه‌های گروهی مطابق با فرهنگ دینی و کنترل شده نباشد، زمینه برای تباه شدن جامعه و فساد افراد مهیا می‌شود. رسانه‌ها در جوار نهادهای دیگری که طرز تفکر جامعه را می‌سازند، نقش عمده‌ای در تربیت ایفا می‌کنند. ادعا می‌شود تفکر افراد، ناشی از دنباله‌روی افکار عمومی تبلیغ شده از سوی رسانه‌هاست (اعزاز، ۱۳۷۳، ص ۳۱). انسان در دهکده جهانی، به وسیله رسانه‌ها و مطبوعات، با فرهنگ و آداب و رسوم‌های مختلف آشنا می‌شود و از این طریق با شبهات زیادی روبه‌رو می‌شود. در مورد مطبوعات، رادیو یا تلویزیون، فنون نوین انتشار-تنها به این دلیل که این وسایل توده وسیعی را می‌پوشانند- به پیام‌های فرهنگی نوعی سودمندی می‌بخشد (کازنو، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰) که این سودمندی می‌تواند باعث شود فرهنگ و دین از سوی این رسانه‌ها مورد اختناق

قرار گیرد؛ بنابراین عدم کنترل و نظارت بر رسانه‌های گروهی، سبب ایجاد نوعی گرایش منفی نسبت به دین در افراد جامعه می‌شود و نوعی فرهنگ همسو با فرهنگ ضد دین‌داری را به وجود می‌آورد.

## ۴-۲. فرهنگ و ایدئولوژی

از جمله موانع اجتماعی بر سر راه تربیت، فرهنگ و ایدئولوژی غیردینی و باطل حاکم بر جامعه است. فرهنگ، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم زندگی را دربر می‌گیرد و در صورتی که به صورت غیراسلامی در جامعه رواج یابد، سبب نابهنجاری و انحطاط افراد می‌شود. ایدئولوژی در واقع به مفهوم نوعی اندیشه فلسفی، از نظر لغوی به معنای افکار است که بر اساس افکار، اراده و افعال ما سامان می‌گیرد و در واقع معیاری است برای اهداف و ارزش‌هایی که به موجب آنها زندگی شخصی ما شکل می‌گیرد (ناصر، ۱۳۸۰، ص ۲۵). بنابراین آنچه گفته شد، اگر فرد در فضایی باشد که ایدئولوژی آن فضا مناسب با دین نباشد و یا با نوعی فرهنگ متضاد با افکارش روبه‌رو شود، در مواجهه با این تضادها، افکار فرد جهت‌دهی می‌شود و تربیت دینی او را با مشکل مواجه می‌کند.

## ۵. محیط طبیعی

افراد در محیط‌های مختلف جغرافیایی تأثیرهای متفاوتی می‌گیرند و محیط در تربیت آنان دخیل است. محیط طبیعی در پیدایش برخی صفات اخلاقی مانند غفلت از یاد خدا و حالات جسمانی مانند سعادت و مرض، مؤثر است (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰). ابن‌خلدون نیز به تأثیر محیط طبیعی در انسان اشاره می‌کند و می‌گوید:

شادی بی‌اندازه در سیاه‌پوستان، آنان را شیفته رقص کرده است. دانش حکمت، علت این امر را انتشار روح حیوانی، به علت اینکه حرارت، هوا و بخار را متخلخل می‌سازد و بر کمیت آن می‌افزاید بیان می‌کند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۷).

بنابراین، محیط طبیعی می‌تواند نقش مثبت یا منفی در تربیت داشته باشد.

## نتیجه‌گیری

افراد، فرهنگ و آداب زندگی را از محیط دریافت می‌کنند. تحقیق حاضر با تمرکز بر رکن محیط، به نقش بازدارندگی آن در تربیت دینی پرداخته است و نشان می‌دهد که خانواده و مدرسه می‌توانند در صورت عدم شایستگی و پابندی به اصول ارزشی دین و نیز دوستان و اجتماع، در صورت ناکارآمدی و وجود گرایش‌های نامطلوب، در باور افراد نفوذ کرده و مانع تربیت دینی شوند. همچنین محیط طبیعی می‌تواند با پیدایش صفاتی، مانع دریافت یا تثبیت آموزه‌های دینی شود. اصلاح آسیب‌های موجود در محیط، برای رسیدن به مدینه فاضله در اسلام سفارش شده است. این مسئله توسط نظریه پردازان غربی نیز تصریح شده است. توجه به محیط، توجه به ارزش‌های انسانی است. در راستای تربیت دینی و علل و موانع آن، نباید از عوامل دیگر مؤثر در تربیت غافل شد؛ چراکه عوامل دیگری نیز وجود دارد که سبب گرایش به دین و یا عدم گرایش خواهند شد. برای نمونه، بسیاری از بزرگان دین در محیط همسو با دین‌داری رشد نیافته‌اند، اما به سبب تلاش‌های خود و دیگران و عواملی مانند وراثت، به مقامات والا دست یافته‌اند. با این وجود، تلاش این بزرگواران در زمینه اصلاح محیط پیرامون خود، بیانگر این مطلب است که محیط دارای اهمیت خاصی است.

## فهرست منابع

### قرآن کریم.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳. احمدی، احمد، «مفهوم تربیت دینی و راه‌های وصول به آن»، خلاصه مقالات تربیت دینی کودکان و نوجوانان، بی‌جا: دفتر مشاوره و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، بی‌تا.
۴. اصغری، محمد جواد، «موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن»، راه تربیت (ویژه تربیت قرآنی)، شماره ۱۳، سال ۵، ۱۳۸۹.
۵. اعزازی، شهلا، *خانواده و تلویزیون*، چاپ اول، بی‌جا: نشر مردنیز، ۱۳۷۳.
۶. امینی، ابراهیم، *آیین تربیت*، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۷. بابازاده، علی اکبر، *آیین دوستی در اسلام*، چاپ اول، بی‌جا: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۴.
۸. باقری، مهین، «نقش معلم در تربیت دینی کودکان به ویژه دختران»، حسن محمدی، سطح ۲، جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ۱۳۸۵.
۹. برک، لورا ای، *روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)*، ترجمه: یحیی سید محمدی، ج اول، چاپ ۲۱، تهران: ارسباران، ۱۳۹۱.
۱۰. بهشتیان، اکرم، رحیمی محمدی، زهره، *آسیب‌شناسی تربیت دینی (موانع و راهکارها)*، چاپ اول، قم: ظفر، ۱۳۸۷.
۱۱. خمینی، روح الله، *آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی رحمته الله علیه)*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
۱۲. داوودی، محمد، علی حسینی زاده، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۳. داوودی، محمد، *نقش معلم در تربیت دینی*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۱۴. رشید پور، مجید، *آموزش خانواده (آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی)*، چاپ سوم، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
۱۵. سعیدیان، فهیمه، «جوانان و تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن»، راه تربیت (ویژه تربیت اجتماعی، سیاسی)، شماره ۱۲، سال ۵، ۱۳۸۹.
۱۶. شریعتمداری، علی، *روانشناسی تربیتی*، چاپ ۱۹، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۱۷. صادق زاده قمصری، علیرضا و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، *آسیب‌شناسی تربیت دینی*، چاپ اول، تهران: تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۸. شریفی، احمدحسین، *آیین زندگی (اخلاق کاربردی)*، چاپ یکصد و ده، قم: معارف، ۱۳۹۲.
۱۹. قائمی، علی، *تربیت و بازسازی کودکان*، چاپ ۹، بی‌جا: انتشارات امیری، ۱۳۷۴.
۲۰. قائمی امیری، علی، *خانواده و فضا سازی دینی*، چاپ اول، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۹.
۲۱. کازنو، ژان، *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، چاپ دهم، تهران:

اطلاعات، ۱۳۸۷.

۲۲. کریمی، عبدالعظیم، *راهبردهای روان شناختی تبلیغ*، چاپ دهم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸.
۲۳. کریمی، عبد الوهاب، «پیش‌گیری از جرم از منظر قرآن»، معرفت ۱۴۸ (ویژه حقوق)، شماره اول، سال ۱۹، ۱۳۸۹.
۲۴. لیزینا، ام. آ.، *الگوهای ارتباطی (کودک، بزرگسال، هم‌سالان)* ترجمه: محمد جواد مدبرنیا، چاپ اول، تهران: دنیای نو، ۱۳۷۵.
۲۵. مارتین، مایکل، «تربیت اخلاقی و تربیت علمی»، ترجمه: علی کوچکی، راه تربیت (ویژه تربیت نظام مند و نظام‌نامه تربیتی)، ۱۳۸۶.
۲۶. محمدی، نرگس، «نقش دوستان منحرف در بزهکاری جوانان»، محمد حسن فقیهی، سطح ۲، جامعه الزهرا ع، قم، ۱۳۷۸، ۷۹.
۲۷. مسکویه، احمد بن محمد، *کیمیای سعادت (ترجمه طهارة الأعراق)* ترجمه: میرزا ابوطالب زنجانی، تصحیح ابوالقاسم امامی، چاپ اول، تهران: نقطه، ۱۳۷۵.
۲۸. مطهری، مرتضی، *اخلاق جنسی (در اسلام و جهان غرب)*، چاپ بیست و هشتم، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۲۹. \_\_\_\_\_، *جامعه و تاریخ (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی ۵)*، چاپ بیست و سوم، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۳۰. مطیعی طالقانی، سهریر، *فرهنگ تربیت جوان (راهکارهای تربیت جوان موفق از دیدگاه اسلام، روانشناسی و جامعه‌شناسی)*، چاپ اول، قم: روضه العباس، ۱۳۹۲.
۳۱. ملکی، علی، «درآمدی بر مبانی تربیت سیاسی»، راه تربیت (ویژه تربیت اجتماعی-سیاسی)، شماره ۱۲، سال ۱۳۸۹، ۵.
۳۲. موسوی، سمیه، «راهکارهای مؤثر در تربیت جنسی کودکان»، رمزی، سطح ۲، جامعه الزهرا ع، قم، ۱۳۸۷.
۳۳. ناصر، ابراهیم، *بررسی تطبیقی تربیت دینی*، ترجمه: علی حسین زاده، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی ع، ۱۳۸۰.
۳۴. نعمت‌اللهی، آزاده، «علل اجتماعی انحراف جوانان و پیشگیری و درمان آن»، محمد فاکر میبیدی، سطح ۲، جامعه الزهرا ع، قم، ۷۹.
۳۵. هاشمی محجوب، مصطفی، *مثلث را جدی بگیرید!*، چاپ دوم، مشهد: ملک اعظم، ۱۳۹۰.

## أساليب التربية الأخلاقية للأولاد المأخوذة

من روايات أهل البيت عليهم السلام.

علي نقي فقهبي<sup>١</sup> / خديجة اسفندياري<sup>٢</sup> / رضا جعفري هرندي<sup>٣</sup>

إنّ التربية الأخلاقية هي عملية لتمهيد الأرضية واستخدام بعض الأساليب والمناهج لازدهار وتربية الفضائل مع تحسين وتصحيح الرذائل الأخلاقية. وتهدف المقالة التي بين يدي القارئ الكريم لدراسة مناهج التربية الأخلاقية من منظار أهل البيت عليهم السلام واستفاد في تدوينها المنهج الوصفي-التحليلي. ولجمع المعلومات اللازمة لتحقيق أهداف البحث، تمّ استخدام استمارات لتدوين الملاحظات من المصادر المرتبطة بالموضوع، وتمّ تحليلها بعد جمع المعلومات من خلال المناهج النوعية. ومن جملة نتائج هذه المقالة هي: الف) أكثر المسائل الأساسية في سعادة الإنسان هي تعليم مناهج التربية الأخلاقية. ب) مناهج التربية الأخلاقية تبنتي على أصول الخلقة ومتلائمة مع الأهداف السامية لها. ج) أكدت أحاديث أهل البيت عليهم السلام على أربع فئات من المناهج هي "الخلفية"، و"التحفيزية"، و"المعرفية"، و"التوجيهية". د) قد تمّ عرض الفنون والتقنيات المختلفة للعمل بكلّ فئة من المناهج.

الكلمات المفتاحية: التربية الأخلاقية، المناهج، الفنون التربوية، روايات أهل البيت عليهم السلام.

١. أستاذ مشارك في قسم العلوم التربوية بجامعة قم. faqhihi83@yahoo.com

٢. متخرجة من المستوى الثالث بجامعة الزهراء عليها السلام. khesfandiari@gmail.com

٣. أستاذ مشارك في قسم العلوم التربوية بجامعة قم. rjafarih@yahoo.com



## أضرار الإنترنت للتربية الأخلاقية عند المراهقين

هاجر ذبيحي<sup>١</sup>

إنّ شبكة الإنترنت كإحدى وسائل الإعلام الحديثة لها نفوذ وسيع في حياة الإنسان المعاصر في الأبعاد الفردية والاجتماعية. وإلى جانب الكثير من المحاسن والمزايا للإنترنت -التي يمكن أن تكون مصدراً للآثار الإيجابية والراقية لسموّ الإنسان وصعوده- ثمة تحديات وتهديدات تربوية وأخلاقية كثيرة المترتبة عليها تلوح في فكر الإنسان. ويستخدم مصممو الإنترنت الرئيسيون منها كأداة للنفوذ والسيطرة السياسية والثقافية على الدول المختلفة ويلحقون الأضرار الكبيرة والأساسية بمجسد المجتمعات حيث تنخره من الأبعاد المختلفة. ويقومون بمسح هوية الشباب و المراهقين من خلال التأثير في الأبعاد الفردية والاجتماعية لهم وتمهيد الأرضية غير الأخلاقية، ويزيدون في الفجوة بين الأجيال عن طريق تكوين الثقافات الفرعية المختلفة. أما المقالة التي بين يدي القارئ الكريم التي تعتمد على المنهج الوصفي-التحليلي فتتطرق على باثولوجيا الفضاء السيبراني وأضراره للتربية الأخلاقية عند المراهقين في جانبي «الأسس الفكرية والنظرية» و«العملية والسلوكية»، إضافة إلى بيان الأدلة النفسية للرغبة المتزايدة للشباب في الحضور في هذا الفضاء. وتدلل نتائج الدراسة على أنّ التهديدات المطروحة في الجانب الفكري والنظري تشمل العقلانية المتطرفة، واضمحلال الأخلاق الاجتماعية والعدمية القيمة، وأزمة الهوية؛ كما أنّ التحديات العينية والسلوكية تشمل ترويج الوقاحة، والشذوذ الجنسية، والصدقات عبر الإنترنت، وتقليل قيم الأسرة، والعزلة الاجتماعي، ونشر الشائعات والأكاذيب، و تقليل المسؤولية الاجتماعية، والمضايقات الاجتماعية. ويرجى أنّ نتائج المقالة تمهد الأرضية المناسبة للجيل الجديد للتعامل مع الفضاء السيبراني في إطار الربط الصحيح بين السنة والحداثة. الكلمات المفتاحية: التهديد، الإنترنت، الفضاء السيبراني، الأخلاق، التربية الأخلاقية، المراهق.

## دراسة السيرة السلوكية للنبي الأكرم صلى الله عليه وآله في علاقته بزوجاته

رؤيا كاظمي<sup>١</sup>

تعتبر الحياة الأسرية من أهم القواعد الاجتماعية للحياة البشرية، ويجب على الزوجين كركيزتين أساسيتين للأسرة السعي وراء سموها وتعاليمها. والتبعل هو مهارة يمكن للزوج والزوجة من خلالها الحصول على معرفة كاملة بعضهما من البعض وبالتالي تلبية جميع أبعاد متطلبات بعضهما البعض. ويعتبر عدم وجود نمط للتبعية والطاعة في أسلوب التبعل أهم مصدر للخلاف بين الزوجين. وأدى اهتمام الإسلام بالعلاقات الزوجية إلى التعريف بأفضل الأنماط في هذا المجال وأكثرها تكاملاً. يعد النبي الأكرم صلى الله عليه وآله وسلم كمصدر الكمال البشرية ومنهلهما أفضل الأنماط السلوكية للتبعل بين جميع الإنس. كما يبدو أن الحياة الأسرية للأشخاص إذا انتظمت على أساس السيرة النبوية الشريفة، فتغلب مجموعة من الفضائل كالعدالة، والمحبة، والتعاون، والمغفرة، والمدارة، والمودة و.... على العلاقات الزوجية. أما الباحثة في المقالة التي بين يدي القارئ الكريم فتسعى إلى دراسة السيرة النبوية الشريفة صلى الله عليه وآله في علاقته بزوجاته. الكلمات المفتاحية: الأسرة، الصداق، العدالة، السيرة السلوكية للنبي صلى الله عليه وآله وسلم.

١. طالبة في المستوى الثالث من اختصاص التربية والتعليم بجامعة الزهراء عليها السلام، وطالبة في مرحلة الماجستير في اختصاص

الاستشارة بجامعة العلامة الطباطبائي- طهران Kazemi.1396@yahoo.com

## النمط السلوكي للسيدة خديجة الكبرى عليها السلام في العلاقة بالتبعل

ثريا شاعيدي<sup>١</sup>

إنّ ضرورة معرفة نمط متكامل في التعاملات السلوكية للزوجين تؤدّي إلى استحكام ونمو الأسرة كأهم مؤسسة في المجتمع. وفي هذا النطاق، فإنّ أمّ المؤمنين السيدة خديجة الكبرى عليها السلام يتمّ تعريفها من أفضل الأنماط والنماذج، وتعتبر سيرتها في علاقتها بزوجها من المعايير القيمة في هذا المجال. واعتمدت الكاتبة في المقالة التي بين يدي القارئ الكريم على المصادر التاريخية-الروائية وفقاً للمنهج المكتبي، كما استعانت بالمنهج الوصفي التحليلي في تقديم المطالب. وتدلّ نتائج الدراسة على أنّ الحكمة، والتفكير الجديد، وطلب الروحانية هي من أهمّ المبادئ القيمة في سيرتها السلوكية لاختيار الزوج وشريك الحياة ورفيقها. ومن التجليات البارزة للعلاقة الزوجية عند السيدة خديجة الكبرى عليها السلام هي حسن التبعل عند حدوث الصعوبات، وإقامة العلاقات اللفظية المطلوبة مع الزوج، وتربية الأولاد، وطاعة الزوج، والموقف القيمي حيال الزوج.

الكلمات المفتاحية: السيدة الخديجة الكبرى عليها السلام، النموذج، السلوك، العلاقة، التبعل.

# انخفاض عدد السكان وأثرها في العلاقات الإنسانية في الأسرة والمجتمع

معصومة مؤذن<sup>١</sup>

يؤثر عدد السكان وتغيراته كركيزة أساسية للمجتمع كثيراً في تطور المجتمع أو تدهوره، بحيث يتأثر منه الاقتصاد، والثقافة، والسياسة، وسائر أقسام المجتمع. أما الباحثة في المقالة التي بين يدي القارئ الكريم فتتطرق إلى آثار انخفاض عدد السكان في العلاقات الإنسانية في الأسرة والمجتمع. إن الانخفاض في عدد السكان يؤدي في مستوى الأسرة إلى بعض التغييرات كتغيير شكل الأسرة من الممتدة إلى النوواة، وانتشار ظاهرة الطفل الوحيد وتبعاتها الناتجة عنها، وانخفاض مستوى صلة الأرحام، ووقف دعم الأسرة. ولما كانت الأسرة هي مرآة الأسرة تماماً، فإن انخفاض عدد السكان في مقياس أوسع يؤدي إلى تغييرات في المجتمع إضافة إلى التغييرات في مستوى الأسرة وهي عبارة عن: هدم الثقافات الفرعية، وظهور التعمّر السكاني وتبعاته الخاصة به، والبدوخ، وسيطرة الأجانب الثقافية. الكلمات المفتاحية: الانخفاض السكاني، العلاقات الإنسانية، الأسرة، المجتمع.

١. طالبة في المستوى الرابع في تخصص الفقه والأصول بجامعة الزهراء عليها السلام وطالبة دكتوراه في فرع الثقافة والاتصالات بجامعة

باقر العلوم عليها السلام . mm.bahar90@gmail.com

## دراسة العقبات البيئية في تربية الأولاد الدينية

أكرم حبيبي خاوه<sup>١</sup>

كانت التربية الدينية كإحدى أبعاد التربية تواجه منذ بزوغ شمس الإسلام بعض العقبات للحصول على المباني الدينية منها العقبات البيئية التي تشمل شذوذ الأسرة، والمدرسة، والأصدقاء، والمجتمع، والبيئة الطبيعية. إنّ الشخص ينمو في تعامله مع بيئته ويتعرض للنزعات المختلفة عن الدين أو المتعارضة معه. أمّا المقالة التي بين يدي القارئ الكريم فتقوم بدراسة العقبات البيئية أمام تربية الأولاد الدينية نظراً لأهمية عنصر البيئة للقائمين بأمر التربية ولهدف الحصول على أداء ناجح في إنجاز المشاريع. وتدلّ نتائج الدراسة على أنّ البيئة غير ملائمة تسبب في الانحراف عن المسار الصحيح للتربية. وعليه فإنّ المقالة تخطو خطوة نحو اجتياز العقبات والتقليل من الأضرار التي تلحق البيئة بالتربية الدينية، وذلك من خلال البحث في الموضوع ودراسته. وتعتمد المقالة فيه على المنهج المكتبي-الوثائقي والمنهج الوصفي التحليلي ومن خلال استخدام المصادر التربوية المطلوبة.

الكلمات المفتاحية: التربية الدينية، العقبة، البيئة.

١. طالبة في المستوى الثالث من فرع التربية والتعليم بجامعة الزهراء عليها السلام، بكولاريوس الإلهيات اختصاص الفقه ومباني الحقوق

من جامعة بيام نور-قم. Zahra1368habibi@gmail.com

# A Study of Peripheral Obstacles in Offspring's Religious Upbringing

Akram Habibi Khave<sup>1</sup>

Since the emergence of Islam, religious training as one of the dimensions of upbringing has faced obstacles for achieving religious principles. Peripheral obstacles are regarded as one of those obstacles which includes abnormalities in family, school, society, and natural environment. Individuals grow up in their interactions with their surroundings; therefore, facing various attitudes either different from religion or against it. Considering the significance of the element of peripheral environment for those who care for education, as well as achieving successful performance in fulfilling programs, this study intends to examine the peripheral obstacles in the process of offspring's religious upbringing. It also explains that inappropriate environment will result in deviation from the right path of training. Thus, by investigating this issue, the study aims to eliminate the obstacles and reduce the peripheral damage on religious upbringing. The applied method is based on a library- documentary one as well as a descriptive-analytical method using required sources related to upbringing.

Key words: religious upbringing, obstacles, surroundings

---

1. Researcher in Islamic Education and Training; level three of Jameat-al zahra; B.A in Theology, Jurisprudence and Principles of Law, Payame Noor University of Qom

# Population Reduction and Its Influence on Individuals' Communication in Family and Society

Masoume Moazen<sup>1</sup>

As an essential element of any societies, population and its related changes have a great impact on societies' growth or decline so that economy, culture and other parts of the society are affected by this issue. This article, based on a descriptive-analytical method, investigates consequences of the influence of population reduction on individual's relationship in family and society. Considering the issue of family, population reduction will cause some changes in family type including changes from extensive family to nuclear one, the prevalence of single child and its complication, the decline of friendly relations with relatives, as well as the disruption of family support. Since family is regarded as the reflecting mirror of the society, the reduction of the family, in a wider scope, results in changes in the society including: the devastation of subcultures, outbreak of aging population and its related complication, welfare affliction as well as cultural dominance of foreigners.

Key words: population reduction, human communication, family, society

---

1. Seminary Student of Level Four of Jameat-al-zahra, Religious Jurisprudence and Principles; Ph.D. Student of Culture and communication, Baqir al-Olum University. mm.bahar90@gmail.com

# Behavioral Pattern of Hazrat Khadija Regarding Conjugal Life's Responsibilities

Soraya Shaidi<sup>1</sup>

## Abstract

The necessity to know the complete pattern in the behavioral interactions of couples leads to the strength and growth of the most important institution of society, namely the family. Regarding this issue, Hazrat Umm Al-Mu'minin Khadija, is introduced as one of the best models. Her manner in relation to her husband is a valuable criterion in this regard. Thus, historical- narration sources were applied based on the library approach and a descriptive- analytical method was also used to provide the data. In her behavioral manner, factors such as intellectualism and wisdom are regarded as the main principles of choosing a husband. Fulfilling the conjugal life's responsibilities well in the face of adversity, establishing a preferred verbal communication with her husband, parenting, obedience, and a value-oriented attitude toward her husband are examples of the obvious manifestations of Hazrat Khadija's conjugal life's responsibilities.

Key words: Khadijah Kobra (AS), pattern, behavior, relationship, conjugal life's responsibility

---

1. Seminary Student in Interpretation and Quranic Sciences, Level Three of Jameat-al Zahra



# A Study of the Holy Prophet's Behavioral Manner with his Wives

Roya Kazemi<sup>1</sup>

Family life is regarded as one of the most important social foundations of human life, hence, spouses as the two main pillars of the family should strive for its excellence. Conjugal life's responsibility is a skill through which couples- with a comprehensive recognition from each other- can fulfil all dimensions of each other's needs. Nowadays, considering conjugal life's responsibility, lack of having a model to follow in this issue is recognized as one of the main causes of couples' disagreement. Islam's concern for spouses has led it to present the best example in this regard. The holy prophet of Islam, as the source for human perfection, is highlighted as the best model of behavioral manner for all human beings. It seems that if individual's family life is established based on the holy prophet's manner, then justice, affection, forbearance, and etc., will dominate spouses' relationships. This study, based on a historical- analytical methods intends to examine the holy prophet's behavioral manner with his wives.

Key words: family, justice, holy Prophet's behavioral manner

---

1. Seminary Student, Islamic Education and Training, Level Four of Jameat-al zahra

# Internet Threat for Adolescents' Moral Education

Hajar Zabihi<sup>1</sup>

Internet as a new medium of communication has a wide influence on the life of modern man regarding individual and social dimensions. In addition to numerous benefits and advantages of Internet - which can be the source of positive and uplifting effects on human excellence – it can also be associated to many challenges and threats in the realm of morality and education. The prominent designers of the Internet employ it as a tool to penetrate into the political and cultural life of various countries; hence, they cause serious damage to the foundation of societies in various dimensions. By influencing the individual and social dimensions of youth and adolescents' life as well as providing immoral contexts, they try to transform individuals' identity and personality. Furthermore, by forming different subcultures, they intend to increase the generation gap in societies. Applying a descriptive-analytical method, the present study intends to examine the psychological reasons for adolescents' increasing tendency for spending time in cyberspace. It also aims to investigate the pathological aspects of this space on adolescents' moral education in two dimensions of "intellectual and theoretical foundations" as well as "practical and behavioral foundations". The Findings indicate that the threats in the realm of intellectual and theoretical dimensions includes (extremist rationalism, diminishing social ethics, value nihilism and identity crisis) and in the realm of objective and behavioral challenges includes (honor deprivation, sexual deviations, online friendships, declining family values, social isolation, gossip and lies, reduced social responsibility and cyberbullying). Hoping that the content of this research, by creating enlighten wisdom, provide the basis for the correct interaction of the new generation with cyberspace, so that a clear horizon will emerge in the process of the correct interaction between tradition and modernity.

Keywords: threat, Internet, cyberspace, ethics, moral education, adolescents

---

1. Graduated in Level three of Jameat-al'zahra; Islamic Education and Training, zabihihajar@gmail.com.

# Methods of Moral Upbringing of Children Taken from the Narrations of Ahl al-Bayt (AS)

Ali Naqi Faqih<sup>1</sup>

Khadije Esfandiari<sup>2</sup>

Reza Jafari Harandi<sup>3</sup>

Moral upbringing includes the process of laying the groundwork as well as applying methods for flourishing and cultivating virtues with correcting or eliminating moral vices. Applying a descriptive-analytical method, this study intends to investigate methods of moral upbringing in Ahl al-Bayts' perspective. In order to collect the required data for accomplishing the objectives of the study, notes were extracted from the sources related to the subject. Then, the collected data were analyzed based on a qualitative method. The findings reveal that: a) learning the methods of moral upbringing is the most essential issue leading to human felicity. b) Methods of moral upbringing is not only based on principles but also is in harmony with the magnificent goals of creation. c) In Ahl al-Bayt's Ahadith the emphasis is on these four methods highlighting "groundwork", "motivation", "cognition", and "guidance". d) Various techniques are provided to make each method practical.

**Key words:** moral upbringing, methods, upbringing techniques, Ahl al-Bayts' narrations

- 
1. Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Qom, faqih83@yahoo.com.
  2. M.A in Interpretation and Quranic Sciences; Graduated in Level three of Jameat -al' zahra khesfandiyari@gmail.com
  3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Qom. rjafarih@yahoo.com.

# Educational and Psychological Studies of the Family

**Bi-Quarterly Scientific-Expertise Journal of Family Educational and Psychological Studies**  
First Year - First Issue - autumn and winter 2019-2020 - Price 50,000 Rial

**Publisher:** Jameat-al'zahra (AS)  
**Director-in-Charge:** Seyyed Mahmood Madani Bejestani  
**Editor-in-Chief:** Hossein Rezaiyan Bilondi  
**Manager:** Khadije Komeyjani  
**Editors:** Mohammad Yousefi, Roqaye Chavoshi  
**English Translator of Abstracts:** Fezeh Khataminia  
**Arabic Translator of Abstracts:** Hamed Faghihi  
**Graphic Designer:** Mohammad Hossein Hamedanian

#### Editorial Board: (Alphabetically)

**Mohammad Reza Ahmadi:** Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute; Department of Educational Psychology  
**Masoumeh Esmaili:** Full Professor of Allameh Tabataba'ee University; Department of Counseling  
**Hadi Hosseinkhani Naini:** Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute; Department of Educational Psychology  
**Mohammad Dolatkhan:** Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute; Department of Educational Psychology  
**Mohammadreza Salarifar:** Assistant Professor of Research Institute, Department of Psychology  
**Mohammad Sadegh Shojaei:** Assistant Professor; Al-Moustafa International University, Department of Psychology  
**Mohammad Mehdi Safouraei:** Associate Professor; Al-Mustafa International University, Department of Psychology  
**Maryam Fatehizadeh:** Full Professor, University of Isfahan; Department of Counseling  
**Ali Naqi Faghihi:** Associate Professor, Qom University; Department of Education and Training

#### Referees of this issue (in Alphabetical order):

Mohammad Sadegh Shojaei, Najibullah Nouri, Abbas Ali Haratian

**Address:** Jameat-al'zahra, BoualiSina Street, Salarieh, Qom  
**Phone Number:** 025 - 32112400  
**Fax:** 025 - 32904910  
**Email address:** fpes@jz.ac.ir